



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی

محورهای همایش

تحلیل تجربه و دستاوردهای جمهوری اسلامی در توصیه های هفتگانه بیانیه و ارزیابی وضع کنونی آنها

- علم و پژوهش
- اقتصاد
- استقلال و آزادی
- سبک زندگی
- معنویت و اخلاق
- عدالت و مبارزه با فساد
- عزت ملی و مرزبندی با دشمن در روابط خارجی

نهادهای علمی و بیانیه گام دوم باتاکید بر نقش نسل جوان (بخش ویژه همایش)

- حوزه و دانشگاه و مسئولیت های اجتماعی
- کار و پژوهش های علمی کشور در بسط اخلاق و معنویت
- نسل جوان حوزه و دانشگاه و تولید علم بومی
- مراکز علمی و بسط عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد
- حوزه انقلابی و صیانت از گنتمان انقلاب اسلامی
- حوزه علمی، نسل جوان و بیانیه گام دوم

تحلیل بیانیه گام دوم با رویکرد تمدنی

- چیستی و ویژگی های تمدن اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام
- زمینه ها و فرایندها و شکل گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام
- رویکرد و بینش تمدنی مقام معظم رهبری علیه السلام
- بیانیه گام دوم و اسناد کلان کشور
- نسبت سنتی بیانیه گام دوم با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چیستی، چرایی و چگونگی تحقق بیانیه گام دوم

- پیش نیازهای تحقق بیانیه گام دوم
- الزامات بیانیه گام دوم
- راهبردها و راهکارهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب
- پیامدهای تحقق بیانیه گام دوم





پروژه‌های علوم و فرهنگ اسلامی
المعهد العالي للعلوم و الثقافة الإسلامية
Islamic Sciences and Culture Academy



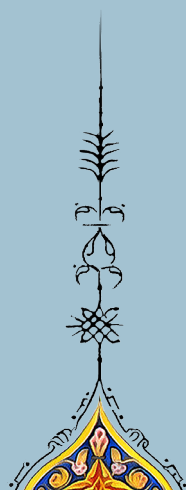
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

ویژه‌نامه همایش ملی بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی

تهیه و تنظیم: روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
و دبیرخانه همایش ملی بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی

سردبیر: محمدرضا قربان‌زاده

طراحی: علی مظفری و گروه چاپ فیروزه



فهرست

۱.....	شورای علمی همایش.....
۳.....	یادداشت.....
۷.....	مصاحبه.....
۱۹.....	گزیده چکیده مقالات.....
۲۹.....	گزیده نشست‌ها.....
۶۹.....	معرفی کتب همایش.....
۷۱.....	گزارش تصویری و انعکاس خبری.....



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیجا کا دو انقلاب و تمدن نوین اسلامی

شورای علمی همایش





کمیته علمی و ناظران علمی همایش

بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

رئیس دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مدیر کل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

رئیس پژوهشکده فقه و حقوق

رئیس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام

رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم

رئیس مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی

سرپرست پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی

رئیس پژوهشکده فلسفه و کلام

حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا

حجت الاسلام والمسلمین واعظی

حجت الاسلام والمسلمین لک زایی

حجت الاسلام والمسلمین مریچی

حجت الاسلام والمسلمین ثنائی

حجت الاسلام والمسلمین الویری

حجت الاسلام والمسلمین هاشمیان

حجت الاسلام والمسلمین صرامی

حجت الاسلام والمسلمین مطهری فر

حجت الاسلام والمسلمین میراحمدی

حجت الاسلام والمسلمین یوسفی مقدم

حجت الاسلام والمسلمین بابایی

حجت الاسلام والمسلمین یعقوب نژاد

دکتر ابراهیم علی پور





بسم الله الرحمن الرحيم

دربارهٔ انقلاب اسلامی ملت ایران و چیرستی و چرایی آن بسیار گفته‌اند. در این میان، آن چه کمتر از نگاه تحلیل‌گران و صاحب نظران پنهان مانده است، فراوی رهبران و رهپویان این نهضت عظیم انسانی از خواسته‌های مرسوم و متعارف در دیگر نهضت‌ها و تلاطم‌های اجتماعی شناخته شده در دیگر جوامع و سرزمین‌هاست. آن چه با عنوان شعارها و فریادهای انقلابی، فراز آمد و جان‌ها و اندیشه‌ها را نواخت، بانگ ایمان‌گرایی، اسلام‌خواهی، حق‌جویی، عدالت‌طلبی، استقلال‌طلبی و رهایی یک ملت از چنگال استبداد و استعمار بود؛ از این رو این انقلاب، هویتی فرهنگی و وجهی معنوی و ایمانی دارد و نظام سیاسی برآمده از آن، برشالوده این گفتمان و رسالت ارزشی و ایمانی استوار شده است. کامیابی و توفیق میراث سیاسی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی رحمته الله علیه در گرو نگاه‌داشت و پایداری گفتمان انقلاب در ساحت اندیشه و باور جامعه و تحقق عینی و عملی اصول و ارکان این گفتمان در عرصه‌های مختلف حیات جمعی ملت ایران است.

صدور بیانیه گام دوم توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در بهمن ۱۳۹۷ و چهلمین سال پیروزی انقلاب، به سبب آن که در بردارندهٔ تحلیلی منصفانه و همه‌سونگرار فراز و فرودها و چالش‌های انقلاب و نظام اسلامی مردم ایران در چهار دههٔ نخست است، فرصت مناسبی پیش‌روی ارباب اندیشه و فکر جهت بازاندیشی و تأمل در تجارب و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌گشاید، و به سبب آن که این بیانیه در بردارندهٔ توصیه‌های راهبردی در جهت بالندگی و پیشرفت نظام و جامعهٔ اسلامی ماست، همه نیروهای متعهد و نهادهای تأثیرگذار حاکمیتی و غیر حاکمیتی به ویژه دو کانون اصلی علمی و معرفتی کشور، یعنی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها را به این امر فرا می‌خواند که در چگونگی تحقق این توصیه‌ها اندیشه کنند، موانع و کاستی‌ها را بشناسند و فرهیختگی و حرکت جهادی خود را آشکار سازند و نسبت و نقش خود را با محورها و توصیه‌های ناظر به آینده انقلاب اسلامی، تعریف نمایند.



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در جایگاه یک نهاد علمی و فرهنگی برآمده از متن انقلاب اسلامی با هدف درگیرکردن جامعه نخبگانی حوزه و دانشگاه با درون‌مایه بیانیه گام دوم، همایش «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» را در چهار محور اصلی طرّاحی کرد.

محور نخست همایش، «تحلیل بیانیه گام دوم با رویکرد تمدنی» انتخاب شد زیرا این بیانیه گرچه یک متن نگاشته شده درباره تمدن اسلامی نیست، اما دلالت‌های تمدنی دارد و ایجاد تمدن نوین اسلامی را آرمان بزرگ انقلاب اسلامی ایران می‌خواند. به سبب برخورداری از دلالت‌های تمدنی است که این بیانیه، دارای ویژگی‌هایی نظیر کلان‌نگری، آینده‌نگری، امیدآفرینی و همه‌جانبه‌نگری و توصیه‌های راهبردی به جاری انقلاب اسلامی و پوییش و مقاومت ملت شریف ایران است.

محور دوم همایش، «چیستی و چرایی و چگونگی تحقق بیانیه گام دوم، است. این بیانیه گرچه یک سند رسمی توسعه و پیشرفت در عرصه مدیریت استراتژیک نیست و با قالب‌ها و صورت‌بندی مرسوم در این‌گونه اسنادها فاصله دارد و مشتمل بر مباحث تفکیک‌شده‌ای نظیر اهداف، سیاست‌ها، افق‌ها، تدابیر کلان و هدف‌گذاری‌های کمی نیست و به اهدافی نظیر تصویرسازی از گذشته و آینده انقلاب، هدایت‌گری و آگاهی‌بخشی، انگیزه‌سازی و امیدآفرینی، توجه جدی دارد، اما توصیه‌های اساسی و راهبردی جهت بالندگی و پیشرفت انقلاب اسلامی را نیز وجهه همّت خود قرار داده است؛ از این رو بر فضلا و استادان متعهد حوزه و دانشگاه لازم است در پیش‌نیازهای تحقق این بیانیه و راهبردها و راه‌کارهای عینیت‌بخشی به این توصیه‌ها، فکر و تأمل نمایند. بخش سوم همایش معطوف به تحلیل تجربه و دستاوردهای جمهوری اسلامی در توصیه‌های هفتگانه بیانیه و ارزیابی وضع کنونی آن‌هاست. این بخش، در واقع، حرکت علمی و تحلیلی در فضای صفحات نخستین بیانیه گام دوم و نگاه وضعیت‌شناسانه به موضوعات مورد توصیه رهبری معظم انقلاب در بخش پایانی بیانیه است.

بخش چهارم همایش به نقش‌آفرینی بایسته و شایسته نهادهای

علمی کشور به‌ویژه نقش و تأثیر نسل جوان این نهادهای حوزوی و دانشگاهی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم می‌پردازد. در دعوت از استادان و صاحب‌نظران بدان مشارکت علمی و تولید محتوای دانشی در محورهای چهارگانه همایش، سعی بر آن بود فضای بحث و گفتگو و اظهار نظر، متکثر و گشوده باشد و مجال مشارکت برای سلائق و منظرهای فکری متنوع فراهم باشد. گمان نگارنده آن است که در انجام این مقصود توفیق نسبی داشتیم و در این جا از همه استادان و صاحبان اندیشه که دعوت ما را اجابت کرده و در این پویش علمی سهیم شده و مجموعه حاضر را فراهم آورده‌اند قدردان و تشکر می‌کنم.

برخود فرض می‌دانم از دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سعیدرضا عاملی و رئیس شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر پارس‌انیا جهت همراهی و مشارکت در همایش و از همکاران خودم در دفتر تبلیغات اسلامی که در بخش‌های مختلف اجرایی و علمی زحمات فراوانی جهت برگزاری همایش و تدوین و نشر آثار آن متحمل شده‌اند، قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنم. طرّاحی محورهای همایش و مدیریت و به‌سامان رساندن محتوای علمی آن، مرهون تلاش‌های اعضای محترم کمیته علمی همایش و ناظران علمی، حجج اسلام الویری، هاشمیان، لک‌زایی، مریجی، ثنائی، صرّامی، مطهری‌فر، میراحمدی، یوسفی مقدم، بابایی، یعقوب‌نژاد و آقای علی‌پور است که امیدوارم زحمات و تلاش‌های آنان مقبول حق متعال باشد.

الحمد لله رب العالمین

احمد واعظی

رئیس همایش بیانیه گام دوم انقلاب

و تمدن نوین اسلامی

نشست خبری اعلام فراخوان همایش ملی

«بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی»

«الزامات بیانیه گام دوم»، «راهنماها و راهکارهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب» و «پیامدهای بیانیه گام دوم» از بخش‌های اصلی آن به شمار می‌رود.

مدیرکل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تصریح کرد: همچنین «تحلیل تجربه و دستاورهای جمهوری اسلامی در توصیه‌های هفتگانه بیانیه و ارزیابی وضع کنونی» سومین محور این همایش است و علاقه‌مندان در این محور می‌توانند در بخش‌های «علم و پژوهش»، «اقتصاد»، «استقلال و آزادی»، «سبک زندگی»، «معنویت و اخلاق»، «عدالت و مبارزه با فساد» و «عزت ملی و مرزبندی با دشمن در روابط خارجی» به پژوهش بپردازند.

وی با بیان اینکه «نهادهای علمی و بیانیه گام دوم با تأکید بر نقش نسل جوان» محور چهارم همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» است، افزود: این محور، بخش ویژه این همایش بوده و شامل بخش‌هایی از جمله «حوزه و دانشگاه و مسئولیت‌های اجتماعی»، «کار ویژه نهادهای علمی کشور در بسط اخلاق و معنویت»، «نسل جوان حوزه و دانشگاه و تولید علم بومی»، «مراکز علمی و بسط عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد»، «حوزه انقلابی و صیانت از گفتمان انقلاب اسلامی» و «حوزه علمیه، نسل جوان و بیانیه گام دوم» می‌شود.

مدیرکل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تصریح کرد: از زمانی که این کار آغاز شده، تا کنون بسیاری از علما، فضلا، محققان و پژوهشگران برای فعالیت در سه حوزه مصاحبه، برگزاری نشست‌های علمی، کرسی‌های نظریه‌پردازی و ارائه مقاله اعلام آمادگی کرده‌اند.

وی با بیان اینکه همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» در دهه فجر سال جاری برگزار خواهد شد، افزود: آخرین مهلت ارسال آثار ۳۰ مهرماه سال جاری خواهد بود و علاقه‌مندان از دو طریق می‌توانند آثار خود را به دبیرخانه این همایش ارسال کنند؛ پژوهشکده‌ها و اعضای هیأت علمی که به دبیرخانه این همایش دسترسی دارند، می‌توانند به صورت مستقیم مقالات خود را ارائه دهند، همچنین سایر علاقه‌مندان نیز می‌توانند از طریق سایت www.gaam2.dte.ir آثار خود را به دست ما برسانند.

حجت‌الاسلام والمسلمین ثنائی اظهار داشت: دبیرخانه همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» در قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه چهارم، حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم واقع شده است.

وی از برگزاری ۲۵ نشست علمی، کرسی نظریه‌پردازی و مصاحبه در راستای همایش «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» خبر داد و ابراز کرد: این فراخوان در سطح ملی است.

مدیرکل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در جمع خبرنگاران با اشاره به برگزاری همایش «بیانیه گام دوم و تمدن نوین اسلامی» در دهه فجر امسال، به تشریح اهداف و محورهای این همایش پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اصغر ثنائی که طی حکمی از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی به عنوان دبیر اجرایی همایش ملی «بیانیه گام دوم و تمدن نوین اسلامی» و عضو کمیته علمی این همایش منصوب شده است در نشست خبری این همایش که با حضور پرشور خبرنگاران در مرکز همایش‌های بین‌المللی غدیر برگزار شد، با اشاره به ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از سوی رهبر معظم انقلاب در طلیعه دهه پنجم انقلاب اسلامی اظهار داشت: این بیانیه در حقیقت به عنوان سند راهبردی نظام برای آینده تلقی می‌شود. وی گفت: با توجه به ویژگی‌های بیانیه گام دوم، ابعاد مختلف و پیچیدگی‌هایی که دارد، لازم است این سند در مرحله نخست از سوی جامعه نخبگانی کشور تبیین شود، زیرا اهداف و ابعاد متفاوتی برای آن متصور می‌شود.

دبیر اجرایی همایش ملی «بیانیه گام دوم و تمدن نوین اسلامی» با بیان اینکه امروز بسیاری از اندیشمندان و نخبگان کشور بیانیه گام دوم را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند، تصریح کرد: با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص دفتر تبلیغات اسلامی که یکی از آنها وجود منابع انسانی اندیشمند و توانمند است، همایشی را با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پایه‌ریزی کرده‌ایم و سعی می‌کنیم آن را به گونه‌ای برگزار کنیم که با سایر همایش‌ها متفاوت تر بوده و خروجی بسیار با محتوایی داشته باشد.

وی با اشاره به اینکه یکی از اهداف برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» تبیین این بیانیه و گفتمان سازی در جامعه علمی و نخبگانی است، افزود: این همایش با هدف تبیین ابعاد مختلف این بیانیه و گفتمان سازی برای مهمترین مأموریت نسل جوان به ویژه در نهادهای علمی کشور به منظور تحقق بخشیدن به بیانیه گام دوم برای حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی از سوی دفتر تبلیغات اسلامی برگزار می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین ثنائی به تبیین محورهای همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداخت و افزود: نخستین محور این همایش، تحلیل بیانیه گام دوم با رویکرد تمدنی است که شامل بخش‌هایی همچون «چیستی و ویژگی‌های تمدن اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، «زمینه‌ها و فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، «رویکرد و بینش تمدنی مقام معظم رهبری»، «بیانیه گام دوم و اسناد کلان کشور» و «نسبت سنجی بیانیه گام دوم با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» می‌شود.

وی گفت: عنوان محور دوم این همایش «چیستی، چرایی و چگونگی تحقق بیانیه گام دوم» است و مواردی همچون «پیش‌نیازهای تحقق بیانیه گام دوم»،

همایش ملی بنیاد و اقدامات تحول نوین اسلام





دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیجا کا دو انقلاب و تمدن نوین اسلامی

مصاحبه





معاون پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم:

بیانیه گام دوم یک سند راهبردی برای ادامه راه انقلاب است



*** با توجه به این که ارتقاء معنویت و اخلاق در جامعه و ترویج سبک زندگی اسلامی یکی از ارکان و مطالبات جدی بیانیه گام دوم است، شما به عنوان بخشی از نهاد فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی قم که به سهم خود عهده‌دار این مسئله است، چه برنامه‌های خاصی در این زمینه دارید؟**

اخلاق و معنویت، یکی از محورهای پژوهش در همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» است و علاوه بر این عنوان یکی از پژوهشکده‌های پژوهشگاه به نام اخلاق و معنویت مزین است. طبیعی است که این عنوان برای پژوهشکده خود بیانگر اهمیت موضوع است و همکاران ما در این پژوهشکده سال‌هاست که موضوع مسأله محوری را در دستور کار خود قرار داده‌اند و با شیوه‌ای خاص به تحقیق در این زمینه مشغول هستند. اعضای محترم هیأت علمی پژوهشکده اخلاق و معنویت به شیوه گفتگو محور مباحث علمی خود را پیش می‌برند و تاکنون موفقیت‌های خوبی در تولید آثار علمی داشته‌اند. سبک زندگی هم در بعد اخلاقی و هم در بعد سبک زندگی قرآنی در پژوهشگاه مورد توجه قرار گرفته است و پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن در پژوهشگاه تلاش‌های خوبی در موضوع سبک زندگی قرآنی انجام داده است. فرهنگ نامه «سبک زندگی» از جمله پروژه‌های در دست اقدام در این پژوهشکده است.

در موضوع عدالت، از گذشته فعالیت‌هایی در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه انجام شده است و با تأسیس هسته عدالت این فعالیت‌ها سرعت بیشتری به خود گرفته است. کتاب «جستارهای اسلامی در عدالت اجتماعی» از جدیدترین آثار همکاران ما در این مرکز می‌باشد. پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی در پژوهشکده اسلام تمدنی شهر مقدس مشهد انجام می‌شود؛ موضوع استقلال، آزادی و مطالعات اسلامی امنیت و بحث دشمن‌شناسی و مرزبندی آن به پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی اختصاص دارد که از گذشته کارهای بسیار خوبی انجام شده است و اکنون نیز این موضوعات در قالب‌های مختلف با رویکرد مسأله محوری مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گیرد. نظریه «امنیت متعالیه» عنوان نظریه‌ای است که در سال ۱۳۹۷ به تأیید هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی قرار گرفته است و مطالعات مربوط به این موضوع در قالب یک کارگروه مستقل انجام می‌شود.

معاون پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم گفت: بیانیه گام دوم یک سند راهبردی برای ادامه راه انقلاب و با نگاه به گذشته و افق‌گشایی برای آینده است. تحقق مطالبات رهبری در این بیانیه به جهت جامعیت این بیانیه امری ضروری است.

به گزارش روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، به مناسبت برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» به گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین نجف لکزایی «معاون پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و عضو شورای علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداختیم که مشروح این مصاحبه را در ذیل می‌خوانیم:

*** نگاه شما به بیانیه گام دوم و ضرورت تحقق مطالبات مقام رهبری (دام ظلّه) در این بیانیه چیست؟**

بیانیه گام دوم یک سند راهبردی برای ادامه راه انقلاب و با نگاه به گذشته و افق‌گشایی برای آینده است. تحقق مطالبات رهبری در این بیانیه به جهت جامعیت این بیانیه امری ضروری است.

*** دیدگاه این بیانیه در حوزه کاری شما چگونه است و چه انتظاراتی در این حوزه وجود دارد؟ بر این اساس، چه برنامه‌ها و اقداماتی در مجموعه شما در این راستا برنامه‌ریزی شده است؟**

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به جهت رسالتی که در پیش رو دارد به تمامی ابعاد بیانیه گام دوم توجه دارد. قدم اول برای معرفی بیانیه گام دوم تبیین و تحلیل زوایای پیدا و ناپیدای آن است. برگزاری همایش علمی بیانیه گام دوم در دفتر تبلیغات اسلامی این امکان را فراهم آورد تا مروری بر ابعاد مختلف این بیانیه داشته باشیم و انتظارات و مسائل هریک از حوزه‌ها شناخته شود. تحلیل تجربه و دستاوردهای جمهوری اسلامی در توصیه‌های هفت‌گانه بیانیه گام دوم و ارزیابی وضعیت کنونی آن، محوری از همایش مذکور بود که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی عهده‌دار آن گردید؛ در این محور ۳۳ مقاله و ۲۲ نشست علمی آماده و برای نشر ارسال گردید. حوزه‌های علم و دانش، اقتصاد، استقلال و آزادی، سبک زندگی، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد و در نهایت محور هفتم عزت ملی و مرزبندی با دشمن در روابط خارجی، مؤلفه‌های هفت‌گانه مورد تأکید مقام معظم رهبری در این بیانیه است که جنبه‌های مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که این همایش طلیعه‌ای برای انجام پژوهش‌های کاربردی در این حوزه‌هاست. افق پیش رو رسیدن به نظریه در تمامی حوزه‌های هفت‌گانه است و لازمه آن تلاش علمی و فکری مداوم پژوهشگران خواهد بود.

*** با توجه به تأکید بیانیه گام دوم بر استفاده از نیروهای کارآمد و مستعد به عنوان مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، چه برنامه‌هایی برای تربیت و بهره‌وری بهتر از چنین نیروهایی در مجموعه شما صورت گرفته است؟**

نیروی انسانی در امر پژوهش در یک فرآیند اندیشه‌ورزی و آموزش علمی تربیت می‌شود؛ هم‌اکنون پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با حضور بیش از ۱۰۰ هیأت علمی و ۴۰ پژوهشگر تمام وقت در حوزه‌های مختلف دانشی به امر پژوهش می‌پردازد؛ علاوه بر این ظرفیت نیروهای پژوهشی که از بدنه حوزه علمیه قم، مشهد و اصفهان با ما همکاری دارند، خلأهای حوزه منابع انسانی را پر خواهند کرد.

در بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند: «سخن لازم در این باره بسیار است آن را به فرصتی دیگر وامی گذارم و به همین جمله اکتفا می کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بیجبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به جوان هاست».

گروه فرهنگ نامه ها و معاجم قرآنی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تلاش نموده است تا با همکاری میزسبک زندگی و همت پژوهشگران فرهیخته و با بهره گیری از آموزه های نورانی قرآن و اهل بیت (ع)، کاربردی ترین اطلاعات مرتبط با حوزه های گوناگون سبک زندگی (فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیط زیست) را تهیه و در اختیار علاقه مندان قرار دهد، امید آنکه تهیه این گونه آثار قدمی باشد در پاسخگویی به دغدغه های مقام معظم رهبری درباره سبک زندگی اسلامی. لازم به ذکر است کلیه فرایندهای این پروژه شامل (تهیه آیین نامه تدوین، انتخاب موضوعات، نظارت علمی، انتخاب پژوهشگر، ناظر و ارزیاب) با نظارت شورای علمی سبک زندگی و شورای پژوهشی پژوهشکده با همکاری میزسبک زندگی انجام می گیرد. اهداف تدوین فرهنگ نامه سبک زندگی عبارت از تبیین و ارائه شاخص های سبک زندگی بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت (ع)، ارائه مبانی و راه کارهای سبک زندگی بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت (ع)، بستر سازی برای توسعه پژوهش در مفاهیم کاربردی سبک زندگی، بستر سازی برای شکل گیری تمدن اسلامی بر اساس اندیشه های قرآن و اهل بیت (ع) و بستر سازی برای عینیت بخشی به آموزه های قرآن و اهل بیت (ع) در جامعه می باشد. موضوعات فرهنگ نامه «سبک زندگی بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت (ع) عبارت از مبانی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی اهل بیت (ع) (ویژگی ها، حجیت و قلمرو) است. موضوعات حوزه فردی را آراستگی، آسیب شناسی سبک زندگی فردی، امر به معروف و نهی از منکر، اوقات فراغت، بهداشت، بهداشت روانی، پوشش، تغذیه، خواب و بیداری، دانش اندوزی، دعا، روزه، زکات، سفر، عبادت، کسب و کار، مسکن، نماز، مهمانی و ورزش در بر می گیرد. موضوعات حوزه خانوادگی مشتمل بر آسیب شناسی سبک زندگی خانوادگی، ازدواج، رفتار با پدر و مادر رفتار، با خواشوندان، رفتار با فرزند و رفتار با همسر است. موضوعات حوزه اجتماعی عبارت از آسیب شناسی سبک زندگی اجتماعی، تعامل با اهل کتاب (زرتشت، مسیحی، یهودی و...)، تعامل با فرق و مذاهب، تعامل با جوانان، تعامل با دشمنان، تعامل با دوستان، تعامل با بدهکار، تعامل با نیازمندان، تعامل با بیماران، تعامل با زندانی و اسیر، تعامل با سالمندان، تعامل با مصیبت دیدگان، تعامل با همسایگان، تعامل حکومت و مردم و جهاد فرهنگی است. آسیب شناسی سبک رفتار با محیط زیست، سبک رفتار با حیوانات (نگهداری، بهروزی، حقوق حیوانات و...)، رفتار با محیط زیست (آب، باد و باران، درختان و فضای سبز، دریاها و نهرها، راه ها و جاده ها و...)، آداب کشت و زرع، موضوعات حوزه محیط زیست را در بر می گیرد. موضوعات منتشر شده عبارت از آراستگی، اوقات فراغت، پوشش، تغذیه، خواب و بیداری، دانش اندوزی، دعا، سبک زندگی اهل بیت (ع) (دلایل، قلمرو، سفر، عبادت، مبانی سبک زندگی اسلامی، نماز و مهمانی می شود. از این میان موضوعات، مسأله های ازدواج، بهداشت، زکات، روزه، رفتار با پدر و مادر، رفتار با خواشوندان، رفتار با فرزند، رفتار با همسر، کسب و کار و مسکن در دست نشر است.

کلان پروژه های پژوهشکده اخلاق و معنویت عبارت از «الهیات اخلاق»، «اخلاق کاربردی»، «صداقت گستری»، «مبانی روانشناختی تربیت اخلاقی دینی»، «تربیت اخلاقی»، «خانواده»، «تحلیل و نقد عرفان های غیر اسلامی»، «روش شناسی مطالعات معنویت» و «بازخوانی معنویت های اسلامی و معرفی معنویت ثقلین» است. کلان پروژه «الهیات اخلاق» مشتمل بر «کتاب شناخت اخلاق اسلامی»، «اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم»، «المدارس الاخلاقیه فی الفکر الاسلامی» (ترجمه عربی کتاب شناخت اخلاق اسلامی)، «اخلاق اسلامی و کاربریست فاعده تسامح در ادله سنن»، «تعارضات اخلاقی و دانش اصول فقه»، «استنباط حکم اخلاقی از «سیره و عمل معصوم»، «فقه و اخلاق اسلامی؛ مقایسه ای علم شناختی»، «مناسبات اخلاق و فقه در گفتگو با اندیشوران»، «درآمدی بر سبک بندگی؛ اعتدال عبادی در سیره معصومین (ع)»، «استنباط آموزه اخلاقی از متون و ادله لفظی (دفتردوم)»، «استنباط آموزه اخلاقی از متون و ادله لفظی (دفتراول)»، «استنباط آموزه اخلاقی از متون و ادله لفظی (دفتردوم)» و «درآمدی بر سبک بخشندگی» است. کلان پروژه «اخلاق کاربردی» عبارت از «اخلاق کاربردی، کاوش ها و چالش های نوین در اخلاق عملی»، «منشور اخلاقی انتخابات (به سفارش وزارت کشور)»، «درآمدی بر زری طلبگی»، «اخلاق حرفه ای و وظایف صنفی روحانیت از نگاه امام خمینی» و «تأثیر ایمان بر اخلاق با تأکید بر اخلاق فضیلت» است. از دیگر کلان پروژه های این پژوهشکده، کلان پروژه «صداقت گستری» است که در این کلان پروژه ۷ پروژه در دست اجرا می باشد. «راهنمای رشد اخلاقی؛ ملانی کیلن و جودیت اسمتانا» و «نظریه های کلاسیک شناختی - تحولی در رشد اخلاقی» پروژه های کلان پروژه «مبانی روانشناختی تربیت اخلاقی دینی» است. کلان پروژه «تربیت اخلاقی» مشتمل بر «تربیت توحیدی؛ شهید حسین معن» و «نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی» می باشد. کلان پروژه «خانواده» عبارت از «درآمدی بر مبانی و روش های روان شناختی - تربیتی عفاف و حجاب» و «جرم ترک انفاق؛ نگاهی انتقادی به سیاست های تقنینی و قضایی» است. یکی دیگر از کلان پروژه های پژوهشکده اخلاق و معنویت کلان پروژه «تحلیل و نقد عرفان های غیر اسلامی» که عبارت از «جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور» و «معنویت گرایی جدید؛ مؤلفه های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه های گفتمانی» است. کلان پروژه «روش شناسی مطالعات معنویت»، «عرفان و بایسته های عرفان پژوهی در گفتگو با دانشوران» را در بردارد.

پروژه «فرهنگ آثار عرفان اسلامی» در قالب کلان پروژه «بازخوانی معنویت های اسلامی و معرفی معنویت ثقلین» در این پژوهشکده است. خلاصه ای از عملکرد مربوط به کلان پروژه «فرهنگ نامه سبک زندگی بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت (ع)» به شرح ذیل است: شکل گیری سبک زندگی در حوزه های گوناگون فردی و اجتماعی بر اساس آموزه های اسلام یکی از اهداف و آرمان های اصلی انقلاب اسلامی بوده است که علی رغم تلاش ها در طول چهل سال عمر انقلاب، تحقق این هدف دچار چالش شده است و جامعه کنونی ما به علت تأثیر پذیری از فرهنگ غرب از یک سو و تحت تأثیر زندگی قبل از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، متأسفانه نتوانسته است، میان باورهای اصیل اسلامی و سبک زندگی خود در حوزه های گوناگون، ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و از داشتن سبک زندگی اسلامی به معنای واقعی و مورد نظر مقام معظم رهبری محروم مانده و نتوانسته است از میوه های ارزشمند عقاید و باورهای دینی خویش در عرصه رفتار و سبک زندگی بهره مند گردد، مقام معظم رهبری با درک صحیح از این وضعیت نگران کننده،



معاون آموزش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم:

بیانیه گام دوم یک مانیفستی برای گام دوم انقلاب اسلامی است / همایش گام دوم همایش علمی و با دغدغه تحقق این بیانیه شکل گرفته است / انقلاب اسلامی مقدمه ای بر انقلاب مهدوی است



معاون آموزش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با بیان این که همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» همایشی علمی و با دغدغه تحقق این بیانیه شکل گرفته است، گفت: این همایش با خروجی ۶ جلدی که در برداشته، آورده بسیار خوبی داشته است. به گزارش روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، به مناسبت برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» به گفت و گویا حجت الاسلام والمسلمین شمس الله مریجی «معاون آموزش دفتر تبلیغات اسلامی و عضو شورای علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداختیم که مشروح این مصاحبه را در ذیل می خوانیم:

*** نگاه شما به بیانیه گام دوم و ضرورت تحقق مطالبات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در این بیانیه چیست؟**

بیانیه گام دوم یک مانیفستی برای گام دوم انقلاب اسلامی است که مقام معظم رهبری به عنوان کسی که در شکل گیری و تداوم انقلاب نقش تعیین کننده داشتند و هم گذشته و هم آینده را به خوبی رصد کرده اند، با توجه توانمندی علمی و عملی خودشان این بیانیه را نوشته اند و بجاست که همه محققان و اندیشمندان در تبیین این بیانیه تلاش کنند. مسأله تبیین، گام اول این بیانیه است؛ در حقیقت این بیانیه از منظر جامعه شناختی، حقوقی و علوم انسانی در معانی متعدد قابلیت بحث و تدریس را دارد و بیانیه ای است که مقام معظم رهبری با دقت نظر این را نوشته اند و نیاز به تبیین دارد که عموم جامعه نسبت به این بیانیه آشنایی پیدا کنند و سپس هر فردی با توجه به توان خود، در تحقق این بیانیه تلاش کنند که مقام معظم رهبری در این بیانیه بیش از همه جوانان را مورد خطاب قرار دادند.

جالب است که با توجه به گذشتن چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری چهار مرتبه از جوان در این بیانیه نام بردند، یعنی جوان است که باید با توانمندی خود در چله بعدی این انقلاب که تثبیت و انتشار است، این کار را انجام دهد تا گام دوم انقلاب شکل بگیرد و رهبر معظم انقلاب به عنوان کشتیبان که در رأس هرم این حرکت

ایستاده و آینده را رصد می کند، در این بیانیه همه خواسته هایشان را آورده اند که این انقلاب چه مسیری را باید طی کند، و همه بایسته ها و توصیه هایی که لازم می باشد، در آن گفته شده است.

هر چند که مخاطب اصلی این بیانیه، جوان است، اما اندیشمندان و تلاشگران و تمام اعضای جامعه باید در مسیر تحقق گام دوم انقلاب تلاش کنند که ان شاء الله به سرانجام برسد. این حداقل گامی است که عموم مردم می توانند برای تحقق بیانیه گام دوم که مقام معظم رهبری ترسیم کرده است، حرکتشان را شکل داده و به آن سمت حرکت کنند.

*** دیدگاه این بیانیه در حوزه کاری شما چگونه است و چه انتظاراتی در این حوزه وجود دارد؟ بر این اساس، چه برنامه ها و اقداماتی در مجموعه شما در این راستا برنامه ریزی شده است؟**

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم برای به سرانجام رسیدن این گام، توصیه هایی دارند؛ گام دوم هم در مسیر تغییرات اجتماعی است، یعنی همان طور که یکی از مصادیق بارز تغییر، پدیده انقلاب است، گام های متعددی دارد؛ بسته به آن ریشه و درون مایه انقلاب است که این گام ها تا کجا شکل بگیرد.

هر چه ریشه درخت به لحاظ عمق و گستره، گسترش پیدا کرده و عمیق باشد، ماندگاریش بیشتر است؛ با توجه به این که ریشه انقلاب اسلامی که در آموزه های دینی و اسلامی و ارزش های وحیانی می باشد، طبعاً عمیق است و تمام جوانب را در نظر گرفته، انقلاب اسلامی در چهل سال اول رشد کرد، و قرار است که اکنون داده های خود را شامل حال در ابتدا ایران و بعد، جامعه بشری کند و ما اعتقاد داریم که انقلاب اسلامی مقدمه ای بر انقلاب مهدوی است.

مقام معظم رهبری برای این که این تغییرات صورت گیرد، مبنای و عواملی را نقل و بر آن تکیه کردند؛ اگر تغییری بخواهد اتفاق بیفتد، باید مبنای داشته باشد، در غیر این صورت این تغییر از بین خواهد رفت و فناشدنی است و برای این که فانی نشود، مبنایی می خواهد و اگر این مبنای، مبنایی وحیانی باشد، طبعاً ماندگاری آن بیشتر خواهد بود.

مقام معظم رهبری در این بیانیه به چند عامل اشاره کرده اند که یکی از این عوامل، علم و پژوهش است و امثال بنده که در حوزه علم و پژوهش هستیم، نقش اساسی مان در این جهت است؛ علم به تعبیر رهبر معظم انقلاب این است که اگر کسی بر قله علم بایستد و فتح کند، کسی توان ایستادن در مقابلش را ندارد؛ چرا در فضای اقتصادی مشکل داریم و نگران تحریم ها هستیم؟ در جامعه هیچ احساسی نکردید که مردم در مقابل تحریم های نظامی احساس نگرانی کنند، و اگر این مسأله را در مسائل دیگر نیز پوشش دهیم، توانمندی مان اثبات خواهد شد.

اگر انقلاب می خواهد باقی بماند، چاره ای ندارد که در جهت علم هم این توانمندی وجود داشته باشد تا بر قله قرار بگیرد و برای این که دیگران بر او سلطه نداشته باشند، لازمه اش

اتفاق است، معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی باید این ها را در جامعه سازماندهی کند و اول گام در بیانیه گام دوم، تبیین آن در میان جامعه است. در مسأله تبیین بیانیه گام دوم، معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی باید به صورت فعال حرکت کند تا بتواند فرهنگ سازی صورت بگیرد؛ اول باید مشخص شود که چشم انداز ما چیست؟ و وظیفه هرکسی در این مسیر مشخص شود؛ مبلغان دینی هستند که می توانند گام دوم انقلاب را در سطح عمومی تبیین کنند تا در سطح عمومی این درخواست را از مردم و جامعه داشته باشیم.

مراکز علمی ما برای تحقق طلب جامعه باید تلاش کنند؛ در غرب نیز این گونه بود که علوم را تأسیس کرد که جامعه آن طلب می کرد.

ابتدا باید این بیانیه توسط بخش فرهنگی این دفتر برای مبلغین تبیین شود و سپس در ایام تبلیغی پیش رو این بیانیه القا و تبیین شود و جامعه را اقناع کنند که این گام دوم نیاز است؛ این وظیفه مبلغین است که البته دفتر تبلیغات اسلامی در این راستا تلاش زیادی کرده است و با همایشی که ایجاد کرده است، تولیداتی که اتفاق می افتد، می تواند دست مایه ای برای انجام کار مبلغین باشد.

*** با توجه به این که ارتقاء معنویت و اخلاق در جامعه و ترویج سبک زندگی اسلامی یکی از ارکان و مطالبات جدی بیانیه گام دوم است، شما به عنوان بخشی از نهاد فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی قم که به سهم خود عهده دار این مسئله است، چه برنامه های خاصی در این زمینه دارید؟**

در بیانیه گام دوم یکی از مبانی که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارد و بر مبنای آن می خواهند که گام دوم تحقق پیدا کند، اخلاق و معنویت است؛ تغییر یک امر اجتناب ناپذیر است و هیچ جامعه ای را نمی توان پیدا کرد که در آن تغییری نباشد و لذا اندیشمندان حوزه ی تغییرات اجتماعی نمی پرسند که چرا تغییر؛ چرا که به دلایل متعدد امری اجتناب ناپذیر است و کوچکترین دلیل آن کنجکاوی افراد است؛ با توجه به تغییر زمان و مکان، برآورده شدن این نیاز رنگ متفاوتی خواهد گرفت و زمان، تحقق آن را تغییر می دهد.

گام دوم می گوید که اگر شما می خواهید تغییری ایجاد کرده و نیاز جامعه تان را برآورده کنید، این تغییر باید بر مبنای اخلاق و معنویت باشد؛ اگر در گام دوم بر مبنای اخلاق تلاش نکنید که نیازهای جامعه شما را برآورده کند، به ابزارهای تولیدی دیگران مبتلای شوید و برای جامعه شما جز بی اخلاقی چیز دیگری را به ارمان نخواهد آورد.

همایش ملی «بیانیه گام دوم و تمدن نوین اسلامی» چند کمیته دارد که یکی از آنها کمیته تخصصی «نهادهای علمی و بیانیه گام دوم با تأکید بر نقش جوانان» است که در دفتر تبلیغات اسلامی در حال اتفاق می باشد و از کمیسیون هایی است که بیشتر به نهادهای علمی که در راستای تحقق این بیانیه می توانند مؤثر باشند، می پردازد، البته تأکید بر این که جوان چه نقشی می تواند داشته باشد را بر عهده ما گذاشتند و مقالات متعددی به دبیرخانه همایش ارسال شده و نشست های تخصصی بسیار خوبی صورت گرفته است و ان شاء الله خروجی آن که در اختیار مخاطبین قرار بگیرد، روشن خواهد شد که این همایش، یکی از همایش هایی است که حقیقتاً علمی و با دغدغه تحقق بیانیه گام دوم شکل گرفته و آورده بسیار خوبی هم داشته است که حدود شش جلد کتاب در ۳۰۰۰ صفحه مکتوبات، علاوه بر مصاحبه ها و نشست ها منتشر شده است؛ همایش مذکور برای تبیین بیانیه گام دوم، گام موفق را برداشته است که بتواند آن را تبیین کند.

علم است. حوزه و دانشگاه جریان علم و پژوهش کشور را متکفل شده اند. دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان حوزه علمیه در درون خود دانشگاه و پژوهشگاهی را هم تأسیس کرده است و از حیث حوزوی و دانشگاهی مسیری که مورد نیاز انقلاب است را طی کند و ما به عنوان کسانی که هم ریشه حوزوی و هم ریشه دانشگاهی داریم، در گام دوم باید رشته های مورد نیاز این انقلاب را که برای حرکت رو به جلو و تثبیت آورده های خود دارد، تأسیس کنیم و این حرکت علمی را می طلبد که در تحقق خود و گام دوم این علوم کارساز باشد. دانشگاه باقرالعلوم (ع) به عنوان یکی از مراکز دانشگاهی و حوزوی که زیر نظر این دفتر است، برای تحقق گام دوم، یک سری رشته های جدیدی را تأسیس کرده که علوم بنیانی هستند تا بتوانند تولید علم کنند و به مراحل برسی که نیاز جامعه را حل کند.

از این جهت تلاش کردیم و تلاش می کنیم و رشته هایی را تأسیس کردیم و در دست تأسیس داریم و دانشکده هایی را تأسیس کرده ایم که بتواند همان توصیه مقام معظم رهبری را که در بیانیه گام دوم انقلاب بحث علم و پژوهش را مطرح کرده اند، چه در دانشگاه همان رشته های علمی مورد نیاز تحول گام دوم و چه در پژوهشگاه مان پژوهش های مورد نیازی که در جای دیگری برای ما این دلسوزی نخواهد داشت که انجام دهند، شکل دادیم تا این خواسته به حق مقام معظم رهبری و تحقق ایده تمام شهدای عزیزی که خونشان را در این راه داده اند، حرکت کرده باشیم و بتوانیم بخشی از کار را به دوش بگیریم تا گام دوم محقق شود.

در بیانیه گام دوم، روح حاکم بر آن به نوعی ترسیم راه تحقق تمدن نوین اسلامی هم است؛ برای تحقق تمدن نوین اسلامی، ما در ابتدای راه هستیم و این کلیدواژه «نوین اسلامی» با نگاه اندیشه شیعی که بتواند تحقق دهد که در طول ۱۴ قرن از بعثت حضرت رسول (ص) نبوده است، شیعه که نتوانسته ارزش های ناب علوی را بر جامعه حاکم کند که این بتواند در مسیر تحقق تمدن کار ساز و زمینه ساز باشد، بنابراین این که «نوین» گفته می شود، شاید اشاره به اندیشه های ناب شیعی هم داشته باشد که حقیقتاً دیده نشده است و اگر در مطالعاتی انجام شده نگاه کنید، اندیشمندان عرب که کار کرده اند، بیشتر اندیشه های اهل تسنن بیان شده است.

دفتر تبلیغات اسلامی جدای از بخش آموزش و پژوهش، بخش تبلیغ دارد که اساس دفتر تبلیغات اسلامی، تبلیغ بوده است یعنی اگر دانشگاه و پژوهشگاه در دفتر شکل گرفت، برای این است که بتوانند تبلیغ را عمیق تر، وسیع تر و گسترده تر بیان کنند.

در بیانیه گام دوم، نقش معاونت فرهنگی و تبلیغی این دفتر بسیار کلیدی است؛ چرا که ما در دانشگاه رشته هایی را تأسیس و محققان و مدرسینی را تربیت می کنیم یا در پژوهشگاه که محقق بالفعل هستند و تحقیقاتی را شکل می دهند اما اگر این ها در بدنه جامعه این توسعه، گسترش و تکثیر نشود، یا عالمی می ماند و هیچ کسی از آن بهره ای نمی برد یا تحقیقشان در گوشه کتابخانه خاک می خورد؛ البته این مرکز باید جوری این مسأله را در تحقق بیانیه گام دوم کارگردانی کند که قدم اول، آن بخش فرهنگی است.

هر تمدنی در درون خود فرهنگ دارد و این فرهنگ ابتدا باید در جامعه در دل افراد نهادینه شود و اندیشه های افراد را به این سمت ببرد؛ به عنوان مثال این «می توانیم» را باید در ذهن جوان محقق کنیم، که این مسأله را تبلیغ باید اجرا کند؛ منظور از تبلیغ، تعلیم است و با پشتوانه پژوهش و علمی که در دانشگاه صورت گرفته و یا در مراکز دیگر حوزه در حال



دبیر شورای راهبری دفتر تبلیغات اسلامی تبیین کرد:

ظرفیت های دفتر تبلیغات اسلامی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

این شکل و در این قالب مطرح نشده است؛ ساختار محتوایی بیانیه، یک ساختار منحصربه فردی است و اولویت هایی که کرده و تحلیلی که از وضعیت موجود ارائه داده، مؤلفه ها و عناصری است که با این شاکله در سندی نمی بینیم؛ لذا به یک معنا، سند بیانیه گام دوم به عنوان یک سند حاکم بر سایر اسناد کلان کشور باید لحاظ شود، حتی بر سند چشم انداز ۱۴۰۴ و سندهای بخشی ما مانند سند مهندسی فرهنگی کشور، سند جامع علمی کشور، سند تحول آموزش و پرورش و سندی که در حوزه بهداشت و درمان داریم؛ یعنی تمام این سندهای بخشی باید یک بار دیگر در فضای بیانیه گام دوم مورد بازخوانی قرار بگیرند و خود را با این سند کلان کشور نسبت سنجی کنند.

*** دیدگاه این بیانیه به حوزه کاری شما چگونه است و چه انتظاراتی در این حوزه وجود دارد؟ بر این اساس، چه برنامه ها و اقداماتی در مجموعه شما در این راستا برنامه ریزی شده است؟**

حوزه کاری ما به جهت بحث های نظری با توجه به این که سیاستگذاری فرهنگی است و با بحث بیانیه گام دوم ارتباط نزدیکی دارد و به جهت اجرایی هم دبیرخانه شورای راهبری دفتر یک اولویت جدی برای بحث بیانیه فائل است؛ ما در رویکرد مسئله محوری مان در دفتر تبلیغات اسلامی به دنبال پاسخگویی به مسائلی اصلی نظام هستیم و این بیانیه به عنوان یک سند بالادستی در فهم مسائل دارای اولویتی که باید به آن پردازیم و چارچوب ها و راه حل هایی که باید برای مواجهه با مسائل اتخاذ کنیم، قطعاً راهگشا خواهد بود و سرلوحه قرار خواهد گرفت. در این فضا، به طور خاص برخی از فرازهای بیانیه گام دوم از جمله بحث معنویت و اخلاق، مستقیماً با حوزه مأموریتی نظام مسئله محوری و اقطاب فکری و فرهنگی دفتر مرتبط است، یعنی در هفت توصیه پایانی بیانیه در برخی از حوزه ها ما مشخصاً در میزهایمان موضوعات مورد تأکید رهبر فرزانه انقلاب را در دستور کار قرار دادیم؛ به عنوان مثال، در حوزه معنویت و اخلاق، میزی را تحت عنوان میز تعمیق ایمان و باور دینی داریم که در این میز به هر حال ایمان و معنویت به عنوان یک مفهوم جدی مورد بررسی قرار می گیرد و در میز دیگری تحت عنوان میز اخلاق، مباحث اخلاقی مورد تأکید قرار می گیرد؛ یکی از حوزه های مورد تأکید رهبر معظم انقلاب در بیانیه، بحث علم و پژوهش است که ما دو میز مسأله محور در حوزه های علوم انسانی اسلامی و توانمندسازی علوم اسلامی داریم. بنابراین، در این حوزه علم و پژوهش هم به نحو خاص دو میز تخصصی اقدام به برنامه ریزی های راهبردی برای مجموعه معرفی دفتر اعزام از دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مؤسسات حوزوی برادران و خواهران می نماید؛ ما در این حوزه، بیانیه مأموریت در برخی از بخش ها از جمله این دو فراز و حوزه سبک زندگی حضور مستقیم داریم و یک میز خاص در بحث سبک زندگی داریم.

در محور عدالت و مبارزه با فساد نیز ذیل میز مسائل اجتماعی قطب های فکری و فرهنگی یک کارگروه عدالت را داریم که بحث عدالت پژوهی را مد نظر قرار داده



دبیر شورای راهبری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با بیان این که برخی از فرازهای بیانیه گام دوم مستقیماً با حوزه مأموریتی نظام مسئله محوری و اقطاب فکری و فرهنگی این دفتر مرتبط است، گفت: بالطبع ظرفیت های ما با پنج محور از این هفت محور ارتباط مستقیم دارد.

به گزارش روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، به مناسبت برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» به گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید محمدحسین هاشمیان «دبیر شورای راهبری دفتر تبلیغات اسلامی و عضو شورای علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداختیم که مشروح این مصاحبه را در ذیل می خوانیم:

*** نگاه شما به بیانیه گام دوم و ضرورت تحقق مطالبات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در این بیانیه چیست؟**

بیانیه گام دوم انقلاب در حقیقت یک سند سیاستی برنامه ای کلان برای نظام جمهوری اسلامی است که در طلیعه ۴۰ سال دوم تدوین شده است؛ این بیانیه از یک منظر تجربه جدیدی در حوزه سیاستگذاری کلان برای نظام جمهوری اسلامی محسوب می شود، چرا که به نسبت خیلی از سندهای سیاستی که ما در ۴۰ سال نخست تدوین کرده ایم، شاید این بیانیه کامل ترین و جامع ترین نگاه هم به لحاظ روشی و هم به لحاظ محتوایی را دارد. به لحاظ روشی از این جهت که یک تحلیل دقیقی از وضعیت موجود و آسیب شناسی ۴۰ ساله نخست نظام صورت گرفته و دستاوردها و کاستی ها به خوبی مطرح شده است؛ دوم این که یک مبنای نظری منسجمی برای اولویت بندی به مسائل اصلی ما در گام دوم در ۴۰ ساله دوم دارد و افق مشخص و ملموسی را در قالب رسیدن به تمدن نوین اسلامی مطرح می کند و سوم این که یک خط مشی ها و سیاست های کلانی را ترسیم می کند که ما باید در این فضا بتوانیم این سیاست ها را محقق کنیم تا نهایتاً در تحقق تمدن نوین اسلامی موفق عمل کنیم، بنابراین، از این منظر، بیانیه به عنوان یک سند جامع رهآورد روشی جدیدی محسوب می شود. به لحاظ محتوایی هم نکاتی در این بیانیه مطرح شده که در سایر اسناد و حتی سخنرانی هایی که مقام معظم رهبری داشته اند، به

در این فضا، پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، که بر روی بحث اخلاق کاربردی کار می‌کنند، خیلی می‌تواند کمک کند؛ مهم‌ترین بحث‌های ما برای جمع‌بندی در میدان و در حوزه صف، کارهایی است که در این پژوهشکده انجام می‌گیرد. در دانشگاه باقرالعلوم (ع) نیز اخیراً گروهی تحت عنوان گروه «اخلاق» راه‌اندازی شده است و پژوهش‌هایی را که در این زمینه انجام می‌دهند، قطعاً قابلیت ارائه دارد و باید با یک نگاه درجه یک به این برنامه‌ها توجه کرد.

است؛ از محورهای هفتگانه پایانی بیانیه گام دوم انقلاب، در بحث سیاست خارجه و مرزبندی با دشمن، میز علوم سیاسی دفتر تبلیغات اسلامی وجود دارد که یکی از دغدغه‌های آن، بحث کارآمدی نظام اسلامی می‌باشد و یکی از شاخص‌هایی که در بحث کارآمدی مطرح می‌شود، بحث کارآمدی سیاست خارجی و روابط بین‌المللی نظام است که از این حیث به این موضوع ورود می‌شود.

بالطبع ظرفیت‌های ما با پنج محور از این هفت محور ارتباط مستقیم دارد اما به محوری مثل محور اقتصاد کمتر پرداخته ایم که باید ظرفیت‌سازی کنیم؛ نه گروه علمی مرتبط با اقتصاد آن چنان داریم و نه گروه آموزشی و پژوهشی داریم و بضاعت ما خیلی محدود است؛ اگر بتوانیم در این فضا هم تعریف و توسعه ظرفیت‌هایی را داشته باشیم، خیلی مناسب است.

ما در نسبت‌سنجی خودمان با بیانیه گام دوم انقلاب غیر از این هفت حوزه نیز می‌توانیم تأمل داشته باشیم که از جمله آن، بحث جایگاه امید آفرینی است؛ چرا که رهبر معظم انقلاب بحث امید و مبارزه با جریان مسموم دشمن در ایجاد یأس و ناامیدی در اقشار مختلف جامعه را به عنوان یک چالش و تهدید جدی مطرح می‌کنند.

دفتر تبلیغات اسلامی علاوه بر ظرفیت معرفتی، ظرفیت تبلیغی خوبی را که با شبکه عظیم مبلغان دینی در اختیار دارد، می‌تواند سازماندهی کند و در فضای مجازی از استفاده از رسانه و هنر و مقابله با این جریان که بتوانیم نسبت به امیدبخشی یک راهبرد خیلی جدی داشته باشیم، هم در فضای مجازی که امروز استراتژی ایجاد یأس که یک استراتژی کلیدی دشمنان قسم خورده انقلاب است و هم بتوانیم در یکی از زمینه‌هایی که دشمن از آن سوء استفاده می‌کند، ایجاد شایعه است، این که ما نتوانستیم در خیلی از حوزه‌ها گزارشات درست، دقیق، اعتماد آفرین و اعتماد بخش به اعضای جامعه مخاطبان عرضه کنیم؛ به هر حال، دفتر تبلیغات اسلامی در این فضا با رسانه‌هایی اعم از رسانه‌های سنتی مثل منبر تا رسانه‌های جدیدی که در قالب هنر و فضای مجازی که در اختیار دارد، می‌تواند نقش مؤثری را داشته باشد. یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی که دفتر تبلیغات اسلامی می‌تواند به عنوان یک راهبرد به آن نگاه کند، تربیت نیروی مستعد است؛ یعنی در این فضا، توانمندسازی طلاب دغدغه‌مند در عرصه فعالیت‌های فرهنگی با تأکید بر امید آفرینی می‌تواند اقدام کلیدی باشد؛ طلابی که در فضای مجازی به عنوان افسران جنگ نرم بتوانند در این جنگ نرم ناامید کردن جامعه یا نخبگان، نقش آفرین باشند.

*** باتوجه به این که ارتقاء معنویت و اخلاق در جامعه و ترویج سبک زندگی اسلامی یکی از ارکان و مطالبات جدی بیانیه گام دوم است، شما به عنوان بخشی از نهاد فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که به سهم خود عهده‌دار این مسئله است، چه برنامه‌های خاصی در این زمینه دارید؟**

یکی از برنامه‌های جدی میز تعمیق ایمان و باور دینی که ذیل قطب تعمیق ایمان دینی و مبارزه با جریان‌ها و فرق انحرافی است، مبارزه با معنویت‌های کاذب و فرقه‌های انحرافی می‌باشد که مسأله مهمی است و در میز اخلاق، بحث صداقت را که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بر آن تأکید کرده‌اند، دنبال می‌شود؛ یکی از محورهای کلیدی در میز اخلاق، بحث «صداقت» و به طور خاص بحث «صداقت در حوزه رسانه» است.



رییس مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

بیانیه گام دوم انقلاب می تواند به فرآیند تمدنی در ایران و جهان امروز تبدیل شود / فعال کردن ظرفیت های جهانی گفتمان حوزه علمیه

به نظرمی رسد که رویکرد تمدنی در حقیقت در آن کلان نگری است که در این بیانیه کاملاً اشاره شده است؛ نگاه کلان که گفته می شود، هم به جهت زمان آینده را نگاه می کند و در عین حال گذشته را هم در نظر می گیرد و آنگاه با جمع میان گذشته و آینده، راه برون رفت از مشکلات، پیشرفت و تحول را برای نسل امروز باز و روشن می کند.

این بیانیه مسلماً باید توسط نخبگان باخوانی و به روز شود و دوباره این بیانیه نه فقط برای امسال یا سال آینده که مربوط به ۴۰ سالگی جمهوری اسلامی شود، بلکه باید مدام در طول مسیر ما مورد توجه، مطالعه، تحقیق و تبیین قرار بگیرد و به یک مانیفست پیشرفت و تحول و بلکه فرآیند تمدنی ما در ایران و بلکه مسلمانان در جهان امروز و اسلام تبدیل شود.

در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در این راستا یک پروژه گروهی و کلانی را از چهار سال پیش در مورد عیار تمدنی جمهوری اسلامی رقم زدیم؛ در این پروژه، آورده تمدنی جمهوری اسلامی مطرح شده و ما این آورده را در سه ضلع نظریات پشتیبانی در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و اسناد به دست آمده یا ایجاد شده یا نوشته شده (بالادستی) و همینطور کارنامه عملی جمهوری اسلامی یک بار خوانش تمدنی کردیم و خواستیم یک وزن کشی تمدنی انجام دهیم و آنچه که ما در تجربه ۴۰ ساله گذشته انجام دادیم، (هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ اسناد و اقدامات عملی مان) چه میزان آورده های تمدنی داشتیم و چه میزان توانسته ایم گام های تمدنی خودمان را بتوانیم به سمت جلو برداریم، مطرح شده است.

اتفاقی که در این پروژه رخ داد و چند روز آینده در قالب یک کتاب مفصل حدوداً هفتصد هشتصد صفحه ای منتشر می شود و در عین حال، کتاب خلاصه ای از مجموعه را آماده کرده ایم و صرفاً نخواستیم که بحثمان را به جنبه های ایجابی و مثبت متمرکز کنیم، بلکه همکاران و پژوهشگران تمدنی در این پروژه تمدنی تلاش کرده اند که خلأها را نیز نشان دهند و جاهایی که نیاز به تأمل و ملاحظه دارد را در مقالات و نوشته ها برجسته کنند تا براساس آن بتوانیم گام دومی را که مقام معظم رهبری ترسیم می کنند، با دید بهتر و نگاه دقیق تر برداریم.

شاخص های تمدن جدید در ادبیات مقام معظم رهبری و بلکه در ادبیات حضرت امام راحل و علمایی که به گونه ای اندیشه هایشان از این فرآیند و خیزش تمدنی در جهان اسلام پشتیبانی می کند، مسلماً باید برگرفته از میراث فکری، و حیانی، دینی و معنوی ما مسلمانان باشد و ما درست است که نمی توانیم و نباید هم تجربه زیسته تمدن های دیگر را مورد بی توجهی قرار دهیم و باید آنها را بخوانیم و دقت کنیم و از تجربیات انسانی در تمدن های دیگر حتی تمدن غرب به درستی بخوانیم و از آنها استفاده کنیم اما سرانجام آنجایی که می خواهیم آجرهای تمدنی خود را بچینیم، قاعدتاً باید براساس مبانی فکری و ارزش های دینی، انسانی و اسلامی خودمان آنها را بچینیم و به نظرمی رسد که اینجا شاخص های تمدن اسلامی در جاهای متعددی



رییس مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: اگر ما نتوانیم با مخاطب خود در جهان اسلام در گام اول و در جهان امروز در گام دوم ارتباط لازم و مؤثر را برقرار کنیم، پروژه تمدنی ما عملاً عقیم می شود و پیش نمی رود.

به گزارش روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، به مناسبت برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» به گفت و گویا حجت الاسلام والمسلمین حبیب الله بابایی «رییس مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و عضو شورای علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداختیم که مشروح این مصاحبه را در ذیل می خوانیم:

بیانیه گام دوم یک بیانیه بسیار بموقع، مؤثر، راهگشا و مهم است، از این جهت که پس از تجربه چهل ساله یک چشم انداز متفاوتی را ایجاد می کند که این چشم انداز ضرورتاً یک چشم انداز نظری، انتزاعی و تئوریک نیست، بلکه مبتنی بر ۴۰ سال اندیشه، تجربه، نوشتن و کارکردنی است که می تواند نسبت به نظریات و تئوری های شکل گرفته، حتی در مورد مسائل انقلاب و جمهوری اسلامی بسیار مؤثرتر، مفیدتر و کارگشاست.

این بیانیه در این نقطه عطف، می تواند نشانگر سرزندگی و نشاط جامعه و رهبران جامعه باشد که در هر برهه اساساً گویا تمام شدن در کار نیست، بلکه کارهای جدیدتری در راه است و این که ما اساساً در آغاز راه هستیم و راه طولانی را باید طی کنیم، از این جهت این بیانیه قابل اعتنا و نه فقط برای نسل های امروز، بلکه برای نسل های آینده راهگشا باشد و امید ایجاد کند و حرکت ها و تحولات جدیدی را در جامعه ما رقم بزند.

در ارتباط با بحث تمدن اسلامی و این که این بیانیه، چه نسبتی با تمدن نوین اسلامی پیدا می کند، مهم ترین نسبت آن رویکرد تمدنی است که مقام معظم رهبری در این بیانیه از آن رویکرد و ایستگاه تمدنی، تجربه ۴۰ ساله را یک بار خوانش می کنند و در عین حال، نقطه های آسیب پذیر را بیان و براساس چیزی که در گذشته شکل گرفته، گام دیگری را ترسیم می کنند.

متفاوت از شاخص‌های تمدنی غرب مدرن امروز خواهد بود.

انسان معنوی که در تمدن اسلامی در حال رشد است، بسیار متفاوت از انسان سکولاریا عرفی شده یا دنیوی شده که در دنیای غرب بر روی آن تمرکز انجام می‌گیرد و اسم آن اومانیزم گذاشته می‌شود یا اگر بخواهیم عدالت را محور قرار دهیم، عدالتی که در گفتمان اسلامی اتفاق می‌افتد، بسیار متفاوت از عدالت کاپیتالیستی یا عدالت لیبرال در دنیای غرب خواهد بود و یا ارزش‌های اخلاقی که نظم مناسبات انسانی را رقم می‌زند، صرفاً بر اساس به تعبیری نظم حقوقی و قانونی نخواهد بود، بلکه تأکیدات و نظم اخلاقی و معنوی خواهد بود.

ما انبوهی از شاخص‌های متعددی داریم که آن شاخص‌ها بیشتر در حوزه ارزش‌ها، جهان بینی‌ها و مفهوم و معنای انسان و مفهوم و معنای آن زندگی است که مادر مورد آن فکرمی‌کنیم و در درون آن عمرمان را سپری می‌کنیم و الگوی بسیار متفاوتی خواهد داشت؛ آنچه که در ایران امروز در حال رخ دادن است، به تدریج به این سمت در پیش است که ادبیات بومی و دینی خود را در ترسیم تمدنی متفاوت داریم پیش می‌بریم و به نظر می‌رسد که گام اول را در حوزه ادبیات تمدنی در ایران برداشته ایم. به نظر می‌رسد که اول در شکل‌گیری و صورت‌بندی تمدن نمی‌توانیم از احاد مردم غافل باشیم و این گونه نیست که مدیران بتوانند تمدنی را خلق کنند، بلکه این توده‌ها هستند که عملاً در شکل‌بندی تمدن نقش آفرینی می‌کنند و نمی‌توانیم در شکل‌بندی تمدنی خود، نسل کودکان را فراموش کنیم؛ امروزه در مباحث تمدنی و گاهی اوقات در عملیات تمدنی به عنوان مثال، کودکان نسل فراموش شده ما هستند و ما باید اینها را دریابیم تا بتوانیم در آینده از ظرفیت‌های امت سازی استفاده کنیم. تأکید مقام معظم رهبری بر نسل جوان از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که اساساً نسل جوان غیر از این که شور، شوق، هیجان، انرژی، حرارت، نیرو و شادابی لازم را برای حرکت‌های شتابنده دارد و ما به یک شتاب در حرکت نیاز داریم و نمی‌توانیم در آن نرم افزار تمدنی را بر یک ویندوز بسیار کند قرار دهیم، بلکه نیاز داریم که ویندوز تمدنی ما بسیار چابک و سریع باشد تا بتواند واکنش‌های به موقع را در برابر حوادث تمدنی یا آنجایی که مواجهه‌های تمدنی را با دیگران داریم، به موقع عمل کند و واکنش نشان دهد.

نکته دیگری وجود دارد که باید در نسل جوان دنبال کنیم، بحث مسأله‌های جدید و به روزی است که عموماً نسل جوان ما بهتر می‌تواند آن را درک کنیم و به سمت تفسیر و تدبیر آن حرکت کنند و ما این را نه این که اساتید، بزرگان و علمایی که در اندیشه اسلامی، تمدنی، اجتماعی و سیاسی صاحب فکر هستند، ظرفیت‌های بی‌بدیل اینها و تجربه یک عمرشان را نبینیم؛ مسلماً باید اینها لحاظ شود و در جای خودشان مورد استفاده قرار بگیرد اما پویایی نسل جوان و آشنایی آنها با اقتضائات زمانی و زمینی را قاعداً باید مورد توجه و تأکید قرار دهیم.

در نگرش تمدنی که مقام معظم رهبری و دیگر بزرگان که در حوزه تمدن اسلامی تفکر می‌کنند، بحث تربیت انسان طراز است و رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بر روی تربیت انسان طراز تأکید می‌کنند، اساساً تمدن شناسان امروز روی این بحث تأکید می‌کنند که آن جوهر و گوهر تمدن بر روی تربیت می‌چرخد و آنجایی که اگر بتوانید انسان‌های بزرگی را رقم بزنید، به آسانی می‌توانید تحولات تمدنی را رقم بزنید؛ نمونه‌های آن را در شخصیت‌هایی مثل شهید سلیمانی می‌توانید مشاهده

کنید که یک فرد با بزرگی خود می‌تواند امواج بزرگی را در منطقه و جهان امروز ایجاد کند و تحولات بزرگی را رقم بزند.

نظام تربیتی ما هر مقدار بتواند به سمت تربیت انسان‌های طراز و بزرگ برود، بالطبع بهتر می‌توانیم در فرآیند تمدنی خود موفق تر باشیم.

تغییر و تحولی که در حوزه علمیه بعد از این چهل سال افتاده، بسیار شگفت‌انگیز و معجزه آسا است و بخشی از این ادبیات تمدنی ما را ترمیم می‌کند اما نکته‌ای که به نظر می‌رسد اهمیت دارد و دفتر تبلیغات اسلامی در این بحث می‌گنجد و باید نسبت به آن تدبیری داشته باشد تا بتواند در گام دوم موفق تر عمل کند، فعال کردن ظرفیت‌های جهانی گفتمان حوزه علمیه است.

اگر ما بتوانیم با مخاطب خود در جهان اسلام در گام اول و در جهان امروز در گام دوم ارتباط لازم و مؤثر را برقرار کنیم، پروژه تمدنی ما عملاً عقیم می‌شود و پیش نمی‌رود؛ زمانی می‌توانیم قرآن و نهج البلاغه و میراث حدیثی و فقهی، عرفان، فلسفه، کلام و تمام داشته‌های خودمان را ادعا می‌کنیم که می‌تواند در شکل‌بندی جهان جدید ایفای نقش کند و نقش مثبتی را از خود نشان دهد.

ما طلاب، اساتید، محققین و نخبگان در حوزه باید برای مخاطب جهانی فکر کنیم نه صرفاً مخاطب ایرانی؛ هر مقدار بتوانیم در ادبیات و منابع خود مخاطبمان را وسیع تربینیم و طیف متنوعی از ادیان و مذاهب و فرهنگ‌های مختلف بتوانیم ارتباط برقرار کنیم، می‌توانیم قلمرو تمدنی خود را بسط دهیم؛ وگرنه اگر قرار بود حتی در حوزه ادبیات تمدنی به فضای قم، مشهد و شهرهای خودمان تمرکز پیدا کنیم، این بسط یافتگی اتفاق نخواهد افتاد و عملاً به آستانه‌های تمدن هم نخواهیم رسید.



رییس پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

بیانیه گام دوم برایند رهبری خردمندانه، روزآمد و کارآمد حاکمیت اسلامی است

*** دیدگاه این بیانیه به حوزه کاری شما چگونه است و چه انتظاراتی در این حوزه وجود دارد؟ براین اساس، چه برنامه‌ها و اقداماتی در مجموعه شما در این راستا برنامه ریزی شده است؟**

بسیاری از موضوعات مهم بیانیه جزء اهداف و سیاست‌های اصلی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی است که ان شاء الله با توکل بر خدا برای تحقق آن اهداف در جامعه نخبگانی تلاش مضاعفی صورت خواهد گرفت.

اولین اصل مهم گسترش عقلانیت و خردباوری به عنوان یکی از ارکان مهم تمدن‌سازی و تغییر سبک زندگی است. علم و پژوهش محور مهم دیگری می‌باشد که پژوهشکده سعی می‌کند با توانمندسازی علوم اسلامی و بومی‌سازی علوم عقلی اسلامی، گامی مهم در اسلامی‌سازی دانش و سهمی در ارائه الگوی توسعه و پیشرفت علوم انسانی - اسلامی ارائه نماید. توجه به پژوهش‌های ویژه در قلمرو فلسفه اخلاق و معنویت پژوهی جدید، دیگر اقدامات مهم این پژوهشکده و در راستای گام نهادن در مسیر بیانیه گام دوم انقلاب است. به طوری که ان شاء الله پژوهشکده اولین همایش «معنویت‌های نوظهور؛ شاخصه‌ها و نقدها» را در ۸ اسفند ۹۸ برگزار خواهد نمود و سه جلد کتاب را در روز همایش رونمایی خواهد کرد؛ این همایش که حاصل بیش از یکسال فعالیت همکاران اینجانب و با همکاری و همت قطب تعمیق باورهای دینی برگزار خواهد شد، ده‌ها مقاله از صاحب‌نظران را در حوزه معنویت پژوهی و جریان‌شناسی معنویت‌های نوظهور و مبانی آنها ارائه خواهد کرد؛ گام بعدی طراحی کلان‌پروژه‌هایی در نقد الحاد مدرن و کلام کاربردی است که به همراه ارائه الگوی نظری از عرفان شیعی و پژوهش‌های متعدد فلسفی گامی کوچک در تغییر سبک زندگی و ترویج زندگی موحدانه و مؤمنانه به همراه معنویت و عقلانیت برمی‌دارد.

*** با توجه به تأکید بیانیه گام دوم بر استفاده از نیروهای کارآمد و مستعد به عنوان مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، چه برنامه‌هایی برای تربیت و بهره‌برداری بهتر از چنین نیروهایی در مجموعه شما صورت گرفته است؟**

۷۰ درصد بدنه علمی و کارشناسی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی را نیروهای جوان، مؤمن و خلاق تشکیل می‌دهند و نوسازی، جوان‌سازی، کارآمدسازی آن به صورت پیوسته دنبال می‌گردد؛ پژوهشکده با شناسایی جوانان دانشمند، خلاق و با استعداد و آینده‌نگر در صدد جذب آنها به عنوان اعضای هیئت علمی و مدیران آینده است که با حمایت ریاست محترم دفتر و پژوهشگاه این فرایند که از دو سال قبل شروع شده، ادامه دارد و ان شاء الله در آینده با جذب همه آنها به ایجاد تحول بنیادین در پژوهشکده خوشبین هستیم.



رییس پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی گفت: بیانیه گام دوم انقلاب سندی برای افق‌گشایی و پویایی انقلاب، عبور از روزمرگی، دل‌مردگی و نشانه آینده‌نگری روشن‌بینانه است.

به گزارش روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، به مناسبت برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» به گفت و گویا ابراهیم علی‌پور «رییس پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی و عضو شورای علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداختیم که مشروح این مصاحبه را در ذیل می‌خوانیم:

*** نگاه شما به بیانیه گام دوم و ضرورت تحقق مطالبات مقام معظم رهبری (دام‌طوله) در این بیانیه چیست؟**

بیانیه گام دوم برایند رهبری خردمندانه، روزآمد و کارآمد حاکمیت اسلامی است. سندی برای افق‌گشایی و پویایی انقلاب، عبور از روزمرگی، دل‌مردگی و نشانه آینده‌نگری روشن‌بینانه است. این بیانیه منظومه‌ای کلان از موضوعات دقیق و مهم برای رسیدن به جامعه اسلامی ایدئال و شکوفایی تمدن نوین اسلامی است.

این بیانیه هم ناظر به گذشته و هم برآینده است؛ ملاحظه وضعیت موجود و ترسیم وضعیت مطلوب می‌باشد. نشانه‌ای از بلوغ انقلاب اسلامی و عقلانیت آن است.

اگرچه محورهای اصلی آن نظری عمیق بیفکنیم و تأملی درخور کنیم، فلسفه انقلاب اسلامی و بایسته‌های نظری و عملی آن را می‌توانیم در این بیانیه به عیان ببینیم؛ در این سند مهم، ثمره انقلاب اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است که ارکان مهم آن استقلال، آزادی، عدالت، معنویت و اخلاق می‌باشد. اصول رسیدن به این تمدن با شکوه؛ شکوفایی علم و پژوهش و سبک زندگی اسلامی، اقتصاد پویا و محوریت اخلاق در همه ارکان فردی و اجتماعی است.

برای تحقق این اصول؛ عقلانیت، تکیه بر مردم (مردم‌سالاری دینی)، امید به آینده، روحیه باورمندی، انقلابی ماندن و جهادی عمل کردن، توجه به اصل تعاون و برادری و اصل عزت ملی ضروری است. در این میان استفاده از ظرفیت جوانان و نیروی خلاق و پرانرژی و با نشاط آنان، و اراده ملی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است؛ چه آنکه وحدت، قدرت، مشارکت، خلاقیت و مدیریت نوین را برای تمدن اسلامی به ارمغان می‌آورد.

مدیر کل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم:

۴۰ سال آینده زمان پیش روی جوان امروز است

بسته اقدامات در این خصوص در دفتر پیشنهاد و فرایند تصویب خواهی آن طی شد تا در زمان خود اجرائی گردد.

یکی از همان اقدامات برگزاری همایشی با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» می باشد که تاکنون حدود ۳۵۰ صفحه تولید علمی مکتوب داشته که در قالب آثار علمی همایش به چاپ خواهد رسید.

*** باتوجه به این که ارتقاء معنویت و اخلاق در جامعه و ترویج سبک زندگی اسلامی یکی از ارکان و مطالبات جدی بیانیه گام دوم است، شما به عنوان بخشی از نهاد فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که به سهم خود عهده دار این مسئله است، چه برنامه های خاصی در این زمینه دارید؟**

یکی از کلید واژه های مهمی که در بیانیه به کار رفته، لفظ جوان است؛ ۴۰ سال آینده زمان پیش روی جوان امروز است؛ اگر گذشته ۴۰ سال انقلاب برای جوان امروز و با توجه به مسائل مهم آن حل شود، با ظرفیتی که از جوان ایرانی سراغ دارم می توانیم آینده خوبی را در گام دوم به تصویر بکشیم. نتایج مهم در ۴۰ سال اول و دستاوردهای عظیم آن مرهون تلاش جوان دیروز بوده، بنابراین برای آینده بهتر باید بر روی جوان امروز سرمایه گذاری نمود.



مدیر کل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با بیان این که ۴۰ سال آینده زمان پیش روی جوان امروز است، گفت: اگر گذشته ۴۰ سال انقلاب برای جوان امروز و با توجه به مسائل مهم آن حل شود، با ظرفیتی که در جوان ایرانی وجود دارد، می توانیم آینده خوبی را در گام دوم به تصویر بکشیم.

به گزارش روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، به مناسبت برگزاری همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» به گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر ثنائی «مدیر کل حوزه ریاست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دبیر همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» پرداختیم که مشروح این مصاحبه را در ذیل می خوانیم:

*** نگاه شما به بیانیه گام دوم و ضرورت تحقق مطالبات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در این بیانیه چیست؟**

بیانیه گام دوم، حرف دوم و یا بیانیه انقلاب دوم نیست، بلکه بیانیه گام دوم انقلاب نام نهاده شده است؛ گام گفته شده چون که ناظر و ادامه گام اول می باشد؛ گامی که برداشته شده است و اکنون باید همان راه و مسیر را با همان قدرت در مرحله دوم برداریم. این بیانیه دو ساحت دارد، ساحت اول نگاه عالمانه همراه با افتخار به گذشته و ساحت دوم نگاهی آرمان گرایانه و واقع بینانه همراه با امید به آینده است. ترسیم وضعیت فعلی با توشه ای از تجربه ۴۰ سال گذشته برای حرکت رو به جلو در این سند تبلور یافته است.

*** دیدگاه این بیانیه به حوزه کاری شما چگونه است و چه انتظاراتی در این حوزه وجود دارد؟**
بر این اساس، چه برنامه ها و اقداماتی در مجموعه شما در این راستا برنامه ریزی شده است؟
دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان یک نهاد انقلابی که مأموریت آن به عنوان حلقه واسطه فعال بین حوزه های علمی و نظام اسلامی به ایفای نقش می پردازد، در این عرصه سهمی و نقشی مضاعف بر عهده دارد.

با توجه به ویژگی های خاص دفتر از جمله ظرفیت های فعال انسانی آن چه که از دفتر انتظار می رود، تلاش جهت تبیین محورهای بیانیه از جامعه نخبگانی خود و حرکت به سمت یک گفتمان سازی با استفاده از توان تبلیغی، علمی و فرهنگی در میان مخاطبان خود می باشد؛ بنابراین، در اوایل سال جاری با تلاش و عنایت ریاست محترم دفتر یک

همایش ملی بنیاد و انقلاب و تمدن نوین اسلامی





دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیجا کا دو انقلاب و تمدن نوین اسلامی

گزیده چکیده مقالات





مجموعه آثار علمی همایش در قالب شش جلد کتاب به چاپ رسیده است و چکیده‌های ذیل گزیده‌ای از آن‌ها می‌باشد.

شمس‌الله مریجی

عضو گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

مبانی و عوامل تحقق تغییرات

اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب

به باور جامعه‌شناسان حوزه تغییرات اجتماعی، تغییرات خواه فردی باشد، خواه اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر است. با نگاهی هرچند سطحی و گذرا به تاریخ زندگی گروهی و اجتماعی انسان به آسانی می‌توان مشاهده کرد که جوامع انسانی، پیوسته در حال حرکت و دگرگونی بوده و مدام شاهد تغییر در خود، اعضا، محیط و... می‌باشد؛ به تعبیر دیگر تمام جوامع، چه به صورت ناگهانی و چه به گونه آرام یا محسوس، هرروز تغییراتی را به خود می‌بینند. این واقعیت را می‌توانیم با مطالعه آثار و اسناد به‌جای مانده از تاریخ جوامع، تحقیقات میدانی و مطالعات جامعه‌شناختی اندیشمندان اجتماعی و حتی از طریق مشاهدات روزانه خویش دریابیم.

براساس حقیقت یادشده، آنچه در فرآیند تحقیق توجه محقق اجتماعی را به خود معطوف می‌دارد، اصل تغییر نیست بلکه سؤالاتی نظیر: چه چیزی تغییر می‌کند؛ یعنی موضوع تغییر چیست؟ آیا این تغییر در عناصر ساختی، فرهنگ، الگوها یا ایدئولوژی‌ها رخ داده است؟ مبنای تغییرات از نظر کارگزاران تغییر چیست؟ عوامل، مشوقان و تحریک‌کنندگان تغییرات چه کسانی هستند؟ جهت، سرعت، گستره تغییر، پیامدهای تغییر و... در مسیر تحقیق برای فهم بهتر تغییرات، پیش روی محقق قرار می‌گیرد. محقق نیز برای ترسیم چهره قبل و حال و آینده یک جامعه، به پاسخ این سؤالات نیاز دارد.

با توجه به اهمیت مسئله تغییرات اجتماعی در جوامع، رهبر معظم انقلاب نیز در نگارش بیانیه گام دوم، از این حقیقت غافل نبوده، بلکه به مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی پرداخته است. نگارنده هم در نوشتار پیش رو می‌کوشد نخست با اشاره اجمالی به ادبیات نظری تغییرات اجتماعی، به ضرورت‌ها، ویژگی‌ها، عوامل و شرایط لازم برای تحقق تغییرات اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسان حوزه تغییرات اجتماعی توجه کند، سپس با رویکرد جامعه‌شناختی، مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی را در بیانیه گام دوم انقلاب رصد کرده و درنهایت با رویکردی تطبیقی به نوعی مبنای نظری و معرفتی رهبر عظیم‌الشأن را در زمینه تغییرات اجتماعی تبیین نماید.



محمد هادی یعقوب‌نژاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وضعیت‌شناسی علوم انسانی و اسلامی

و مستندی بر بیانیه گام دوم

ایجاد ظرفیت‌ها و زمینه‌های تحول، رشد و توسعه علوم انسانی و اسلامی یکی از رخدادهای انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران است که در سطح ملی و بین‌المللی و در مقیاس امت اسلامی و کشورهای مسلمان، به ارمغان آورده و فضایی ایجاد کرده است که باب نظریه‌پردازی، نوآوری و جسارت تولید علم را برای نخبگان و اندیشه‌وران مسلمان فراهم ساخته است. گزارش تحلیلی از این رویداد مهم و وضعیت‌شناسی علوم انسانی و اسلامی بعد از انقلاب اسلامی، مسئله‌ای است که این پژوهش با شیوه تحلیلی کتابخانه‌ای به آن پرداخته و می‌تواند با مستندسازی ادبیات علمی و پژوهشی در راستای بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب اسلامی به رهاوردهای متعدد انقلاب اسلامی ایران اشاره‌ای باشد.



نقش بیانیه گام دوم در خوانش کیفی تحول علوم انسانی

تراز تمدن نوین اسلامی

دکتر ابوذر رجبی

استادیار دانشگاه معارف اسلامی



بازشناسی عناصر دخیل در تمدن نوین اسلامی نیازمند توجه جدی به مبانی حاکم بر آن است. به باور تمدن پژوهان، علوم برای تمامی تمدن‌ها از ارکان کلیدی به حساب می‌آید. علوم انسانی رایج متناسب تمدن غرب است، چراکه مبتنی بر جهان بینی غیراسلامی و غیربومی می‌باشد. از این جهت جامعه ایرانی، به خصوص جمهوری اسلامی که داعیه دار تمدن نوین اسلامی است، به تحول بنیادین نیاز دارد. تحقق علوم انسانی اسلامی مبتنی بر کاربست رئالیسم معرفتی و جامعیت دین، متناسب با تمام اعصار، تمام نیازها و ابعاد گوناگون زندگی انسان امکان پذیر است. از نظر مقام معظم رهبری علوم انسانی کنونی مشکلات و آسیب‌های متعددی دارد؛ از جمله ابتنا بر انسان شناسی غربی، فلسفه‌های مادی و ماتریالیسم، و داشتن تعارض با مبانی دینی، فلسفی و فرهنگ بومی جامعه اسلامی. علوم انسانی جایگزین باید بر اساس فلسفه و جهان بینی اصیل اسلامی پایه گذاری شود تا ضمن دوری از مشکلات علوم موجود، هم در صدد تأمین نیازهای جامعه بوده و هم با فرهنگ اصیل و بومی جامعه اسلامی کاملاً سازگار باشد. این مهم، تنها با به کار بستن منابع معرفتی اسلام و جامعیت دین قابل تحقق است. نوشتار حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی در صدد بازکاوی الزامات و بایسته‌های تحول علوم انسانی در منظومه فکری مقام معظم رهبری با تأکید بر بیانیه گام دوم و نقش آن در این تحول است. یافته‌های اساسی تحقیق نشان می‌دهد توجه به علوم انسانی به عنوان رکن اساسی ایجاد تمدن نوین اسلامی در نظرگاه مقام معظم رهبری به عنوان دال مرکزی این اندیشه مبتنی بر تغییرات بنیادین علوم انسانی موجود است.

تحلیل دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در حوزه

سبک زندگی اسلامی و راه‌های دستیابی به افق ترسیم شده در بیانیه گام دوم انقلاب (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)

عیسی عیسی زاده

استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



شکل‌گیری سبک زندگی در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلام یکی از اهداف و آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بوده و علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در طول چهل سال عمر انقلاب، تحقق این هدف دچار چالش شده و متأسفانه جامعه کنونی به علت تأثیرپذیری از فرهنگ غرب از یک سو و تحت تأثیر زندگی قبل از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، نتوانسته است میان باورهای اصیل اسلامی و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و از داشتن سبک زندگی اسلامی به معنای واقعی محروم مانده و نتوانسته است از میوه‌های ارزشمند عقاید و باورهای دینی خویش در عرصه رفتار و سبک زندگی بهره‌مند گردد، مقام معظم رهبری با درک صحیح از این وضعیت نگران‌کننده، یکی از محورهای گام دوم به آن اشاره کردند، مسئله سبک زندگی است. در پژوهش پیش‌رو تلاش خواهد شد با تحلیل تجربه و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در حوزه سبک زندگی اسلامی و راه‌های دستیابی به افق ترسیم شده در بیانیه گام دوم انقلاب بررسی شود.



محمد ستوده

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علی‌السلام

الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سیاست خارجی ایران در روند چهل سال گذشته با فرصت‌ها، محدودیت‌ها و دست‌آوردهای متعددی مواجه بوده و لازم است در گام دوم انقلاب، جهت‌گیری‌ها و راهبردهای نیل به اهداف سیاست خارجی کشور متناسب با آینده‌مرجح یا مطلوب شکل گیرد. براین اساس در این مقاله با رویکرد آینده‌پژوهانه، مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین گردید. بدین منظور الزامات سیاست خارجی ایران با توجه به روندها، پی‌آمدها، پیش‌ران‌ها، موانع و رویدادهای مؤثر بر روند بیان گردید. در بررسی روندها به الزامات سیاست خارجی جهت مطالعه واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌روند گذشته و شناخت نقاط قوت و ضعف آن به منظور تقویت موارد قوت و مثبت و رفع نارسایی‌ها پرداخته شد. در بحث دست‌آوردهای روند به حفظ دست‌آوردهای گذشته و نهادینه‌کردن موازنه قدرت نوین منطقه‌ای اشاره شد. از سوی دیگر، شناخت و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و تبیین راهبردهای کنترل تهدیدها جهت غلبه بر موانع تبیین گردید. در بررسی پیش‌ران‌ها به تقویت روحیه انقلابی و عمل جهادی، حمایت از روند بیداری اسلامی و نهادینه‌کردن روابط راهبردی ایران و روسیه پرداخته شد. در بیان الزامات مربوط به تأثیر رویدادها بر روند، شناخت نشانه‌ها و روندهای تحقق رویدادها و حمایت از آن‌ها، ترسیم چالش‌های فرارو، تعیین اهداف و راهبردهای آینده مطالعه شد. هم‌چنین الزامات سیاست خارجی ایران مربوط به ترسیم آینده‌مرجح سیاست خارجی، یعنی دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی، ارتقای جایگاه ایران به سطح کشور پیشرفته و ایجاد بلوک قدرت مند جهان اسلام و راهبردهای نیل به آن از جمله تدوین نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی بیان گردید.



محمد سحرخوان

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تحلیل و بررسی راه‌های حفظ و تداوم استقلال بر اساس دیدگاه قرآن با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

استقلال جامعه اسلامی و عدم وابستگی به بیگانگان از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است که با ایثار خون هزاران شهید به دست آمده است. از توصیه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به جوانان، آزادی و استقلال است. در این مقاله با استفاده از آیات قرآن کریم و سخنان امام خمینی و مقام معظم رهبری چگونگی حفظ و تداوم استقلال بررسی می‌شود. ایمان و عزم و اراده قوی جامعه اسلامی، شناخت اهداف و نقشه‌های دشمنان و شناخت راه‌های مقابله با آنان، اعتماد نکردن به بیگانگان، عدم وابستگی به بیگانگان در امور اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و عدم تشبیه به آنان در سبک زندگی، خودباوری و اعتماد به نفس و بهره‌مندی از نیروهای متخصص و متعهد در پرتورهنمودهای امام خمینی و مقام معظم رهبری راهکارهایی جهت حفظ استقلال و تداوم آن است.

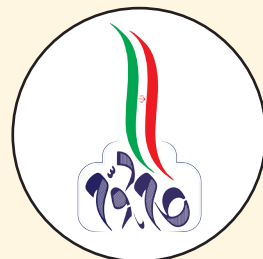


تعریف و مراتب تمدن از دیدگاه گفتمان رهبری انقلاب

محمدرضا صفائی تخته فولادی
 طلبهٔ درس خارج حوزه علمیه اصفهان

نخستین گام در شناخت چیستی یک مفهوم، تعریف آن است، برای شناخت مفهوم تمدن از دیدگاه رهبر معظم انقلاب بایسته است، به بررسی نظرگاه ایشان دربارهٔ تعریف تمدن پرداخت تا مشخص شود منظور ایشان از تمدن به چه معناست. با شناخت این مفهوم می‌توان به بازشناسی مؤلفه‌های تمدن، موانع و عوامل رشد تمدن، و... پی برد.

با بررسی سخنان رهبر انقلاب مشخص شد ایشان برای تمدن هفت تعریف عنوان کرده‌اند که نشان می‌دهد، تمدن در دیدگاه ایشان مفهومی متواطی نیست، بلکه مفهومی ذومراتب است که نهایت درجه یک تمدن، رسیدن به تمدنی است که کمال نهایی انسانی را بسترسازی کرده و الگویی برای سایر جوامع قرار می‌گیرد که همان حکومت جهانی مهدوی است و هدف از گام دوم انقلاب نیز مقدمه‌سازی برای رسیدن به همین مرتبه از تمدن است.



مؤلفه‌های قدرت معنوی انقلاب اسلامی در بازسازی تمدن نوین اسلامی در اندیشهٔ امام خامنه‌ای

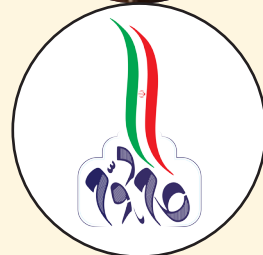
هادی بادینلو

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی - نظامی
 دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

رستمعلی رفیعی آتانی

کارشناس ارشد
 دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

طیف متنوع آثار نگاشته‌شده دربارهٔ قدرت، مشخص می‌کند که نرم‌افزارگرایی گفتمان جدیدی را شکل داده که در قالب آن، نظریهٔ قدرت، منابع آن و حتی ابزارهای اعمال قدرت، مورد بازخوانی و بازتولید قرار گرفته‌اند و در نتیجه، تعریف جدیدی از قدرت ارائه کرده است. این گفتمان که از آن به «قدرت نرم» تعبیر می‌شود، مرجعیت ایدئولوژی را پذیرفته و در منابع قدرت، هنجارها را جایگزین ابزارها کرده است. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام، مرجعیت دین و هنجارهای اسلامی به مثابه مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم عینیت یافت و بارقه‌های احیای تمدن نوین اسلامی جانی دوباره گرفت. قدرت مکتب انقلاب اسلامی از اصول و آموزه‌های گفتمان اسلامی پیروی می‌نمود و با تکیه بر هنجارها و ابزارهای معنوی در جبهه‌های مختلف بر گفتمان غرب‌گرای برآمده از منطق استکبار فائق گردید. با ورود به گام دوم انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای، با صدور بیانیه‌ای، توصیه‌هایی در جهت خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی انقلاب اسلامی بیان نمودند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، توجه به اخلاق و معنویت در جامعه است. لذا در این مقاله با استناد به آیات، روایات، بیانات و اندیشه امام خامنه‌ای؛ مؤلفه‌های اصلی قدرت معنوی در بازسازی تمدن نوین اسلامی با روش توصیفی بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود.





تحلیل بیانیه گام دوم بر مبنای تفکر تمدنی رهبر انقلاب

حجت الاسلام حسین بغدادی

مدرس و دانش‌آموخته

حوزه علمیه قم

دانیال ادیب

دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

در این مقاله بیانیه گام دوم انقلاب را در راستای یک محور مهم از نظام تفکر تمدنی رهبر معظم انقلاب تبیین نموده‌ایم و نشان داده‌ایم که چگونه درک مسئله تمدن و ابعاد تفکر راهبردی ایشان تنها مسیر تحلیل حقیقی این بیانیه است. دغدغه اصلی این مقاله یافتن راهکاری برای برون رفت از آسیب بزرگی است که همواره فراروی تحلیل بیانات رهبر معظم انقلاب قرار دارد. این آسیب نگاه تک بعدی و تحلیل‌های یک سویه سخنان تاریخ‌ساز ایشان است و راهکار بنیادینی که برای ارائه یک تحلیل جامع و دقیق در این مقاله تبیین گردید، شناخت عمیق و فهم همه جانبه ابعاد تفکر تمدنی ایشان است؛ بنابراین، پیش از ورود به تحلیل سخنانشان بایستی ابتدا جایگاه آن سخن در کلان منظومه تفکر تمدنی ایشان مشخص شود و پس از آن به جزئیات تحلیلی پرداخته شود. سعی نمودیم این مسئله اصلی و فراگیر را در قالب یک نمونه مصداقی که بیانیه گام دوم انقلاب است، به طور واضح و کاربردی به مخاطب خویش نشان دهیم و با ترسیم یک نمودار بسیار مهم، جایگاه بیانیه گام دوم در تحقق آرمان بزرگ انقلاب اسلامی تبیین گردد که همان «تمدن زمینه ساز ظهور» است. در نهایت نشان داده شد که این کار چه تأثیرات اساسی را بر تحلیل این بیانیه دارد.



مطالعه تطبیقی مفاد قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران و بیانیه گام دوم انقلاب

محمد ساجد هاشمی

دکتری فرهنگ و ارتباطات

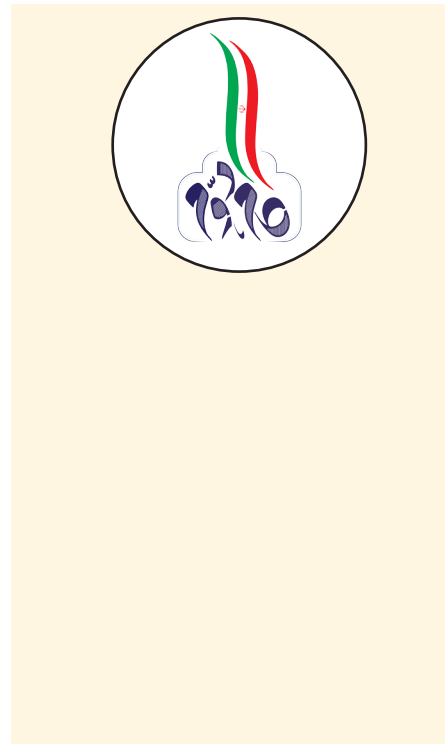
دانشگاه امام صادق علیه السلام

پژوهش حاضر با هدف اهتمام به محتوای بیانیه گام دوم انقلاب از منظر کارشناسی و تبیین جایگاه و اهمیت آن، به مطالعه تطبیقی آن با مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته است. در همین راستا و در پاسخ به این پرسش که «بیانیه گام دوم انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی به لحاظ محتوایی دارای چه نسبتی با یکدیگر هستند؟» ابتدا متن بیانیه با روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شد تا چارچوبی قابل فهم از آن برای عرضه به متن قانون اساسی استخراج گردد. سپس با مشخص شدن بخش‌های مرتبط قانون اساسی با محتوای بیانیه، هریک از این بخش‌ها به شکل تطبیقی با مفاد بیانیه مورد مطالعه قرار گرفت. بنابراین یافته‌های پژوهش در بخش اول، بیانیه گام دوم به ۵ مقوله اصلی، ۲۲ مقوله فرعی قابل تقسیم است که هر کدام دارای شبکه‌ای از مضامین و کلیدواژه‌های مرتبط هستند. بر مبنای این مدل مفهومی در مطالعه تطبیقی با قانون اساسی آنچه بیش از همه با متن بیانیه سنخیت دارد، مقدمه قانون اساسی است. پس از آن، به ترتیب اصول مندرج در فصل‌های اول، سوم، چهارم، و دهم قانون اساسی ارتباط مفهومی با بیانیه مذکور دارند.



**مشخصه‌های کودک تراز تمدن نوین اسلامی مبتنی بر
 انسان‌شناسی اسلامی در راستای تحقق بیانیه گام دوم**

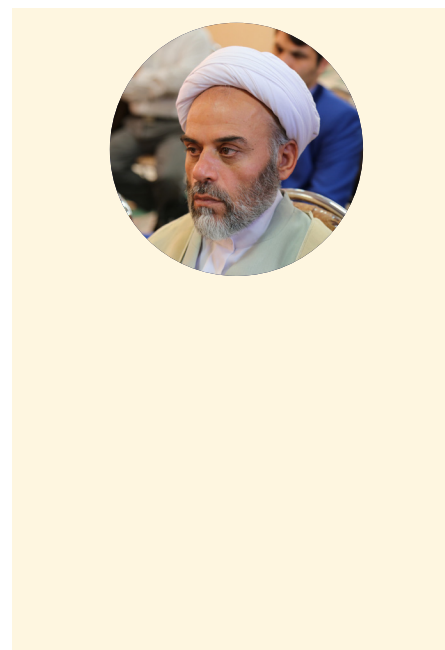
نرگس جدا
 دانشجوی دکترای علوم تربیتی
 دانشگاه خوارزمی



مسیری که از وقوع انقلاب تاکنون طی شده فقط بخشی از گام‌های آرمان بلند نظام است و ادامه این مسیر با نگاه آینده‌سازانه در گام دوم انقلاب و با بهره‌مندی مدبرانه از ظرفیت نیروی انسانی مستعد و کارآمد طی خواهد شد. با دقت در توصیه‌های هفت‌گانه بیانیه گام دوم می‌یابیم که همگی بخش‌هایی از مؤلفه‌های انسان تراز تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شوند. لازمه شکوفایی استعداد‌های انسان و بهره‌مندی‌اش از فرصت‌های حرکت و پیشرفت توجه به دوران کودکی اوست، زیرا عمق و پایداری یادگیری این دوران گسترده بوده و رویدادهای آن، نقش تأثیرگذاری را در چگونگی حیات دوره‌های بعدی زندگی فرد دارد؛ از این رو، توجه ویژه به دوره کودکی و شناخت دقیق کودک تراز اهمیت ویژه‌ای دارد. برای تدوین مشخصه‌های «کودک تراز» تمدن نوین اسلامی، ابتدا باید ویژگی‌ها و مؤلفه‌های انسان تراز این تمدن در انسان‌شناسی اسلامی و قرآنی و با روش تحلیل مفهومی استخراج شود که در نگاه کلی انسانی است متدین، اندیشه‌ورز و خلاق با روحیه انقلابی و حق‌گرای، با اخلاق و با ادب، اهل علم و دانش، سالم و طهارت‌محور، سبک‌ساز و با روح بسط مفهومی تعیین می‌شود. در این روش با مفروض‌انگاشتن مؤلفه‌های انسان تراز تلاش می‌شود این مفهوم در عرصه‌ای دیگر بسط یابد. بر این اساس اهمیت ویژگی‌های کودک تراز در هفت سال نخست عبارتند از: شاداب و پرتحرک، رشد یافته در بُعد جسمی و حرکتی، توانمند در محبت کردن و دریافت محبت دیگران و مؤمن به آیات الهی است و در هفت سال دوم نیز عبارتند از: مؤمن، با معرفت توحیدی، متأدب (رعایت‌کننده ادب)، رشد یافته در بُعد کلامی، توانمند در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی.

**وضعیت منابع مرجع در علوم انسانی اسلامی،
 بعد از انقلاب و آینده پیش رو
 (مطالعه موردی: آثار دایرةالمعارفی)**

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی
 استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



تولید «منابع مرجع» از اقداماتی است که در ترویج و گسترش علوم نقش مؤثری دارد. نوشتار حاضر با تمرکز بر آثار دایرةالمعارفی به عنوان یکی از مصادیق شاخص منابع مرجع، وضعیت این آثار تا اوان پیروزی انقلاب اسلامی و هم‌چنین پیشرفت‌های صورت‌گرفته در چهار دهه گذشته (گام اول انقلاب) را در ایران اسلامی به تصویر کشیده و آن‌گاه به بیان بایستگی‌های این عرصه در گام دوم انقلاب می‌پردازد. دستاورد این تحقیق - که مستند به منابع کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی است - این است که تا قبل از انقلاب اسلامی، تعداد این نوع آثار بسیار اندک بود. بعد از پیروزی انقلاب با همه مشکلات، شاهد سیری صعودی در این عرصه در هر دو جنبه کمی و کیفی بودیم، اما در چارچوب گام دوم انقلاب، به دلیل ضرورت تدوین این دست منابع بایستگی با نگرشی کلان در این حوزه به دایرةالمعارف‌های تخصصی اهتمام بیشتری ورزید؛ افزون بر آن، برنامه‌ریزی جهت کوتاه‌کردن فرآیندها و تدوین دایرةالمعارف‌ها در مدت محدود، ایجاد هماهنگی میان دایرةالمعارف‌های هم‌مسو، جلوگیری از کارهای موازی و تربیت افراد متخصص در زمینه دایرةالمعارف‌نویسی مد نظر قرار گیرد و در سرمایه‌گذاری میان تولید علم و اشاعه آن توازن ایجاد کرد؛ هم‌چنین در راستای جهانی‌سازی این آثار برنامه‌ریزی کرد و راه‌های سهولت دستیابی و افزایش تأثیرگذاری این آثار را پیدا کرد.



استقلال در کارنامه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
رضا عیسی‌نیا

استقلال کشور، امری مهم برای همه کشورهای است که ایران نیز از آن مستثنا نیست و هیچ چیز نباید آن را مخدوش کند. ایران امروز، کشوری است که با سه مؤلفه اسلامی، انقلابی و مردمی، هویتش شکل گرفته و با برآیند واحدی به نام «جمهوری اسلامی» ظهور کرده است؛ کشوری که نافی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری می‌باشد و داعیه‌دار مبارزه با طاغوت و استعمار و همان «Big Other» یا شیطان بزرگ است. هم‌چنین مدعی است یکی از امتیازاتش استقلال و مستقل بودنش می‌باشد و همین استقلال، وجه تمایز این نظام سیاسی و دولت‌هایش با دولت‌های دیگر در رژیم‌های ماقبل است. برپایه این مدعا سؤال این است که استقلال در ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی و... در کارنامه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده و چه وضعیت و موقعیتی داشته است؟ مقاله با روش انتقادی، سؤال مذکور را دنبال کرده و به این نتیجه رسیده است که دولت‌های جمهوری اسلامی ایران گرچه با راهبردهای مختلف اعم از حالت و راهبرد تنش‌زدایی به امر استقلال پرداخته، ولی استقلال را جزو مبانی، اصول و نتایج انقلاب اسلامی دانسته‌اند، زیرا اسلام و اسلام‌گرایی چنین اقتضایی را به همراه دارد. بنابراین استراتژی‌شان حفظ و تقویت استقلال همه‌جانبه کشور بوده و از این رو کارنامه‌شان موفق بوده، چون خدشه‌ای بر استقلال کشور وارد نشده است.



حسین الهی‌نژاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

جایگاه و نقش مهدویت در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب نشان‌دهنده عبور مقتدرانه انقلاب از چله اول به چله دوم است. انقلاب اسلامی ایران براساس مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی استمرار و تداوم داشته و دارد. پس اندیشه مهدویت به منزله پارادایم و روح حاکم در مشروعیت و مقبولیت انقلاب اسلامی ایران نقش اساسی دارد. مشروعیت انقلاب اسلامی با نظریه ولایت فقیه و مشروعیت نظریه ولایت فقیه با نظریه نیابت عام و مشروعیت نظریه نیابت عام در پرتوی اندیشه مهدویت تأمین می‌شود؛ از این رو، ولی فقیه در عصر غیبت به عنوان نایب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه عهده‌دار مسئولیت و حاکمیت جامعه اسلامی است، اما مقبولیت انقلاب اسلامی را مردم و حضور مستمر آن‌ها در صحنه تضمین می‌کند. پس مشروعیت انقلاب اسلامی به ترتیب به ولایت فقیه و ولایت فقیه به نیابت عام و نیابت عام به مهدویت و مقبولیت انقلاب اسلامی به منتظران و منتظران به انتظار و انتظار به مهدویت باز می‌گردد؛ در واقع، روح حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب، اندیشه مهدویت و رسیدن به ولایت و تمدن نوین مهدوی است.



**سهام اماکن مذهبی در تقویت گفتمان مقاومت
 (با تأکید بر تاریخ معاصر ایران)**

حامد قرائتی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام



گفتمان مذهبی در تاریخ معاصر ایران متأثر از عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی در مواردی دچار نوعی عوام‌زدگی و شعارگرایی و از طرف دیگر، بیگانه با وضع جدید اجتماعی شده بود. در این میان، اماکن مذهبی به ویژه مساجد و مسجد-مدرسه‌ها با وجود عدم تمایل دولت مردان، تلاش داشتند تا در کنار کارکرد عبادی یا آموزشی به ایفای رسالت ذاتی خود در هدایت، اصلاح و ارتقای گفتمان اجتماعی پرداخته و در سایه هدایت عالمان دینی گفتمان مقاومت در برابر هجمه‌ها و تهدیدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخلی و خارجی را در جامعه نهادینه سازند. این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به وقایع تاریخی، درصدد پاسخ به این پرسش است که در تاریخ معاصر ایران، اماکن مذهبی با تکیه بر چه راه‌کارهایی، جامعه را به سوی گفتمان مقاومت در برابر هجمه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هدایت نموده‌اند.

**تحلیل نظریات رهبری در خصوص
 عملکرد جمهوری اسلامی ایران در
 حوزه عدالت توزیعی (نهایی)**

مرتضی مرتضوی کاخکی

استادیار اقتصاد دانشگاه علوم اسلامی رضوی

سمیه براتی مقدم

کارشناس ارشد علوم اقتصادی



بیانیه گام دوم به عنوان نقشه راه آینده جمهوری اسلامی براساس شناخت وضع موجود و با نگاه به تهدیدات و فرصت‌های پیش روی جامعه اسلامی ایران ابلاغ شده است. از محورهای مهم این بیانیه، تأکید بر عدالت به عنوان یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی بوده است. از این رو آن‌گونه که در متن بیانیه آمده، لازم است مسیری که جمهوری اسلامی در این حوزه پیموده است، با دقت بررسی و آسیب‌شناسی شود تا زمینه را برای تحقق اهداف بیانیه فراهم آورد. از همین رو در این پژوهش سعی شده است با استفاده از روش تحلیل محتوای جهت‌دار، بیانات رهبری در خصوص عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه عدالت توزیعی بازخوانی گردد و معیاری برای شناخت مختصات مسیر طی شده فراهم شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از نظر رهبر معظم انقلاب، چهار بُعد در ارزیابی عملکرد جمهوری اسلامی باید مورد توجه قرار گیرند که عبارت‌اند از: رفع فقر، ایجاد برابری، ایجاد توازن و مبارزه با فساد. از برآیند این ابعاد، عملکرد کلی جمهوری اسلامی در حوزه عدالت قابل ارزیابی است. مهم‌ترین اهداف عدالت توزیعی، رفع فقر و ایجاد برابری در استفاده از مواهب و فرصت‌های موجود برای همگان است. جمهوری اسلامی نیز هر چند دائماً در مسیر تحقق این اهداف در حال تلاش و پیشرفت بوده، ولی کم‌توجهی به برخی اهداف انقلاب و نیز عدم مبارزه با برخی مفاسد و انحرافات باعث شده است فاصله‌ای جدی بین وضعیت مطلوب در این حوزه با واقعیت موجود حاصل شود که برای پُر کردن این شکاف، احتیاج به روحیه جهادی و کار مداوم است که از عهده نسل جوان بر خواهد آمد.



ضابطه عدالت توزیعی در اختصاص اموال و فرصت‌ها

حسنعلی علی‌اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

از سوی حکومت اسلامی

حکومت، خیریهایی را در اختیار دارد که در جامعه توزیع می‌کند. اگر این توزیع، عادلانه صورت گیرد، عدالت توزیعی در آن حکومت جاری است. پرسش‌هایی که نوشتار حاضر در این باره به آن می‌پردازد این است که: چه خیریه در حکومت باید توزیع عادلانه داشته باشد؟ و ضابطه عادلانه بودن توزیع آن چیست؟ پاسخ اجمالی آن است که حکومت باید اموال و فرصت‌های در اختیار خود را با دو ضابطه تأمین کفاف عمومی و تعدیل ثروت توزیع کند. این ضابطه نتیجه‌گرایانه است و نویسندگان ارائه ضابطه تکلیف‌گرایانه از طریق عناوین برابری، استحقاق و نیاز، یا ترکیبی از آن‌ها را در جوامع امروز کارآمد نمی‌دانند. ارزیابی عملکرد چهل ساله انقلاب اسلامی از طریق ارزیابی تحقق این دو ضابطه در اموال و فرصت‌ها در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته است.



حسین سرآبادانی تفرشی

پژوهشگر هسته عدالت‌پژوهی مرکز پژوهشگر هسته عدالت‌پژوهی مرکز

رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

علی مصطفوی ثانی

پژوهشگر هسته عدالت‌پژوهی مرکز پژوهشگر هسته عدالت‌پژوهی مرکز

رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

سید احسان خان‌دوزی

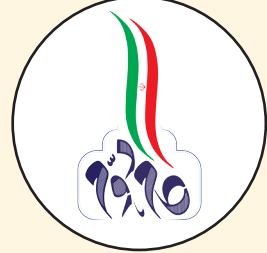
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

تحلیل روند شاخص‌های
عدالت اقتصادی
در جمهوری اسلامی ایران

عدالت به‌عنوان یکی از شعارها و مطالبات اجتماعی در دوران انقلاب اسلامی، نقشی مهم در تضمین هویت و ساخت نظام اسلامی داشته و دارد. متفکران و مصلحان اجتماعی اثرگذار در انقلاب اسلامی نیز بر این باور بودند که عدالت علت محدثه انقلاب اسلامی بوده و به‌تبع، علت مبقیه آن نیز خواهد بود. از این جهت مشروعیت و هویت گفتمانی انقلاب به اقامه عدالت در جامعه امروز است. اینک در چهل سالگی جمهوری اسلامی ارزیابی از مسیری طی شده در تحقق قسط و عدل در جامعه ایران بیش از گذشته دارای اهمیت است؛ به‌خصوص که قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های واگرا و متناقضی در این زمینه وجود دارد.

پژوهش حاضر تلاش کرده است به‌صورت جامع به یکی از مهم‌ترین ابعاد تحقق عدالت اجتماعی، یعنی عدالت اقتصادی توجه نموده و در این مسیر با خوانش جامع مطالعات صورت گرفته در ارزیابی وضعیت عدالت اقتصادی در ایران، در نهایت تصویری جامع از وضعیت عدالت اقتصادی در دوران جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد. بر این اساس، ضمن ارائه نتایج و دستاوردهای اصلی شش مطالعه داخلی و سه مطالعه بین‌المللی که به ارزیابی عدالت اقتصادی در ایران پرداخته‌اند، تلاش شده است تا دلالت‌ها و نقاط مشترک این پژوهش‌ها در ارزیابی وضعیت تحقق عدالت اقتصادی در دوران جمهوری اسلامی ایران شناسایی شود؛ ضمن این‌که در بخشی دیگر، مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی کشور در دهه بخش اصلی، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ مرور شده است. نتایج کلی این پژوهش نشان می‌دهد، مقوله عدالت اقتصادی در دوره جمهوری اسلامی رفتاری دوسویه داشته است؛ از سویی در بخش‌های زیرساختی و سخت‌افزاری شاخص‌های عدالت اقتصادی روبه بهبود بوده است، اما هرچه به سمت سویه نرم‌افزاری و اجتماعی در حوزه عدالت اقتصادی حرکت می‌کنیم، روند طی شده رضایت‌بخش نبوده است. البته آنچه در این پژوهش مرور شده است، تحقق عدالت اقتصادی از منظر نماگرهای عینی اقتصادی بوده و موضوع ادراک مردم از روند تحقق عدالت، خود موضوع پژوهشی مستقل است.





دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیجا کا دو انقلاب و تمدن نوین اسلامی

گزیده نشست‌ها





عملکرد جمهوری اسلامی ایران در ترویج معنویت طی چهل سال و نگاهی به آینده

ارائه کننده:

مسعود آذربایجانی

اعتکاف در دو دهه اخیر اشاره کرد که رگه‌هایی از این معنویت هستند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرننگ شده‌اند.

- پس معتقدید دستاوردهای خودجوشی که در دهه اول انقلاب بوده، نهادینه نشد، ولی در دهه‌های بعد، برای نهادینه کردن معنویت کارهایی انجام شده است.

- بله، باید اذعان داشت که خود نگاه مقام معظم رهبری در مسائل معنویت یک نگاه جدی است و یکی از ترجیح‌بندهای مؤکد ایشان به خصوص در رابطه با اقشار جوان، مسائل معنوی و ارتباط با خدا و انس با قرآن است.

- به نظر جناب عالی، چرا بحث معنویت در کشور به طور شایسته نهادینه نشد؟

- البته این مسئله باید آسیب‌شناسی شود. به عقیده بنده عوامل مختلفی دخیل بوده‌اند؛ یکی از آن‌ها بخش معرفتی است؛ یعنی نظامات معرفتی درستی نداشتیم که آن قالب‌ها و گزاره‌ها را در نظامات اجتماعی بریزیم. دیگری بحث‌های مدیریتی است که با تخلفاتی که پیدا شد، مردم به تدریج روی گردان شدند. ناکامی‌های سیاسی داخلی و خارجی و دشمنی‌های بیرونی هم بخش دیگری از این عدم توفیق بود و همه این‌ها هاله‌های سیاسی، به مسائل دین و معنویت در جامعه هم سرایت پیدا می‌کند و باعث رویگردانی و کم‌عنایتی به دستگاه حاکمیت می‌شود.

- جناب عالی به‌عنوان یک متخصص روان‌شناسی بفرمایید که علت‌بروز کاستی‌هایی در نهادینه‌سازی معنویت دهه نخست انقلاب، عدم توجه به تیپولوژی‌های روانی و شخصیتی بود یا تناسب نداشتن آن با نیازهای اجتماعی و فرهنگی مردم؟

- در لایه‌های عمیق، ما روان‌شناسان قوی نداشتیم که روان‌شناسی اجتماعی مردم را رصد و برآورد کنند و با پدیدارشناسی دقیق، بتوانند براساس آن سیاست‌گذاری نمایند؛ از این رو برخی کارها باعث انزجار و حتی رویگردانی مردم گردید و باعث شد مردم نتوانند ارتباط خوبی برقرار کنند. در لایه‌های ظاهری هم گاهی برخوردهای اخلاقی درستی با مردم نمی‌شد؛ به مردم بها داده نمی‌شد؛ ارتباط‌گیری نمی‌شد؛ همان موقع هم گاهی نقدهایی بر بعضی نهادها و ارگان‌های نظام وارد بود... همه این‌ها باعث شد بخشی از مردم را از دست بدهیم و مردم نیز به دلیل معنویتی که خاستگاه آن دین بود، این دو مقوله را به هم گره زدند و تمایلاتشان کم شد.

- تا این جای بحث مربوط به گذشته معنویت طی این چهار دهه بود؛ در خصوص سناریوهای قابل پیش‌بینی برای آینده مطالبی را بفرمایید.

- با توجه به فضای جهانی موجود که بعضی «پست مدرن» نام‌گذاری می‌کنند، دست‌کم ما باید یک تکرار را به دست آورده و به رسمیت بشناسیم؛

معنویت‌گرایی مقوله‌ای است که از دیرباز مورد توجه مردم و جوامع مختلف بوده؛ هرچند در شکل و شیوه تفاوت‌هایی با هم داشته‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز طی بیش از چهار دهه، در زمینه ترویج معنویت‌گرایی فعالیت‌هایی انجام داده که برخی موفق بوده و برخی نیز کاستی‌هایی داشته است. امروزه نیز با توجه به ورود معنویت‌های نوظهور و مدرن در جهان، بایسته است با نگاهی به آینده، دستاوردهای جمهوری اسلامی در ترویج معنویت بازخوانی شود.

مصاحبه زیر، حاصل گفت‌وگوی دکتر احمد شاکرنژاد؛ مدیر گروه اسلام و مطالعات معنویت با حجت‌الاسلام دکتر مسعود آذربایجانی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و رئیس اندیشکده معنویت (مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) است:

- می‌دانیم که از چهل سال پیش تاکنون، انقلاب اسلامی ایران در زمینه ترویج معنویت‌گرایی فعالیت‌هایی داشته و سناریوهایی نیز برای آینده در نظر دارد. لطفاً در مقدمه مصاحبه، بفرمایید با توجه به پیشینه معنویت‌گرایی، آیا سناریوهای محتمل، با آینده معنویت‌گرایی در ایران انطباق پیدا می‌کند یا خیر؟

- در ابتدا باید نکاتی را به‌عنوان سرخ و نکات کلیدی مطرح کنم؛ انقلاب ما یک انقلاب با رویکرد معنوی بوده که شواهدی نیز برای آن وجود دارد؛ یکی این‌که رویکرد عرفانی - مذهبی خود حضرت امام، به‌عنوان رهبر و بنیان‌گذار این انقلاب بوده که در گفتار، سیره و آثار ایشان مشهود است. به‌ویژه تأکید ایشان بر محور قرار دادن خدا و مبدأ قدسی در همه امور از جمله آزادی خرمشهر. با تحلیل محتوایی سخنان امام راحل، می‌بینیم که تقریباً بدون استثنا، تمام سخنرانی‌های امام علیه‌السلام، رویکرد بحث‌های معنوی الهی با مبدأ قدسی داشته‌اند. دیگر این‌که در پدیدارشناسی رفتارهای مردم طی دهه اول انقلاب، رویکرد معنوی مشهود بود؛ عمدتاً گذشت و بخشش در میان مردم بیشتر بود و دعواها و اختلافات، دنیایی نبود؛ به‌صورت جدی و جهادی به محرومان و بینوایان رسیدگی می‌کردند و سطح توقعات برای اموری چون ازدواج و مسکن و ... پایین بود. از این رو این مبنا وجود دارد که اصل انقلاب اسلامی یک انقلاب معنوی بوده و این نظام سیاسی با رویکرد معنوی در نظامات اجتماعی تأثیر فراوانی در تعاملات و رفتارهای مردم گذاشت. البته متأسفانه این امر به دلایل مختلفی در جامعه نهادینه نشد و از دهه دوم انقلاب به تدریج کم‌رنگ شد؛ به‌گونه‌ای که در دهه‌های اخیر این بحث را کمتر مشاهده می‌کنیم. البته گفتنی است که این معنویت هیچ‌گاه خاموش نشده و هم‌چنان وجود دارد. از آن جمله می‌توان به مراسم دعای کمیل، توسل و ندبه، ارتباطات با ائمه معصوم به‌ویژه امام هشتم علیه‌السلام و زیارت‌های عرفه و اربعین، رشد تصاعدی

یعنی در ادامه «لا اکراه فی الدین»، «لا اکراه فی المعنویت» را هم باید قبول داشت. قطعاً اگر یک راه باریک و مخصوص به خودمان را بخواهیم طی کنیم، شکستمان قطعی است و شاهد آن خواهیم بود که «یخرجون من دین الله افواجاً».

از آن جاکه نگاه به انسان، یک نگاه توأم با اراده، اختیار، سلیقه‌ها و گرایش‌هاست و نمی‌توان انسان را یک ماشین و ربات در نظر گرفت، بنابراین باید وجود یک نوع تکثرگرایی را پذیرفت؛ تمایلات، گرایش‌ها، علایق و احوالات روان‌شناسی، تیپ‌های شخصیتی انسان را به رسمیت شمرد. البته ممکن است این تکثرگرایی لزوماً مخالف مبانی دینی ما هم نباشد و یا ممکن است صدها درصد هم انقلابی نباشد؛ گرایش‌هایی مثل گرایش‌های مکتب نجف یا مکتب اهل بیت، لازمه یک جامعه هشتاد میلیون و جزو حداقل‌های سیاست‌گذاری مدیریتی برای جامعه است.

دومین نکته این است که پس از پذیرفتن تکثرگرایی، چند گرایش را که در وهله اول بیشتر مساعد با دین و در مرحله بعد، مساعد با نظام است، تقویت کنیم تا دست‌کم در مقابل گرایش‌های معنوی ضد دینی یا غیردینی بتوانند بروز و ظهور بیشتری داشته باشند.

نکته سوم هم این‌که چنین توقع و انتظاری غیرمنطقی نیست که حکومت‌ها برای مجموعه‌هایی که بیشتر با آنان هم‌راستا باشند، طبعاً بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ یعنی اگر برخی گرایش‌ها افزون بر معنویت، منطبق با اهداف انقلاب و مدافع آرمان‌های انقلاب بود، سازمان‌های رسمی و OGN‌ها نیز بیشتر برایشان هزینه می‌کنند.

- چه خطرات و آسیب‌هایی در آینده راه معنویت وجود دارد و چگونه می‌توان از بروز آن‌ها جلوگیری نمود؟

- یکی از مواردی که می‌تواند برای معنویت دینی مخاطره ایجاد کند و آن را دچار بحران و اشکال نماید، اهمیت بیش از حد دادن به یکی و بی‌اهمیت کردن دیگری است؛ مثلاً از طریق رسانه‌های جمعی که بر بخش قابل توجهی از جامعه سیطره دارند - بیاسیم یک گرایش مختصر را علم کنیم و بقیه را تخریب، منکوب و یا طرد نماییم. این نگاه‌ها مخاطره‌انگیز است و می‌تواند درصد قابل توجهی از متدینین را که حتی گرایش معنوی دارند، از معنویت زده کند.

در این جا لازم است به چند نکته به عنوان حواشی و حوالی این بحث اشاره‌ای داشته باشیم که بسترهایی را برای معنویت فراهم می‌کند:

یکی این‌که اگر ما معنویت را در یک تعریف ابتدایی بپذیریم که «فرازوی از پوسته و ظاهر به عمق و باطن و سمت و سوی خداوند» است، یکی از لوازمی که به بسترسازی معنویت کمک می‌کند، دوری از سطحی‌نگری، ظاهرگرایی و نگاه فرمالیستی است؛ یعنی در واقع گرایش به سمت عمق‌نگری و محتواگرایی را ترویج نماییم که بستری برای معنویت است. مثلاً در سوگواری برای ابا عبد الله الحسین علیه السلام، اگر فرمالیسم و ظاهرگرایی حاکم شود، ممکن است از معنویت اصیلی که در نهضت امام حسین علیه السلام بوده، غافل شویم.

خردگرایی و عقلانیت نیز دومین عاملی است که می‌تواند بستر معنویت را فراهم و آن را تقویت کند. ما معتقدیم معنویت نابی که در دین اسلام وجود دارد، معنویتی است که با عقلانیت گره می‌خورد و از عقلانیت برخاسته است. در روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام نقل شده که «ان اولی الالباب الذین عملوا بالفکر حتی ورثوا منه حب الله»؛ در واقع می‌خواهد بگوید که یکی از شاخص‌های مهم معنویت و رابطه انسان با خدا، رابطه حب، عشق و علاقه است. این حب الله از اولوالالباب آغاز می‌شود؛ زیرا اولوالالباب ژرف‌نگرند، نه سطحی‌نگر؛ و کنش آن‌ها «عملوا بالفکر» است. پس فراهم شدن این دو شاخص و بستر، حب الله را به دنبال دارد و آن را نهادینه می‌کند.

اگر عقلانیت تقویت نشود، گرایش به خرافات زیاد می‌شود و جنبش‌های معنوی‌ای که مبنای عقلانی دارند، دور می‌شوند و افزون بر آن، کسانی که به معنویت نگاه عقلانی دارند، از نظام فاصله می‌گیرند. به همین دلیل، باید سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاست داخلی و خارجی، بهره‌قابل توجهی از عقلانیت داشته باشند؛ هم ثبوتاً و هم اثباتاً. یعنی هم در واقعیت این‌گونه باشد و هم بتوان مردم را متقاعد کرد. اگر این امر محقق شد، همان عمق‌نگری و خردگرایی می‌تواند بستر معنویت هم باشد. بحث سوم، معنویتی است که یکی از شاخص‌های مهم آن پاکی، طهارت، خلوص و صداقت است. اگر مجموعه نظام و سناریوهایی که در پیش داریم، با مقوله‌های یادشده در تضاد باشد، شکست معنویت دینی حتمی است؛ یعنی اخلاق و بالاتر از آن، طهارت و پاکی است که آسیب می‌بیند. نظام ما باید این قدرت پالایش و پالودگی را برای خود داشته باشد که یک نمود آن، در مسائل اخلاقی است که در مقابلش، فساد، تبعیض، تخلفات و... قرار دارند. این‌ها با معنویت سازگار نیست و نظام ما باید یک نظام پالایش‌گری معنوی را برای خودش ایجاد کند؛ و خود یک نظام طهارت‌گر باشد. این‌که تخلفی اتفاق نیفتد، امری نشدنی است، اما باید حکومت پالایش و برخورد جدی کند. این عوامل کم‌کم باعث سلب امید مردم می‌شود و معنویتی هم که بخواهد به وجود بیاید، با این‌ها گره نمی‌خورد و مردم احساس می‌کنند که آناپاک نیستند و طهارت کافی ندارند. عملکرد نظام باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند با معنویت گره بخورد. ما باید به یک مرتبه مطلوب از طهارت و خلوص برسیم. رعایت مسائل اخلاقی در مقامات، مسئولان و حتی فرایندها می‌تواند ما را به این هدف برساند.

امروزه متأسفانه دروغ‌گفتن در جامعه ما از طرف مسئولان، تبدیل به امری ساده و نهادینه شده؛ مدیران و مسئولان کشور به راحتی خلف وعده می‌کنند، غافل از این‌که نمی‌دانند با این دروغ‌ها و وعده‌های کذب، چه تیشه‌ای به ریشه نظام اخلاقی جامعه می‌زنند. وقتی مسئولی بدقولی می‌کند و وعده دروغین می‌دهد و هیچ‌گونه برخوردی با وی صورت نمی‌گیرد، این رویه به لایه‌های پایین هم سرایت می‌کند و موجب از بین رفتن مرزهای اخلاق و خلوص در بین مردم و عادی شدن دروغ و فریب خواهد شد؛ چراکه «الناس علی دین ملوکهم»...



جایگاه علوم عقلی در توسعه و اسلامی سازی دانش و نقش آن در تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر ابراهیم علی پور

ما اسلامی سازی دانش رخ نداده و امروز می تواند بسیار تأثیرگذار باشد تا زمینه ارتباط با علوم عقلی لاقبل با دانش های علوم انسانی را بیشتر فراهم کنیم؛ به نظرم هم به لحاظ معرفتی و هم به لحاظ دیالوگ و ایجاد مبانی یا اشتراک مساعی در مبانی و بسیاری از مسائلی می توان ارتباط ایجاد کرد. خلاصه کلام آن که تا حدود زیادی در کشور خودمان حکمت با سیاست، اخلاق و مدیریت و بسیاری از مباحث، آن گونه که باید تأثیر و تأثر داشته باشد، این رفت و آمد را نداشته است. من نمی خواهم بگویم که این علوم کاملاً اسلامی هستند، ولی از مبانی اسلامی بهره می برند و فلاسفه و حکما به لحاظ تاریخی به این سنخیت و ارتباط و رابطه عقل و وحی توجه داشتند. علاوه بر این، عملاً در فقه و استنباط و حقوق و بسیاری از علومیکها و لاً و بالذات اسلامی هستند، تأثیرگذاری باشند. یعنی لاقبل جز مبانی و اصول آن ها هستند و قطعاً می تواند در اسلامی سازی دانش هم گام اولیه باشد ولی در تمدن سازی همان طور که - در مقدمه هشت ها و باید ها عرض کردم - حداقلش این است که حکمت یا علوم عقلی موجب تقویت و تعمیق باورهای دینی می شود، یعنی باعث می شود که شما از پوسته عبور کنید و به هسته نزدیک تر شوید. به علاوه میان تقویت علوم عقلی و تمدن سازی ارتباط مستقیم وجود دارد و هر وقت «علوم عقلی» در تاریخ قدر دیده «تمدن» بر صدر نشسته این را به وضوح می توان در تاریخ تفکر اسلامی مشاهده نمود. به علاوه ترویج این علوم، تأثیر زیادی در بومی سازی و اسلامی سازی سایر عرصه ها داشته است.

به نظر می رسد در کشورمان بعد از فارابی یا ابن خلدون غالباً حکمت و فلسفه از علوم دیگر فاصله گرفت. زیرا علم سیاست، علم مدیریت، علم اقتصاد و مانند این ها در جوامع غربی ارتباط تنگاتنگی با حکمت یا فلسفه خودشان دارند. یعنی از مبانی فکری عقلی بهره می برند و جدا نیستند. به عبارت دیگر، اگر ساختار آن ها را تحلیل کنیم، می بینیم قطعاً از مبانی فلسفی بهره می برند. کانت، پدر فلسفه مدرن است، شما اگر بحث فلسفه سیاست او را نگاه کنید و سپس آثار فلسفی یا جامعه شناسی امروز دنیای مدرن را نگاه کنید، ردپایی از این تفکر در همه این ها و حتی در تدوین قوانین می بینید. در کشور ما این ارتباط کم بوده و به نظرم می آید که می تواند بیشتر از این باشد و جا هم دارد که بیشتر از این باشد. یعنی می خواهم عرض کنم به طور کلی علوم، نمی توانند از یک مبنا فکری بهره نبرند. چیزی که امروزه به عنوان علوم ترجمه شده، از روانشناسی و جامعه شناسی و دیگر رشته ها، در بطن خودش از مبانی فکری خاص بهره می برند، مثلاً مبنا ای اومانستی را در نظر بگیرید امکان ندارد شما امروزه یکی از همین علوم را بتوانید از این مبنا جدا کنید، به گونه ای که آن را اگر از مبنا جدا کنید، چون مبنا آسیب می بیند، خیلی از آورده ها ریزش می کند یا جابه جا می شود. به عبارت دیگر، مبانی انسان شناختی فلسفی یا عقلی یا مبانی معرفت شناختی و بسیاری از مباحث شاخ و برگ هایش مبتنی بر این شکل گرفته است. وقتی می گوئیم علوم عقلی اسلامی بر اسلامی سازی دانش تأثیرگذار باشد یا می تواند تأثیر داشته باشد، بدین معناست که مبتنی این علوم، مبانی انسان شناختی تغییر می کند. اگر انسان محور فکر کنید، «جامعه شناسی» و «روان شناسی» و «اقتصاد» و «سیاست» شما یک جور شکل می گیرید و ثمره می دهد و شاخ و برگ می دهد و اگر خدا محور فکر کنید، همین علوم طور دیگری شکل گرفته و ثمره متفاوت خواهد داد؛ بستگی دارد ریشه چه باشد طیب و طاهر باشد و الهی باشد یا دنیوی و... شجره طیبه از ریشه سالم و مناسب بهره می برد.

هایدگر در سخنرانی معروفش در بزرگداشت رنه شار خطاب به اندیشمندان می گوید کسانی که جایزه نوبل در ادبیات یا علوم پزشکی گرفتند، بیانیه دادند و گفتند ما خیلی خوشحالیم که جامعه بشری را با علم به سمت رفاه می بریم و این که ممکن است لوازم دیگری هم داشته باشد و آسیب هایی داشته باشد، کاری نداریم. سپس می گوید این یعنی این که یک اندیشمند در بی فکری غرق است. برای همین در ابتدای سخنش می گوید ما همایشی یا بزرگداشتی از پی بزرگداشتی برگزار می کنیم، در حالی که غفلتی بر غفلتی می افزاییم، یا در بی فکری بیشتر غرق می شویم. مراد من این بود که تأثیر فلسفه بردانش های مختلف در غرب خیلی آشکار و قابل تحلیل است، ولی در خیلی از رشته های

توجه و تأکید بر عرفان و معنویت برگرفته از تعالیم اهل بیت در تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر محمد سوری

توجه و تأکید بر شناخت گذشته در پرتو بیانیه گام دوم

مقام معظم رهبری فرمودند: «باید گذشته را شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت.» این مطلب بسیار مهم است و فکرمی‌کنم حاکم بر تمام بیانیه است. ما می‌خواهیم گذشته را بشناسیم و از آن درس بگیریم. ایشان هم فرمودند یکی از برکات انقلاب این است که شاهد افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در دهه نخستین انقلاب هستیم.

تا اینجا را همه می‌دانیم ولی در بیست سال اخیر تجربه معنوی که حضرت امام با خودشان آوردند و گسترش پیدا کرد و در سال‌های نخستین انقلاب در جامعه موجی را ایجاد کرد با مخالفت‌های جدی مواجه می‌شود، به‌ویژه در حوزه‌های علمیه. گویا یک نوع برنامه‌ریزی دارد توسط مخالفان فلسفه و عرفان صورت می‌گیرد که اندیشه‌های فلسفی و عرفانی و به‌ویژه اندیشه‌های عرفانی ایشان، تحت الشعاع قرار بگیرد و به بهانه‌های مختلف تخطئه شود. یعنی الآن افراد زیادی در حوزه‌ها درس می‌دهند و درس می‌گیرند و مبنای کارشان مخالفت با اندیشه‌های عرفانی امام خمینی (ره) است.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دو قسمت از بیانیه که در واقع خط مشی چهل سال دوم انقلاب در آن طراحی و برنامه‌ریزی شده است، بر مسئله عرفان و معنویت تأکید کردند:

۱. در قسمتی که برکات انقلاب را می‌شمارند، در هنگام برشمردن برکات بزرگ انقلاب، در قسمت ششم، عنوان «افزایش چشم‌گیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه» است و توصیف کردند که چگونه عنوان انقلاب اسلامی باعث شد که معنویت و اخلاق به صورت چشمگیری افزایش پیدا کند. البته ایشان تأکید کردند که افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق به دو دلیل بوده است. یکی به دلیل وجود امام خمینی علیه السلام بود که به تعبیر ایشان «انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی در رأس کشور» بودند.

دوم این‌که مایه‌های ایمانی و عرفانی در کشور ما با سابقه تاریخی و تمدنی آن قدر بود که حرکت انقلاب باعث شد مردم توجه جدی و تازه‌ای به مسئله معنویت و اخلاق پیدا کنند و در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب بر رفتار مردم تأثیر داشته باشد و در حوادث مختلفی که به‌ویژه در ده سال اول انقلاب اتفاق افتاد، از قبیل جنگ و محاصره اقتصادی، مسئله معنویت و عرفان بیشتر خودش را نشان داد و بروز پیدا کرد.

۲. در قسمت توصیه‌ها گفتند من یک سری توصیه‌ها و سفارش‌ها برای ملت ایران دارم و در بخش دوم این توصیه‌ها که عنوان آن را «معنویت و اخلاق» گذاشتند، توضیحی دادند و بعد سفارش جدی کردند برای این‌که باید برای مسئله تأکید شود و جزو خط‌مشی‌های اساسی حرکت ما در گام دوم انقلاب باشد.

ما از بیانیه گام دوم انقلاب توقع نداریم که همه مسائل را به صورت جزئی و ریزبررسی و نظریه‌پردازی کرده باشد. در واقع، بیانیه گام دوم همچون سندی بالادستی است که در آن کلیات و خواسته‌ها مطرح شده و بقیه امور باید به متخصصان و دانشمندان هر رشته سپرده شود. به همین دلیل، در بیانیه به‌ویژه درباره عرفان و معنویت راهکار مشخصی ارائه نشده و به افرادی که در این حوزه کار می‌کنند، واگذار شده است. من هم در اینجا می‌خواهم یکی از عبارات‌های بیانیه در این حوزه را طرح کنم و در مورد آن صحبت کنم که مسئله کمی باز شود.

همان‌طور که عرض کردم، مقام معظم رهبری درباره نقش امام خمینی (ره) در بحث عرفان و معنویت و تأثیر آن بر حرکت انقلاب، تعریفی از امام کردند و ایشان را «انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی» نامیدند. من به ذهنم رسید که درباره این جمله مختصری صحبت کنیم.



الزامات راهبردی بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر علیرضا صدرا

در مورد کارآمدی ساختاری بحث شده است، مثلاً قانون اساسی جزو زیرساخت‌ها محسوب می‌شود، اما اگر منظور ساختار نظامی است، ساختار بیرونی براساس قانون اساسی است. نظام اداری ما، نظام را تا مرز استحاله می‌برد و فرومی‌پاشند و سیاست‌گذاری ما قطعاً فرومی‌ریزد. من بارها بیان کردم که مثل موتور بوئینگ ۷۴۷ است که روی ساختار ژیان قرار گرفته است. انقلاب نیرو و انرژی تولیدی می‌کند، ولی ساختار اداری مثل شاسی ژیان است. شاسی، توانایی ندارد و مجبوریم برسر قدرت موتور بزنیم. موتور قدرت دارد و قرار است تمدن بسازد، ولی با موتور ژیان نمی‌توان تمدن ساخت. با موتور بوئینگ می‌توان تا آن سردنیا رفت، ولی با ژیان تنها می‌توان از این شهر به آن شهر رفت. به عبارت دیگر، قدرت موتور، مولد است، ولی به دلیل مشکل شاسی اثربخش نیست و تبدیل به صدا و دود و تکان می‌شود. شاسی همان ساختار اداری ماست و باید این را حل کنیم. البته که این موضوع قابل حل است، ما در تأمین امنیت موفق هستیم، ولی در ساختار اداری موفق نیستیم. می‌توانیم پهپاد را کنترل کنیم، امریکا را می‌توانیم کنترل کنیم، می‌توانیم اسرائیل را فلج کنیم، اما بنگاه دار اقتصاد ما را اداره می‌کند. این نشان می‌دهد جایی مشکل داریم. اگر نتوان بودیم باید در همه عرصه‌ها این طور بود. در امنیت توان داریم و نشان می‌دهد که زیرساخت قوی داریم، ولی در اثربخشی مشکل داریم.

همان‌گونه که بیان شد مجمع تشخیص مصلحت نظام باید وظایف نهادها را در قالب برنامه ۲۵ ساله و سیاست‌های راهبردی تصویب و ابلاغ کند و مجلس شورای اسلامی نیز باید آن را به برنامه پنج‌ساله تبدیل کند و بودجه‌ریزی کند و قوانین عادی تصویب کند. تمام قوانین عادی باید براین اساس مصوب شود. مثلاً قانون مالیات‌ها ضد پیشرفت و تمدن‌سازی است، زیرا هر که بیشتر تلاش می‌کند، بیشتر مالیات می‌دهد ولی کسی که کار نمی‌کند و زمین خریده و قیمت را بالا می‌برد، کاری به او نداریم. مشخص است که این روند ضد کارآفرینی است و نهایتاً تا اجرایی‌سازی باید پایش صورت بگیرد. در حقیقت، شئون و مراحل مختلف گفته شده است و باید به عنوان سند تنظیم شود و منابع را بسیج و سازمان‌دهی کنیم و اجرایی کنیم. باید به این مرحله برسیم که بعد از دولت‌سازی اسلامی، جامعه‌سازی اسلامی انجام شود. جبهه مقاومت اسلامی باید متشکل شود و قوی‌تر باشد. حتی پیمان دفاع مشترک باید بسته شود و نهایتاً اتحاد جماهیر اسلامی و امت‌سازی اسلامی صورت گیرد. لازمه این امر، شبکه رسانه‌ای بین‌المللی است و الآن جز ضرورت‌های ماست. دانشگاه بین‌الملل اسلامی باید ایجاد شود، مانند کاری که ناسا انجام داده است. یعنی باید کل دانشمندان جهان اسلام را

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بردو عنصر در بعد راهبردهای تحقق عملیاتی قضیه تأکید می‌کند که به عنوان چالش پیش روی ماست:

۱. جوان‌سازی: باید توجه داشت که جوان‌سازی با جوانی‌سازی متفاوت است. جوانی، یعنی نشاط؛ همان‌گونه که حضرت امام تا پایان عمر نشاط داشتند و یا رهبری بیش از هشتاد سال سن دارند، ولی از جوان بانشاط‌تر است، درحالی‌که خیلی از جوانان روحیه پیر دارند. بحث کارایی و کارآمدی و نشاط است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: نشاط جوانی، تجربه پختگی پیران است.

به نظر من راز تبدیل چین به ابرقدرت این است که سه نسل مدیریت را در کنار هم گذاشت. الآن وزیر چین که روبه‌روی شما می‌نشیند، جوان است و کنار او پیرمردی نشسته است و زیرگوش او توصیه می‌کند که وزیر قبلی است؛ پشت سر او نیز منشی نشسته است که وزیر بعدی است. وزرا راحت جایجا می‌شوند و چیزی تغییر نمی‌کند و حال آن‌که در کشور ما وزیر جایجا می‌شود و کل سیستم به هم می‌ریزد. یعنی وقتی شخص عوض می‌شود، سیستم عوض می‌شود. برای انتخابات ریاست جمهوری از یکسال قبل کشور تعطیل است و تا یکسال بعد هم تعطیل است. در دنیا این طور نیست و نهادها کار خودشان را می‌کنند. مثلاً در موقعیتی که امریکا در عراق مشغول نبرد است، هتل‌های بغداد پر از سرمایه‌گذاران امریکایی است. مثل اصفهانی‌های ما هستند. یکی از دوستان می‌گفت عراق در حال بمباران اهواز بود و من خانواده‌ام را از شهر خارج می‌کردم، سرراهم فردی با لهجه اصفهانی از من پرسید این‌جا خانه برای فروش نیست؟ یعنی آن زمان هم به فکر اقتصاد بودند. امروزه عمده هتل‌ها و متل‌های بغداد و نجف در اختیار اصفهانی‌ها است. بنابراین این را باید در نظر بگیریم که جوان‌سازی با جوانی‌سازی فرق دارد و نباید به بهانه جوان‌سازی تمام تجربه چهل ساله را کنار بگذاریم. اگر از تجربه غفلت کنیم، باید دوباره از صفر شروع کنیم و معلوم نیست که بتوانیم ادامه بدهیم. باید مدیریت اجرایی جوان باشد، اما جوانی که گوش به حرف پیر بدهد، چون چهل سال تجربه است که برای آن هزینه و خون داده شده است.

۲. جهادی‌سازی: حضرت آقا ۳۸ بار بحث جوان‌سازی را مطرح کردند و بیان شد که تفاوت جوان‌سازی با جوانی‌سازی، زمین تا آسمان است؛ زیرا بدون جوانی‌سازی نمی‌توانیم ادامه دهیم، اما با جوان‌ها هم نمی‌توانیم، ولی با جوانی می‌توانیم این کار را بکنیم و نه با جوان. ایشان ۲۴ بار جهادی‌سازی را مطرح کردند و تأکید داشتند که با مدیریت سازمانی و سیستم دولتی نمی‌توان موفق شد، زیرا ضد توسعه و رشد و تمدن‌سازی است. ما تجربه‌های جهاد و نهادها را داریم و باید نهادها را سازمان‌دهی کنیم.

تجمع کنیم و تبادل افکار کنند و نهایتاً بازار بین المللی و بانک بین المللی اسلامی تشکیل شود تا تبادل کار و پول اسلامی رخ دهد. اگرچه ما برخی از این ها را به نوعی داریم ولی واقعیت این است که در قالب کنفرانس اسلامی، در اختیار عربستان است. البته در بُعد امنیتی پیشرفت هایی صورت گرفته است، در جبهه مقاومت، جهاد اسلامی می گوید اگر حمله شود، من هم حمله می کنم. لذا باید بدانند که ما تک نیستیم، یا حمله فیزیکی صورت می گیرد یا پشتیبانی و حمایت لجستیکی. آن ها رسماً به عربستان اسلحه می فروشند و وقتی مردم یمن از خودشان دفاع می کنند، به ما می گویند چرا اسلحه می دهید، در حالی که ما برای بالا بردن قدرت دفاعی به یمن اسلحه می دهیم و آن ها برای تهاجم است. اگر مظلوم را کمک کنیم، باید مواخذه شویم. باید بدانند نه تنها کمک می کنیم، بلکه نیرو هم می فرستیم. اگر این طور شد، امنیت ایجاد می شود و اگر نشد، ما را نابود می کنند.

بایستگی فرایند تمدن سازی

پس از این مرحله، به تمدن سازی می رسیم. تمدن نوین اسلامی یعنی جهان اسلام شکل می گیرد و مسلمانان جهان را باید ببینیم. اروپا الآن ۵۲ میلیون مسلمان دارد و براساس پیش بینی های صورت گرفته در سال ۲۰۵۰ تعداد مسلمانان از مسیحیان بالاتر می رود. سه میلیون یهودی به آمریکا رفته است و آن جا را فتح کرده است، رسانه ها و مجامع پولی را گرفتند، در حالی که هیچ کارخانه یهودی وجود ندارد، زیرا یهودیان کار نمی کنند، بلکه پول می دهند. ایرانی ها و هندی ها و امریکایی ها و مسیحی ها کارخانه دارند و اگر ورشکسته شد، باید پول بدهد. در حالی که سود را بانک دارها و سرمایه دارها می برند. شما در دانشگاه و صنعت خیلی یهودی نمی بینید، در صورتی که ما ۵۰۰۰ استاد تمام وقت در دانشگاه آمریکا داریم و چندین کتاب خواجه نصیر و ملاصدرا و دیگر مشاهیر ایرانی چاپ شده و در چند دانشگاه نیویورک تدریس می شود. اگر بخواهیم تمدن بسازیم، تنها تمدن در حوزه جهان اسلام مدنظر نخواهد بود، بلکه مسلمانان جهان در کانادا و استرالیا را باید ببینیم. حوزه تمدنی خیلی فراتر از فاز قبلی است.

اینکه چرا معظم له دانشگاه امام حسین (ع) را به عنوان نقطه آغازین بحث تمدن سازی انتخاب کردند، بدین دلیل است که ارتش سازمان نظامی و نهاد جهادی و انقلابی است. سخنرانی ایشان مقارن با توطئه دشمن در بیان مشکل امنیتی ایران بود و می خواستند این طور جلوه دهند که ایران در فاز امنیتی است، ولی رهبر معظم انقلاب نیز با درایت خویش گفتند ما در فاز تمدن سازی هستیم. در حقیقت ایشان در دانشگاه و مرکزی که بحث امنیت می کند، بحث تمدنی را مطرح می کنند. در مطالبی که جمع آوری شده است، تمام راهبردهای تمدن ساز رهبری بیان شده است؛ زیرا بدون راهبرد و رهیافت قطعاً راه به جایی نمی بریم.



علم سنجی، چالش‌ها و راهکارها در راستای تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر علی میرعرب

که بر مقالات متمرکز است، درحالی که در جهان اسلام، کتاب معیار و ملاک است. مثلاً شاید نتوان اسم آیت الله استادی را در پایگاه استنادی دنیا یافت، زیرا معیار آن‌ها مقالات است. ما می‌توانیم با استفاده از اطلس علمی معیارها و شاخص‌های جدیدی ارائه کنیم و کتاب را نیز در نظر بگیریم. به نظرم اصطلاح‌نامه‌ای که توسط پژوهشکده مدیریت اطلاعات تهیه شده و نقشه دانش حوزه‌های مختلف علم را تشکیل می‌دهد، می‌تواند استاندارد جدیدی برای علم‌سنجی قرار گیرد.

البته باید بررسی شود که آیا می‌توان اصطلاح‌نامه را به عنوان یکی از معیارهای سنجش علم در نظر گرفت یا خیر؟

علم‌سنجی اصلی‌ترین گام برای سیاست‌گذاری علمی است. در بیانیه گام دوم نیز مقام معظم رهبری از «علم و پژوهش» به عنوان دومین محور و حوزه یاد می‌کنند. ایشان همواره به علم و پژوهش عنایت خاص و ویژه‌ای داشتند و دارند و همیشه همگان را به فراگیری دانش ترغیب می‌کردند. شکل‌گیری پایگاه استنادی علوم جهان اسلام نیز با اشاره ایشان در یک سخنرانی صورت گرفته است. من اگر بخواهم به کلیدواژه‌های بخش علم و پژوهش در بیانیه گام دوم اشاره کنم، می‌توانم به موارد زیر اشاره کنم. ایشان فرمودند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است». ایشان دوباره در بخش دیگری فرمودند: «ما تا حالا شتابی عجیب داشتیم که حتی مورد حیرت دنیا قرار گرفته است. در یک بازه کوتاهی با وجود تحریم‌های مختلف ما رسیدیم به جایگاه شانزدهم دنیا در علم که در یک موضوعاتی حتی ما در جایگاه اول و دوم مثل نانو تکنولوژی با شتاب پیش رفتیم، باز هم پیش می‌رویم، ولی با همین شتاب، چون از دنیا عقب هستیم، بایست کار جهادی عجیب و غریب جلو برود تا بتوانیم این عقب ماندگی‌ها را جبران کنیم. باید برسیم به آن قله‌های دانش جهان خوب کار هم جز با یک حرکت جهادی و احساس مسئولیت همه انجام نمی‌شود».

برداشتن گام دوم بدون ارزیابی گام اول و تعیین خط مشی و سیاست‌گذاری میسر نیست. اگر می‌خواهیم گام دوم را درست و اصولی برداریم و به قله‌های دانش دست یابیم، باید بدانیم که چه کردیم و چگونه انجام داده‌ایم و سپس برای قدم دوم کارها را مشخص کنیم.

راهکارهای دست‌یابی به افق روشن علم و دانش در راستای بیانیه گام دوم

برای رسیدن به موضوعی که بیان کردم باید با استناد به استانداردهای موجود، دانش خود را مورد ارزیابی قرار دهیم تا بدانیم در چه موقعیتی قرار داریم. هم چنین باید مطالعه تاریخی و جامعه‌شناختی هم روی علم و دانش خود انجام دهیم تا بدانیم کجا بودیم و به چه مرحله‌ای رسیدیم.

سپس اولویت و چشم‌اندازها و ظرفیت‌های خود را سنجش کنیم و در مرحله بعد نیز سیاست‌گذاری صورت گیرد. با استفاده از گزارش‌هایی که از این راه حاصل می‌شود، می‌توان به نقشه و اطلس دانشی کشور دست یافت که در حوزه‌ها و موضوعات مختلف هرم‌ها و مسیرهای دانشی روشن است. آی‌اس‌ای توانسته اطلس علمی جهان اسلام را ارائه دهد و با استفاده از این گراف‌ها و گزارش‌ها، می‌توان ارتباط میان پژوهش‌گران مختلف با هم دیگر، موضوعات مختلف با هم دیگر و مؤسسات مختلف با هم دیگر را سامان داد و چالش‌ها و نقطه قوت ما نیز نمایان می‌شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پایگاه استنادی دنیا و نیز آی‌اس‌ای این است

به کارگیری فناوری‌های نوین مدیریت اطلاعات در راستای تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر علی میرعرب

باعث می‌شود آمارهای ساختگی تولید شود. باید روند را درست کنیم، اسناد بالادستی مثل بیانیه گام دوم را جلوی خودمان بگذاریم، عزم ملی پشت آن بگذاریم، مدیر درست انتخاب کنیم، روی برنامه ریزی جلو برویم، به اطلاعات توجه کنیم، مخفی نکنیم، از آن‌ها استفاده کنیم، ثبت و حفظ کنیم، تحلیل کنیم. در جلسه قبلی من موضوعی علم‌سنجی را مطرح کردم. باید با استفاده از علم‌سنجی نقشه علمی تولید کنیم، سیاست‌ها را تدوین کنیم، اجرا کنیم و فیلد بک بگیریم و بازخورد بگیریم، فرایند مدیریت را درست کنیم و مبتنی بر مدیریت اطلاعات و نه افراد، مدیریت کنیم.

یک سری نمونه‌هایی که از به کارگیری فناوری‌های نوین مدیریت اطلاعات می‌توانیم در طرح‌ها و بیانیه گام دوم ببینیم و از آن استفاده کنیم، اینجا خدمت شما ارائه شده است. همان‌طور که گفتم وقتی محقق می‌خواهد پژوهش کند، برای او یک سیستم یکپارچه درست کنیم تا بتواند در همه منابع سرچ کند و استفاده کند. هستی‌شناسی‌ها را تولید کنیم، با استفاده از داده‌کاوی، پیشنهادهایی در زمینه تحقیق به او ارائه دهیم، پروفایل‌های پژوهشی برای او ایجاد کنیم، روند پژوهش را در کشور و دولت و سیاستمداران نشان دهیم. نقشه علم‌تولید کنیم تا بتوانند بر اساس آن برنامه‌ریزی و مدیریت کنند. همه این‌ها بدون مدیریت اطلاعات محقق نمی‌شود و باید اطلاعاتمان را ذخیره‌سازی، سازمان‌دهی، اشاعه و به کار بگیریم.

اگر مدیریت اطلاعات نداشته باشیم، باید بیانیه گام دوم را خیلی سخت پیش ببریم. الآن عصر دیتاست و رشد دیتا به صورت عجیبی بالا می‌رود. اگر ما نخواهیم مدیریت اطلاعات داشته باشیم، عقب هستیم. از رشد علمی عقب می‌مانیم و به آن چیزی = که بخواهیم برسیم، نمی‌رسیم. مدام کار تکراری می‌کنیم، چون مدیریت اطلاعات درست نداریم، کاغذبازی می‌کنیم، چون مدیریت اطلاعات درست نداریم، اختلاس می‌شود، چون مدیریت اطلاعات درست نداریم. می‌توانیم مدیریت اطلاعات را در بیانیه گام دوم به دو شکل استفاده کنیم. مقام معظم رهبری ۷ بخش را در بیانیه مطرح کردند که یکی از شاخه‌های آن علم و دانش است. اگر مدیریت اطلاعات و پیشرفت در مدیریت اطلاعات را در نظر بگیریم، باید در این حوزه خودمان را قدرتمند کنیم، مثل مباحث مربوط به داده‌کاوی، هوش مصنوعی، big data؛ زیرا در ایران خیلی در زمینه big data ضعیف هستیم. بنابراین باید در بخش مربوط به علم و فناوری که در بیانیه گام دوم هم بیان شده، خودمان را بالا ببریم. منظر دیگری که می‌توانیم از مدیریت اطلاعات استفاده کنیم، به کارگیری مدیریت اطلاعات در بخش‌های دیگر است. یعنی از مدیریت اطلاعات در هفت بخشی که حضرت آقا معرفی کردند، استفاده کنیم. اگر مدیریت اطلاعات داشته باشیم، اقتصاد ما هم سروسامان می‌گیرد؛ اگر مدیریت اطلاعات داشته باشیم، پژوهش ما هم پژوهش هم سروسامان می‌گیرد. ما الآن یک کتابخانه یکپارچه‌ای حتی در حوزه علوم اسلامی نداریم که همه کتابخانه‌های علوم اسلامی آنجا جمع باشند و یک پژوهشگر علوم اسلامی بتواند پژوهش خود را انجام دهد. نور ۲۰ هزار کتاب گذاشته، ما ۲۰ هزار کتاب گذاشتیم، آستان قدس رضوی ۴۰ هزار کتاب گذاشته، همه جزیره‌ای کار می‌کنیم و به مدیریت اطلاعات نوین نرسیدیم که بتوانیم یکپارچه با آن برخورد کنیم. پس باید به مدیریت اطلاعات به عنوان یک علم ما به آن نگاه کنیم و در آن قدرتمند شویم و از مدیریت اطلاعات در بخش‌های دیگر استفاده کنیم تا بتوانیم به اهداف و مقاصدی که حضرت آقا در بیانیه گام دوم تعریف کردند، برسیم. وقتی اسم مدیریت اطلاعات آمد، مباحث مربوط به مدیریت قوی می‌شود. تاکنون وضعیت به این صورت بوده که مدیریت قدیمی حاکم بوده، انتخاب یا تعویض نادرست مدیران، انتخاب افراد بدون شایستگی وجود داشته است، مدیر به قربان‌گو می‌خواهند، اطلاعات را مخفی می‌کنند، باعث می‌شود که نارضایتی پیش بیاید، سرمایه اجتماعی - مردم و اطلاعات - را نادیده می‌گیرند، اطلاعات صحیح ارائه نمی‌دهند. مثلاً در بازار می‌بینیم که جنس ۵۰ درصد گران شده، ولی مرکز آمار می‌گوید که تورم ۱۲ درصد است. این اطلاعات باعث می‌شود که ما از مسیر درست منحرف می‌شویم و



بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آموزه‌های اعتقادی و کلامی اهل بیت (ع) در تحقق سبک زندگی اسلامی

ارائه کننده:

حجت الاسلام و المسلمین اکبر اقوام کرباسی

جای خود می‌توان نشان داد که هم در منابع وحیانی و هم در تلاش‌های علمی برخی از متکلمان و فیلسوفان، ایمان بی‌ارتباط با لایه نخست باور نیست، اما صرفاً هم معارف و تصدیقات ذهنی نخواهد بود.

به عبارتی، آموزه‌های اعتقادی، هم می‌تواند در لایه نخست باورها مؤثر باشد و هم در لایه دوم. صحبت از اثرپذیری تصدیقات ذهنی معارف اعتقادی منعکس شده در منابع وحیانی، امر جدید و نوپدید نیست. لذا نیازی به واگویی این داستان نیست، زیرا نظام‌های معرفتی بنیان‌شده از متون وحیانی خود را به آن متعهد می‌بیند و می‌کوشد براساس همان معارف اندیشه‌وزی نماید، با نظام‌هایی که تعهدی برای ساخت و پرداخت دستگاه فکری خویش به معارف وحیانی ندارد و نهایتاً می‌کوشد تلاش‌های علمی خویش را با آن نظام همراه سازد، دو خروجی متفاوت و دو سبک مختلف از اندیشه و حیات اعتقادی به دست خواهد داد و لاجرم دو الگوی متفاوت از باورمندی و ایمان‌گرایی عرضه خواهد نمود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین و بنیادی‌ترین بحث در این حوزه، موضع‌گیری در برابر منابع معرفت نظام‌های مختلف فکری و تعامل این منابع با یکدیگر باشد. به هر حال، نظام و شیوه‌ای از اندیشه‌ورزی که در آن عقل خود بنیاد، تنها منبع معرفت تلقی می‌شود و وحی صرفاً مؤید مباحث عقلانی دارد، با نظام و سبکی از اندیشه‌ورزی که در آن عقلانیت و اندیشه‌ورزی، بازسته وحی و منابع وحیانی تعریف شده و حجیت هر یک در قبال دیگری تعریف می‌شود، کاملاً متفاوت است.

همین نتیجه در لایه دوم باور و اعتقاد هم ساری و جاری است. اگر نخستین لایه و پیش‌گفته از باور در دانش کلام پی گرفته می‌شود، توقع این است که دومین لایه نیز در همین دانش دنبال شود، اما متأسفانه باید اذعان کرد وقتی به دانش الهیات یا کلام اسلامی یا حتی فلسفه اسلامی مراجعه می‌کنیم، کمتر با تلاش‌های علمی در حوزه اخیر باورها، یعنی حوزه ایمان برخورد می‌کنیم. اگر نگوئیم هرآنچه است به لایه اول باور، یعنی حوزه تصدیق ذهنی مربوط است. این در حالی است که دنیای مسیحیت مسیری کاملاً برعکس طی می‌کند.

در سنت اسلامی، از آن جهت که معرفت درگاه ورودی ایمان تلقی شده است، عقلانیت به عنوان پایه اساسی ایمان محسوب می‌شود. گویی دانش کلام ما از درگاه ایمان بالاتر نرفته است و به بازگام آن راه نیافته است. اما الهیات مسیحی از معرفت عبور می‌کند و به ساحت ایمان می‌آید. عبور از درگاه ایمان و رسیدن به ساحت آن و طبعاً دریافت‌های ایمانی و چیزی که انسان به آن معتقد می‌شود و به صورت طبیعی گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتارها را شکل می‌دهد، نه در دانش کلام موجود مطرح است و نه در فلسفه!

طبیعی است در مسیر دست‌یازی به این ساحت علم کلام، به خوبی می‌توان از روش‌ها و آورده‌های مطالعات مرتبط با باور و رفتار سایر دانش‌های علوم انسانی هم بهره برد؛ البته این استفاده از دایره روش‌شناسی علم کلام بیرون نیست، چراکه علم کلام، دانشی چندروشی است و این ظرفیت را دارد که از نتایج مفید و کاربردی سایر دانش‌ها برای اهداف خود استفاده کند.

«سبک زندگی» اصطلاحی مرکب از دو واژه سبک و زندگی است که برای اولین بار توسط الفرد آدلر (۱۹۲۲م) و سپس توسط پیروان او به کار گرفته شد. در ادبیات فارسی عنوان «سبک زندگی» وجود نداشته است، اما واژگانی هم چون داب، سیره، زی اسلامی، ملکات اخلاقی، آداب اسلامی و غیره همان حقیقت را نشان می‌دهد. سبک زندگی، شیوه خاص زندگی فردی و اجتماعی است که متدینان به دین اسلام و گروه‌های مؤثر جامعه اسلامی به آن عمل می‌کنند و در رفتارشان انعکاس می‌یابد. سبک زندگی، نظام‌واره خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه، با هویت مستقل اختصاص دارد.

رهبری عزیز انقلاب در این باره گفته‌اند: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین می‌کنیم، برای خودمان ترسیم می‌کنیم، به طور متناسب با خود، یک سبک زندگی پیشنهاد می‌کند. یک نقطه اساسی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم مثل هدف زندگی و به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست و کار درست انجام نمی‌گیرد. براساس این ایمان سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

سؤال این جاست که آموزه‌های اعتقادی و کلامی‌ای که از سوی اهل بیت در منابع وحیانی ارائه شده است، چگونه می‌تواند در تحقق سبک زندگی نقش ایفا کند؟ اگر امروزه به مباحثی نظیر افکنیم که انسان‌شناسان برای شناسایی ساحت‌های وجودی انسان مطرح می‌کنند، خواهیم دید عرصه اعتقاد و باور، در کنار عمل و رفتار، یکی از مهم‌ترین ساحت‌های وجودی انسان است؛ هرچند عمده مباحثی که در مباحث سبک زندگی مطرح می‌شود، گرداگرد عمل و رفتار آدمی می‌چرخد و سبک‌های مختلف زندگی عمدتاً نسخه‌های مختلف رفتاری در عرصه اخلاق و یا رفتارهای انسانی است، اما بی‌تردید این نسخه‌های اخلاقی و یا رفتاری همان طور که در گفتار رهبری عزیز منعکس شده، ریشه در یک لایه عمیق‌تر، یعنی اعتقاد و باور دارد. عرصه اعتقاد و باور دو لایه دارد؛ لایه نخست حوزه تصدیقات یا باورهای ذهنی است که گاهاً به آن معرفت گفته می‌شود. لایه دوم، لایه‌ای عمیق‌تر از این تصدیق و معرفت است که در سنت دینی از آن به «ایمان» تعبیر می‌شود. این ایمان مربوط است به ساختارهای درونی شخصیت انسان که تمام حرکات، سکانات، رفتارها و حتی سجایای اخلاقی انسان را پوشش می‌دهد و بالاتر از آن، همان لایه‌ای است که به زندگی‌ویزیست دنیایی معنا می‌بخشد.

آموزه‌های دینی و اعتقادی در هر دو لایه پیش‌گفته از باورها مؤثر است، هم در لایه تصدیقات ذهنی و معرفت و هم در لایه ایمان و تصدیقات قلبی. امروزه بخشی از نظام‌های فکری بر این باورند که ایمان، همان لایه تصدیقات ذهنی است، اما در

استقلال و نفی سلطه در رویکرد فقهی - سیاسی آیت الله خامنه‌ای

ارائه کننده:

حجت الاسلام و المسلمین سید سجاد ایزدهی

معنویت محور، کشورهای مستضعف در مقابل کشورهای مستکبر و آزادی خواهی از نظام سلطه و استقلال است. با توجه به این رویکرد، نفی سبیل نه به مثابه یک سیاست کلان برای نظام اسلامی بلکه یک محور کلان برای اداره نظام جهان خواهد بود و از سطح خرد به سطح کلان و از سیاست خارجی به روابط بین الملل خواهد رفت و می‌تواند بر همین اساس، سبک جدیدی بر رویکرد تمدنی ایجاد کند که با رویکردهای دیگر تراحم و تمایز دارد و عملاً به جای سلطه بردیگران بحث مردم سالاری دینی را ارائه کند و نظام مردم سالاری دینی را به مثابه نظام ارزش سالار که دیدگاه‌های جهان را به رسمیت می‌شناسد، جایگزین نظام سلطه پذیر و سلطه گر نماید؛ از این رو، برای این که نفی سبیل با این رویکرد معنا شود و در این طراز حرکت کند، می‌بایستی گام‌های متناسب با این ادبیات برداشته شود؛ هر چند که ادبیات امروز نفی سبیل با این سطح از ایده فاصله دارد و رویکرد سیاسی و حکومتی این اصل تقویت نشده و از سطح یک سیاست در یک کشور به روابط بین الملل اسلامی و جهان توسعه پیدا نکرده و رویکرد تمدن گرایی برایش ایجاد نشده است که امید است بدین مرحله دست یابد.

امروزه در گام دوم انقلاب فضای مطرح شده از سوی رهبرانقلاب فضایی است که از جمهوری اسلامی ایران فراتر رفته و جمهوری اسلامی ایران به مثابه پوسته اصلی انقلاب اسلامی به بسیاری از کشورهای دیگر صادر شده و توسعه پیدا کرده است و مؤلف است در کشورهای دیگر، تنوع نگاهش را در سطح و طراز انقلاب مطرح سازد و الزاماتش را ملاحظه نماید. معنای الزامات آن است که با رویکرد تمدنی بدان نگریسته شود. انقلاب اسلامی ایران از ابتدا با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی» در مقابل دو رویکرد عمده تمدنی الحادی جهان قرار گرفت و با رسیدن به نقطه بدیعی، رویکرد نامحدود معنوی، سلطه ناپذیر و استقلال خواه را در مقابل دو قطب شرق و غرب مطرح ساخت. طبیعتاً اگر در امتداد چهل ساله دوم و رویکرد گام دوم انقلاب بحث سیاست گذاری کلان مدنظر باشد، به این معناست که نفی سبیل می‌بایستی در امتداد گام دوم انقلاب و رویکرد تمدنی قرار داشته باشد؛ از این رو، در گام دوم انقلاب بحث تمدن، توسعه و پیشرفت و ایجاد گفتمان انقلاب اسلامی در طراز جهانی مدنظر است و نفی سبیل و استقلال نیز در این طراز معنا می‌شود. نفی سبیل با این رویکرد به معنای نفی نظام سلطه در جهان، اقامه نظام

تحلیل گونه‌های معنویت گرایی در جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر احمد شاکر نژاد

شاید تمجید از افرادی مثل فیض کاشانی، نراقیین، شیخ محمد قزوینی و افراد معاصری مثل عزیزالدین خوش بخت و حائری شیرازی ناظر به همین معنویت کاربردی باشد. البته آفتی که برای این معنویت می‌توان بر شمرد آن است که ممکن است افرادی به طور غیردینی هم معنویت کاربردی داشته باشند. ایشان مثالی می‌زنند که ممکن است فردی از روی حب ناسیونالیستی این کارها را انجام دهد؛ یعنی برای دیگران خدمت کند، فداکاری کند، اما این معنویت درستی نیست، چون تقرب الهی در این وجود ندارد و برای خداوند نیست؛ یعنی معنویت کاربردی نیز ممکن است به نوعی به معنویت سکولار تبدیل شود. نقد دوم این که ممکن است به جاه طلبی تبدیل گردد و وقتی فرد به اجتماع کمک می‌کند، خودش را در این کمک کردن ببیند.

-شاکر نژاد: اگر بخواهیم مدل معنویت کاربردی را در بیانات رهبری پیدا کنیم، معمولاً در جاهایی که واژه «معنویت» رابطه هم نشینی و جانشینی با عباراتی چون بطن زندگی، حیات طیبه، ارتباط دائمی با خداوند، تکلیف محوری، نوع دوستی، مسئولیت پذیری و فداکاری پیدا کرده است، دیده می‌شود. این‌ها مواردی است که در آن‌ها می‌توان معنویت کاربردی را یافت. معنویت کاربردی علی‌رغم معنویت تارکانه و زاهدانه و معنویت عارفانه، معنویت را در خلوت یا ادبیات نخبگانی پی‌گیری نمی‌کند، بلکه می‌خواهد معنویت را در بطن زندگی پی‌گیری کند و عملاً در تجارب زندگی روزمره به دنبال معنویت است، نه در بافت خاص و ایزوله شده گلخانه‌ای. برای همین، این معنویت به زندگی دنیوی توجه می‌کند و به دنبال آن است که معنویت را در لابه لای زندگی که مردم به طور روزمره تجربه می‌کنند، بیابد.



عزت ملی و مناسبات فراملی جمهوری اسلامی ایران

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

دکتر رسول نوروزی فیروز

دکتر مختار شیخ حسینی

حجت الاسلام والمسلمین لک زایی: اگر بخواهیم مشکل اصلی در چهل سال اول (گام اول) و چهل سال دوم (گام دوم) را صورت بندی کنیم و محل اصلی منازعه را صورت بندی نماییم، به دوگانه عزت یا ذلت برمی گردد؛ یعنی گرفتار ذلتی بودیم و به دلیل آن، انقلاب کردیم، زیرا استبداد نوعی ذلت است و استکبار تحمیل شده بر ملت ایران هم ذلت بود. شعار «استقلال» ملت ایران به معنای نفی اتکا به بیگانه (آمریکا) و شعار «آزادی» به معنای نفی استبداد بود. استبداد، استکبار و استعمار، ذلت آفرین است و از شاخصه های این ذلت، کاپیتولاسیون بود که بر ملت ایران تحمیل شده بود. امام خمینی به این لایحه اعتراض کرد و نتیجه آن، تبعید حضرت امام بود. بنابراین مؤلفه عزت ملی می خواهد در پاسخ به این چالش ارائه شود. وضع تحریم و اعمال فشار، همه برای این است که ما تسلیم شویم. تسلیم شدن، همان دلیل شدن است؛ یعنی نتیجه تسلیم نتیجه ذلت می شود. تقابلی که در بیانیه گام دوم مطرح فرمودند که تقابل کنونی و آینده، تقابل اسلام و استکبار است. چیزی که استکبار می خواهد این است که ما تسلیم او شویم، چنان که از کشورهای دیگر نیز چنین مطالبه ای دارند.

چیزی که ما باید بر آن تأکید کنیم این است که زیر بار ذلت نمی رویم و از عزت خودمان پاسداری می کنیم. همان گونه که می دانید، عزت در سطوح مختلف خرد، متوسط، کلان، جهانی، منطقه ای، امت اسلامی و ملی قابل طرح است. تقریر من از مسئله این است که ایشان به دلیل اهمیت این مطلب بر عزت ملی تأکید کردند.

جایگاه قدرت ملی در بحث عزت ملی

-دکتر نوروزی: در بحث عزت ملی، اولین نکته ای که باید در نظر داشته باشیم این است که عزت ملی، مقدمه لازمش قدرت ملی است و بدون ایجاد آن، امکان دست یابی به عزت ملی پیدا نمی کنیم. قدرت ملی هم طی فرمولی به عنوان امر برساخته یا سیاسی اجتماعی در نظر گرفته می شود. این برساختگی به عنوان اثر مرکب است؛ به این معنا که ترکیبی است از کنش ضرب در جمعیت و ضرب در طول زمان.

قدرت ملی مهم ترین کارکردی که دارد این است که بازیگر را از چرخه ضعف و فقر به چرخه ثروت و قدرت و حرکت و کنش گری می برد؛ یعنی بازیگرانی که در نظام بین الملل اند و در روابط بین الملل کنش گری می کنند، دو طیف اند: عده ای در مسیر و در چرخه قدرت، کنش گری می کنند و الزاماً با فرصت ها و قوت ها مواجهند و عده ای در زیر بردار هستند و غالباً با تهدیدها و نقاط ضعف مواجهند. این وضعیت، طیفی است؛ یعنی بعضی به نقطه بالای هرم نزدیک اند و بعضی به نقطه پایین آن. تمام این معادلات به میزان قدرت ملی آن ها برمی گردد؛ یعنی به

میزان پای بندی و عدم پای بندی آن ها به اثر مرکب برخورد می کند. از مواردی که در بحث بیانیه گام دوم به آن پرداخته شده، این است که جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم به سمت دولت تمدنی خواهد رفت؛ یعنی دولتی که در حوزه پیرامونی دارای یک حوزه اعتبار تمدنی است و مؤلفه سوم عزت ملی را که نفوذ ناپذیری و سلطه ناپذیری در دولت های تمدنی است، محقق می کند؛ یعنی اگر بخواهیم سه عنصر را بر اساس بیانیه گام دوم در چهار دهه آینده ببینیم، لازمه آن، تقویت افتخار ما در نظام بین الملل است؛ یعنی هر چه جلوتر برویم، هم دولت و نیز جامعه ما به مؤلفه هایی دست پیدا می کند که می تواند به آن ببالد و به مراتب نسبت به قبل، از نظام بین الملل بی نیازتر خواهد شد و می تواند راه های نفوذ یا نفوذی ها را کنترل کند یا سلطه ناپذیری را تشدید نماید.

جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم پی گیر افزایش تصاعدی سطح عزت ملی خودش است. این امر نیازمند افزایش قدرت ملی است. قدرت ملی بر اساس فرمولی که عرض کردم اتفاق می افتد و سه عنصر افتخار، بی نیازی از دیگران و در نهایت، کنترل نفوذ و سلطه پذیری در نظام بین الملل، خروجی و پی آمدها و دست آوردهای رسیدن به سطح مطلوبی از عزت ملی است.

- شیخ حسینی: در سفری که به دانشگاه المنار تونس کردم، با تعدادی از دانشجویان دکتر بحث داشتم. یکی می گفت جمهوری اسلامی ایران برای من از دو منظر جذاب است: یکی این است که شما در ایران تصمیم درست و اشتباه زیاد می گیرید. از نظر من خیلی از تصمیمات اشتباه است، اما هیچ کس نمی تواند بگوید این تصمیمات را خودتان نگرفتید. جمهوری اسلامی مفهومی به نام «استقلال» را به ما ارائه کرده است. ما چیزی که در این جا نداریم، استقلال است. همه می دانیم که دیگران برای ما تصمیم می گیرند، اما اگر شما تصمیم اشتباه هم می گیرید، خودتان می گیرید. این را داخل ایران شاید هر چه بگوییم، خیلی نتوانیم مفهوم استقلال را منتقل کنیم، اما از منظر کسی که دارد از بیرون نگاه می کند، استقلالی که جمهوری اسلامی در مناسبات منطقه ای و بین المللی ارائه کرده، شاخص عزت مندی دارد. از منظر جنبش هایی که این تاریخچه بر آن ها گذشته و مجموعه ای از ناکامی ها را تجربه کرده اند، از چالش ها و آسیب هایی رنج می برند که مجبورند با بازنگری به جمهوری اسلامی ایران توجه کنند.

شاید تصور برخی از صدور انقلاب اسلامی و ارائه جمهوری اسلامی ایران تصحیح شود. این جنبش ها بحران هویتی دارند. الان می گوییم جمهوری اسلامی ایران پنج گام تعریف کرده است. آینده ما تمدن سازی است و الان در مرحله دولت سازی هستیم. مجموعه این ها اندیشه ور و نظام را از بحران هویت رها می کند، چون می داند تکلیفش با امروز چیست و به چه سمتی حرکت می کند. آن ها از این موضوع رنج می برند و هیچ چشم انداز روشنی در مورد آینده وجود ندارد. پروژه های بازنگری در جنبش های اسلامی معاصر هیچ چاره ای ندارد، مگر این که به تجربه جمهوری اسلامی مراجعه کنند. آن ها تمام تلاششان در تأسیس بوده، در حالی که جمهوری اسلامی مسئله اش در تداوم عزت مندانه است.



هم‌اندیشی تحلیلی تجربه و دستاوردهای نظام اسلامی در حوزه تفسیر و ترجمه قرآن و راهکارهای دستیابی به چشم‌انداز ترسیم‌شده در بیانیه گام دوم

ارائه‌کننده:

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود طیب حسینی

امکان دسترسی به هیچ مکانی را نداشته باشند، می‌توانند در محله، خانواده، و حتی در منزل خود بچه‌هایشان را تحت تربیت قرآنی قرار دهند. دوم این‌که خانم‌ها بخش بزرگی از جامعه هستند و تأثیرپذیری بالایی دارند و در تربیت فرزندان می‌توانند بسیار مؤثر باشند. ما آقایان نمی‌توانیم به اندازه خانم‌ها بچه‌ها را قرآنی تربیت کنیم. گمان می‌کنم باید برای ترویج و گسترش معارف قرآن و آموزش قرآن بین بانوان کشور فکری شود.

بعد از انقلاب اسلامی در حوزه ترجمه قرآن، حدود ۵۱ ترجمه باسبک‌ها و سلیقه‌های مختلف و با در نظر گرفتن مخاطب تولید شده است که کاری بسیار گران قدر است، همچنین تألیف در حوزه تفسیر نسبت به قبل از انقلاب فوق‌العاده گسترش یافته است، اگرچه قبل از انقلاب بعضی از عالمان ما وارد تفاسیر مهم اجتماعی هم شده بودند، مثل مرحوم علامه طباطبایی، مرحوم طالقانی و دیگران، اما بعد از انقلاب این‌گونه مطالعات، به ویژه در حوزه مربوط به اداره حکومت - یعنی تفسیری که اجتماعی و سیاسی باشد - بسیار گسترده شد. بعد از انقلاب، وارد حوزه‌های میان‌رشته‌ای شدیم و در زمینه مطالعات علوم انسانی دینی که نخستین منبع آن قرآن است؛ پیشرفت بسیاری داشتیم که یک نمونه را عرض می‌کنم.

با همه سترگی تلاش‌هایی که در طی چهل سال گذشته صورت گرفته است، اما اکتفا کردن به آنچه انجام شده و روالی که در حال پیگیری است، شاید به نوعی ظلم در حق قرآن و انقلاب و مردم باشد. در این میان، دو خلأ کلی به چشم می‌آید؛ نخستین خلأ به صورت کلام این است که آنچه تا امروز انجام داده‌ایم، از این پس، دیگر پاسخگوی نیازهای روزافزون جامعه ما و همین‌طور پاسخگوی انتظار متولیان دینی ما نیست. برای نمونه نباید این انتظار را داشته باشیم که در همه چیز علمای بزرگ خودشان وارد شوند و مشکلات را رهبری کنند. همان‌طور که مستحضر هستید، انتظارات علماء، چه رهبر معظم انقلاب و چه مراجع بزرگ که در سطح کلان هستند، همین‌طور خود دین، بیش از آن است که تا امروز انجام شده است، پس آنچه تا امروز انجام داده‌ایم؛ نه پاسخگوی انتظارات آن‌هاست، نه پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی‌مان.

ضرورت‌های گام دوم انقلاب در حوزه علوم قرآنی

در حوزه مخاطب باید به دو گروه نگاه کنیم؛ نوجوانان و قشر جوان. همان‌طور که می‌دانید کتاب‌های آموزش و پرورش ما جوابگوی ذهن بچه‌ها نیست. ما باید از روش‌های دیگری، مانند تجربه‌های علوم تربیتی استفاده کنیم و قرآن را زیباتر و قابل فهم‌تر به نوجوانان و جوان‌های خود (مخصوصاً در آموزش و پرورش) ارائه کنیم. نکته دوم این‌که برای گام دوم انقلاب در مورد خانم‌ها باید خیلی سرمایه‌گذاری کرد. به گمان من، طراحی برنامه‌ای که خانم‌ها در حوزه مطالعات قرآنی بیشتر و گسترده‌تر وارد شوند؛ به نوعی سرمایه‌گذاری زیربنایی برای کشور است. هر خانمی که وارد این حوزه شود، دیگر به شغل نیازی ندارد، انتظارات شغلی در خانم‌ها کمتر می‌شود و اگر



دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه سبک زندگی اسلامی و راه‌های دست‌یابی به افق ترسیم‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب

ارائه‌کننده:

حجت‌الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده

برای دست‌یابی به رکن اصلی تمدن نوین اسلامی یا هدف اصلی انقلاب اسلامی باید چه راه‌هایی را طی کرد؟ من در ابتدا به این نکته اشاره می‌کنم که این مسئله مسئله‌ای نیست که بخواهیم بگوییم با یک عامل یا چند عامل یا راهکار می‌توانیم به آن برسیم.

این موضوع دارای عامل‌های مختلفی است که اگر این عوامل در کار هم باشند، می‌توان به آن هدف دست پیدا کرد. مثلاً در ایامی که موضوع عفت و حجاب و پوشش در جامعه از سوی مراجع، نیروهای ارزشی، مقام معظم رهبری و حتی برخی مسئولان فرهنگی به عنوان یک دغدغه مطرح است، اگر رسانه ملی که از امتیاز برخوردار است از تعداد بالای بیننده بهره می‌برد برنامه‌هایی برخلاف تلاش برای نهادینه کردن حجاب نشان دهد، همه زحمات دغدغه‌مندان بی‌نتیجه خواهد بود یا کارایی کمی خواهد داشت. یا اگر در زمانی که با تحریم‌های گوناگون روبه‌رو هستیم و بر بحث رونق اقتصادی و کمک به همدیگر و توجه و یاری به همدیگر تأکید می‌شود، با اشرافی‌گری در میان قشری از مسئولین نظام یا بعضی از رهبران دینی و علمای دینی برخورد کنند، این سؤال مطرح می‌شود که کدام درست است؟ اگر آن فرد، عالم دینی است، پس اشرافی‌گری چیست؟ اگر حاکم اسلامی است، این زندگی چیست؟ بنابراین، با یک یا چند عامل نمی‌توان به این هدف بزرگ دست یافت. از همین رو، آخرین عاملی که ما مطرح کردیم جهاد همگانی و هوشمندانه است که حضرت آقا در آن‌جا می‌فرمایند این‌گونه نیست که فقط بسیجی‌ها به میدان بیایند، فقط علما و فرهنگی‌ها به میدان بیایند؛ این جهاد همه‌جانبه از سوی ملت و اندیشمندان و متصدیان فرهنگی و حاکمان و رهبران دینی و مردم است تا این موضوع محقق شود.^۱ همان‌طور که گفته شد، بخش اصلی بحث ما، راه‌های دست‌یابی به افق ترسیم‌شده است و ما توانستیم نه راهکار در این بخش ارائه دهیم که عبارتند از:

۱. اصلاح نگرش‌ها: وقتی ما سبک زندگی را بررسی کردیم، روشن شد چیزی که می‌تواند این سبک را تغییر دهد، بحث نگرش است. تا زمانی که نگرش‌ها در جامعه اصلاح نشود، امکان ندارد که بتوانیم سبک زندگی را تغییر دهیم. باید ابتدا در خود، خانواده، خاندان و سپس جامعه تغییر ایجاد کنیم. تا زمانی که نگاه انسان به خدا، زندگی، دنیا و آخرت اصلاح نشود، سبک زندگی اصلاح نخواهد شد.

۲. شناسایی آسیب‌ها و ارائه راه‌حل: مقام معظم رهبری به صورت جدی

در این بخش ورود پیدا کردند و فرمودند باید آسیب‌شناسی کنیم. ما باید همگی به خودمان در این زمینه نهیب بزنیم و باید کار و حرکت کنیم. ایشان نمونه‌هایی می‌آورد و من چند مورد را عرض می‌کنم. مثلاً فرمودند چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ضعیف است؟ چرا در برخی از بخش‌های کشور ما طلاق زیاد است؟ چرا جوان‌ها به مواد مخدر روی آوردند؟ چرا روابط همسایگی ضعیف شده است؟ چرا صلح رحم ضعیف شده است؟ و چندین چرا که این‌جا مطرح کردند.^۲

۳. تقویت ایمان و باورهای دینی

۴. عمل به آموزه‌های دینی از سوی رهبران و عالمان دینی

۵. مدیریت صحیح استفاده از رسانه

۶. اسلامی شدن برنامه رسانه‌ها

۷. عمل کردن حکومت به وظایف خویش که عبارت است از:

الف: رعایت آموزه‌های دینی در سبک زندگی حاکمان

ب: تدوین قوانین مناسب با اسلامی شدن سبک زندگی

ج: انتخاب مجریان متعهد و متخصص و عامل

د: ایجاد مراکز نظارتی سالم

و: اجرای عدالت در تقسیم امکانات

ز: ترویج و احیای ارزش‌های اسلامی

ح: مبارزه با هنجارشکنان و ترویج‌کنندگان سبک غربی

ط: تقویت و حمایت مراکز فرهنگی و آموزشی

۸. تقویت مسئولیت اجتماعی و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

۹. ترویج فرهنگ جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه

متأسفانه برخی دفتر تبلیغات را به کم‌کاری متهم می‌کنند، در حالی که اولین مرکز بزرگ فرهنگی که فرمایشات آقا را رصد می‌کند و در راستای فرمایشات ایشان با درک دغدغه‌های معظم له فعالیت‌های متناسب را هم ارائه و اجرا می‌کند، دفتر تبلیغات اسلامی است. دفتر تبلیغات چند قطب دارد که مهم‌ترین تصمیم‌گیرندگان دفتر هستند. یکی از قطب‌ها، به خانواده، اخلاق و سبک زندگی اختصاص داده شده است و علاوه بر این، یک میز تخصصی در مورد سبک زندگی در نظر گرفته شده تا تمام مباحث در این عرصه رصد شود و سپس راهکارهایی برای رفع معضلات تدوین و به جامعه و نظام عرضه شود.

۲. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳، نشانی دسترسی: khamenei.ir.

۱. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳، نشانی دسترسی: khamenei.ir.

عدالت فرهنگی: عدالت فرایندی در سیاست‌گذاری فرهنگی

ارائه کننده:

دکتر کیومرث اشتریان

و دین‌داری مردم آسیب نرساند. این‌ها بحث دیگری است، اما اصل بر این است که فرد، آزاد از حرف‌زدن باشد، نه برعکس آن. بنابراین وقتی می‌گوییم فضای گفتگمانی وجود داشته باشد؛ یعنی گفتگان عمومی جامعه و جو عمومی جامعه این منظومه مفهومی حق فرد را به رسمیت بشناسد. منظومه مفهومی حق سخن‌گفتن و بیان‌کردن را اصل بداند، نه این‌که فقط تصدیق کند و برای قضاوت‌های ما اصل باشد؛ یعنی یکی از معیارهای اصلی قاضی این باشد که وقتی متهم را می‌آورند، حق حرف‌زدن داشته باشد. این فرد، آدم است، خدا به او آزادی داده است، می‌تواند حرف بزند. بنابراین فرایندهای قضایی شما، فرایندهای دستگاه قضایی شما هم قابل بحث و قابل خدشه و قابل گفت‌وگوست. بنابراین وقتی می‌گوییم فضای گفتگمانی، گفتگان مدیریتی، گفتگان اجرایی، گفتگان تقنینی، همه باید برای معماری نظامات اجتماعی به یک فرهنگ مشترک مدیریتی مبنی بر تصدیق عدالت فرایندی در سیاست فرهنگی رسیده باشند. پس سیاست فرهنگی فقط در دستگاه‌های فرهنگی تولید نمی‌شود. شما باید سراغ سیاست‌گذاری قضایی بروید و از آن طرف کار را پی‌گیری کنید. سیاست‌گذاری قضایی، فی‌نفسه یک سیاست‌گذاری فرهنگی است؛ فرهنگ به معنای کشف معنای عمل انسانی، فرهنگ به معنای زندگی عمومی و اجتماعی، روش زندگی ما.

سیاست فرهنگی همان سیاست آزادی سخن و آزادی گفت‌وگوست. اصلی‌ترین جایی که سیاست فرهنگی - که آزادی سخن و آزادی گفت‌وگو است - محقق می‌شود، در وزارت ارشاد اسلامی و دستگاه‌های فرهنگی نیست، بلکه در دستگاه قضایی است.

بنابراین جایی که عدالت فرایندی محقق می‌شود، دستگاه قضایی است و سیاست قضایی ما مبنی بر تضمین این قرارداد- سخن‌گفتن اصلی‌ترین سیاست فرهنگی - است. بنابراین قوه قضاییه، سیاست فرهنگی را تضمین می‌کند و قانون هم آن را تکلیف می‌کند. این سیاست‌گذاری فرهنگی از حیث عدالت فرهنگی می‌شود.

... سیاست فرهنگی، سیاستی است که به عدالت فرایندی و عدالت فرایندی به سخن‌گفتن و گفت‌وگو معطوف می‌شود. در واقع تعیین تکلیف ما با چیزی به اسم سیاست آزادی است. سیاست فرهنگی همان سیاست آزادی، آزادی گفت‌وگوی اجتماعی، آزادی عمل به سلیقه خاص خود و تسامح نسبت به رفتارهای متفاوت است. سوال این است که مهم‌ترین ابزار سیاست آزادی، سیاست فرهنگی، عدالت فرهنگی چیست؟ شما در ابزارهای سیاست‌گذاری عمومی، ابزارهای متعددی می‌بینید، یا رویکردهای متعددی وجود دارد. استفاده از رویکرد خانواده یا ابزار خانواده، استفاده از ابزار بخش خصوصی، استفاده از شرکت دولتی یا شرکت خصوصی، استفاده از نیروی نظامی، استفاده از ابزارهای تعرفه و گمرکی، استفاده از مالیات و تخفیف مالیاتی و غیره، هزینه مستقیم دادن، یارانه دادن و... همه این‌ها ابزارهایی است که در سیاست‌گذاری عمومی وجود دارد. آیا در سیاست‌گذاری فرهنگی هم همین ابزار است؟ می‌تواند این‌ها هم باشد به مصداق و مورد خاص، اما چیزی که مهم‌تر است، ابزار گفتگمانی است که روح و مبنای سیاست‌های ما را تشکیل می‌دهد؛ یعنی می‌تواند حاکم بر همه این‌ها باشد. این ابزار گفتگمانی، آزادی فرد و گروه در سخن‌گفتن و گفت‌وگورا تضمین می‌کند. نخست باید این فضای گفتگمانی بین مدیران و قضات و نمایندگان و آحاد جامعه شکل بگیرد که حق فردی بر سخن‌گفتن و آزادی فردی در سخن‌گفتن به مثابه حق فرهنگی و عدالت فرایندی در حوزه فرهنگ بازشناسی و تصدیق شود؛ یعنی مبنای قضاوت و محاکمه این باشد. اصل این است و بقیه فرع است. همان‌طور که می‌گوییم اصل این است که ثبات حکومت حفظ شود، اصل این است که دین حفظ شود، یکی از اصول این است که فرد بتواند حرف بزند. طبیعی است اعتقاد نداریم این فرد به همان اندازه حق دارد که دین هم حق دارد، ولی فعلاً یک مبنا را داریم. می‌گوییم این حق باید بازشناسی و تصدیق شود تا جایی که به دین



شاخصه‌های معنویت اسلامی در راستای تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین باقر طالبی دارابی

دکتر بهزاد حمیدیه

به دنبال حسن و قبح هستیم و می‌خواهیم افعال ما حسن شویم، همه افعال و رفتارهای ما مبتنی بر حسن شود؛ اما در معنویت ما یک نوع ارتباط و وصل شدگی و تقرب و فراترفتن و تعالی را دنبال می‌کنیم؛ تعالی از مادیات، تعالی از چیزی که من اسم آن را ماتریالیسم دین دارانه می‌گذارم.

دین داری عادت محور که حاکمیت روزمرگی در دین داری است که ما طبق عادت به استمرار دین داری بپردازیم. البته خود همین عادت هم خوب است، یعنی ما نمی‌گوییم که بد است، یعنی نمی‌خواهیم بگوییم نامطلوب است، ولی معنویت این نیست. معنویت این است که ما یک دین داری زنده انجام دهیم. همان طور که کسانی که نوکیشی برای آن‌ها اتفاق می‌افتد، مثلاً از مسیحیت وارد اسلام می‌شوند، روزها و سال‌های اول بسیار برای آن‌ها خاص است، نمازهای آن‌ها خاص است. ما باید چنین ترو تازگی را در هر نماز و هر عمل عبادی و در هر ذکری تجربه کنیم. این معنویت است، یعنی تعمیق دین داری در زندگی روزمره خودمان.

دین داری اسطوره‌ای هم در واقع با معنویت سرناسازگاری دارد. این که ما یک تفکر اسطوره‌ای را در رابطه با مفاهیم دینی داشته باشیم، حتی در مورد مفهوم خدا، نگرش‌های اسطوره‌ای و خرافی در مورد تأثیر مابعدالطبیعه بر طبیعت، رابطه انسان‌های برجسته مثل اولیا با عالم مابعدالطبیعه، فرشته‌ها، انبیا، بهشت و دوزخ که شبیه به همان ذهنیت ظاهراندیش (dedniM laretiL) آلپورت یک نوع ذهنیت خشک اندیش است.

به هر حال من برای نزدیک شدن به مفهوم معنویت اسلامی آن را با دو چیز پیوند زدم؛ یکی کلامی از امیرالمؤمنین است که عناصر خیلی قابل توجهی را در آنجا بیان فرمودند که می‌تواند راهگشا باشد و دیگری مراتب سیر و سلوک مرحوم بحر العلوم در رساله سیر و سلوکشان که ۲۱ مرحله و ۲۱ عالم را برمی‌شمارند. آنجا بنده تطبیق کردم که معنویت در مرتبه اول و دوم و سوم آنجا منطبق نمی‌شود، بلکه از مرحله چهارم یا عالم چهارم به بعد می‌توانیم معنویت را بر آن اطلاق کنیم. من تلاش کردم مقداری این مفهوم را هم بومی کنم و ببینیم در قالب الفاظ و مفاهیم عرفای خودمان و بزرگان اخلاقی خودمان معنویت به چه معنا بوده است.

- طالبی دارابی: در ایران یک گفتمان معنویت‌گرایی را در کنار دو گفتمان سکولاریا علمی و گفتمان دینی تجربه می‌کنیم، اگرچه گفتمان معنویت‌گرا به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی، با وجود شاخصه‌های زبانی خودش هنوز به مرحله‌ای که نیمه هژمونیک باشد، نرسیده است. لذا باید گفتمان زبانی معنویت اسلامی تقویت شود و از طرف دیگر معنویت بومی اسلامی رشد پیدا کند و معنویت در سطح گفتمان و با شاخصه‌های زبانی خاص خودش در جامعه مطرح شود، چون جوانان هنوز با زبان معنویت آشنا نیستند، زبانی که در ایران در حوزه معنویت به کار می‌رود، بیشتر زبان گنگ عرفانی است. این مفاهیم نمی‌تواند هویتی را اثبات و تولید کند؛ لذا گروه‌پیرامون معنویت‌گرایی اسلامی شکل نمی‌گیرد، چون زبان، زبان گنگ و برگرفته از سنت تصوف یا برگرفته از سنت دینی سنتی است که گاهی اوقات در قالب ایدئولوژی بیان می‌شود و گاهی اوقات در قالب آموزه‌های سنتی؛ و از یک حالت متعادل که بتواند هویت‌سازی کند، خارج شده است.

واژه‌شناسی «معنویت»

- حمیدیه: اگر ما دنبال کردن و جست‌وجوی را در افراد تقویت کنیم و بعد بگوییم این معنویت شما باید قالب و صورتی داشته باشد و بعد وارد بحث صورت دین داری شویم، این فرد دین داری را با عقلانیت می‌فهمد و خود این عقلانیت می‌شود. معنویت، واقعاً عقلانیت می‌آورد. به تعبیری من در کلاس‌ها می‌گفتم که عرفان، اسطوره‌زداست - البته توضیحی دارد - به هر حال دین داری جزم‌اندیشانه را ما باید واقعاً از معنویت جدا بدانیم.

دین داری عقل محور صرف که معنویت واقعاً این نیست. آندره ییل در کتاب حیات‌معنوی چند وجه می‌شمارد و یکی این است که معنویت نیازی به استدلال‌های خیلی پیچیده ندارد. شما نباید ملاحظه و استدلال‌های او را بدانید، البته این‌ها حتماً خوب است ولی این که ما جامعه را مشروط کنیم که این‌ها را بخوانند، چنین چیزی الزاماً منجر به معنویت نمی‌شود و معنویت الزاماً این نیست. در واقع دریافت شهودی و قلبی است.

دین داری اخلاق محور صرف. در این زمینه خلط زیادی می‌شود و گاهی می‌بینیم که اخلاق، قواعد اخلاقی، رعایت قواعد اخلاقی معنویت معنا می‌شود. در مراکز دیگری بحث داشتیم که بالاخره این‌ها جدا از هم هستند یا یکی هستند، ولی واقع این است ما از ساحتی در معنویت پژوهی صحبت می‌کنیم که مفهوماً غیر از مفهوم اخلاق است. ما در اخلاق ورزی

معنویت اسلام و چالش‌های جهان معاصر در راستای تحقق گام دوم

ارائه کنندگان:

دکتر محمد جواد رودگر

حجت الاسلام والمسلمین محمد شیخ الاسلامی

- رودگر: براساس مبانی چهارگانه، ما فطرت، غیب، قرب وجودی با معنای خودش و زبان عبارت و اشارت داشتیم که می‌توانست زبان باطنی و تاویلی را به خودش اختصاص دهد. سؤال این است که معنویت براساس این مبانی به چه معناست؟ براساس این مبانی، در فرهنگ و معارف دینی اسلامی، من فکر می‌کنم که معنویت اعتقاد به خدا است و بُعد اندیشه‌ای و بینشی دارد که ناظر به غیب و فطرت است. چون گفتیم فطرت، خداگرایی خداشناس است و غیب، گرانگه و اصل الاصول آن مبدأ است، چون معاد هم به مبدا برمی‌گردد. همچنین ارتباط با خدا در این مقوله، بعد انگیزه‌ای و گرایش‌دهنده دارد و ارتباط با خدا هم براساس مصادیقی است که اتفاقاً در قالب شریعت است. شریعت، در این جایبیشتر به معنای خاص کلمه که متناظر به معنای عام کلمه است. مثلاً می‌گوییم نماز، روزه و بیشتر مناسک است و دعا و بعد ارتباطات بیشتر و توبه را در برمی‌گیرد. ارتباطی که با خدا داریم، یاد خدا و یاد زبانی و قلبی و عملی و ذکر عملی که خیلی هم مهم است - را شامل می‌شود؛ با مصادیق و نمادها و نمونه‌های مختلفی که دارد. پس اعتقاد، ارتباط و عمل است که بعد کنشی و انگیزه‌ای دارد. ما معنویت را صرف اعتقاد و ارتباط نمی‌دانیم؛ بلکه در اثر آن اعتقاد و ارتباط بعد اندیشه‌ای و بینشی، انگیزه‌ای و گرایش‌دهنده و سپس کنشی و انگیزه‌ای پیدا می‌کند. چون وقتی می‌گوییم «یؤمنون بالغیب»، ایمان، براساس معرفت دینی ما «معرفه بالقلب، اقرار باللسان و عمل بالارکان» است. یعنی شامل ابعاد مختلف می‌شود و کنش‌گرایی انسان را در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی شامل می‌شود؛ در نتیجه معنویت، چیزی است که در فضای فرهنگ دینی و اسلامی می‌توان به آن دست پیدا کرد، براساس اعتقادات و ارتباط و عمل - با توجه به آنچه عرض کردم - خواهد بود و در واقع براساس این دیدگاه، ما معنویت منهای خدا، منهای دین و منهای عمل صالح نداریم.

گونه‌شناسی بحث از «معنویت» در بیانیه گام دوم انقلاب

- شیخ الاسلامی: در بیانیه گام دوم، معنویت به سه عنوان استفاده شده است:

۱. یک ویژگی فطری و شعاری: یعنی شعار انقلاب به عنوان یک شعار فطری انقلاب در بیانیه مطرح شده است. رهبری در بخش اول که تاریخ انقلاب را

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۸.

بررسی می‌کنند، به این معنا توجه دارند.

۲. یک ویژگی انقلاب بیان شده است، نه ویژگی شعار. یعنی یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب در دنیای معاصر، نه به مثابه یک شعار، بلکه به عنوان یک اقدام، ترویج معنویت در دنیا بوده است.

۳. سومین استفاده، یک توصیه است. یعنی یکی از توصیه‌های شش‌گانه ایشان بعد از علم و پژوهش، بحث معنویت و اخلاق است. بنابراین سه استفاده، شعار، اکت یا اقدام و آرزو یا توصیه یا نگاه تجویزی در بیانیه گام دوم داریم که به نظر خود این سه‌گانه قابل توجه است و اگر می‌خواهیم نکته‌ای بگوییم که مبتنی بر بیانیه باشد، خوب است که به این توجه کنیم. معنویت، مثل سبک زندگی است؛ یعنی سبک زندگی در تاریخ زندگی بشر وجود داشته است و هیچ وقت نبوده که ما سبک زندگی نداشته باشیم. هر کس هر زندگی داشته، به سبکی زندگی می‌کرده است. کتاب‌هایی که توصیه‌هایی در اسلام در حوزه سبک زندگی دارند، فوق‌العاده زیاد است؛ اصلاً اسلام خودش یک سبک زندگی است. اما امروز وقتی واژه سبک زندگی استفاده می‌شود، به عنوان یک واژه نو استفاده می‌شود؛ با معنای قراردادهای خودش. معنویت هم همین‌گونه است؛ به عبارت دیگر گاهی نگاه هستی‌شناختی در طول زندگی بشر به آن داریم. همان‌طور که آقای دکتر رودگر هم فرمودند، معنویت اصلاً قابل انفکاک از انسان نیست. گذشته انسان، معنویت است و مدام به دنبال این بوده است، حالا با هر تعریف سنتی که وجود داشته است. اما معنویت، امروزه یک واژه است؛ واژه‌ای که به شکل شاید متفاوتی در قالب یک تعریف قراردادهای جدیدی مطرح شده است. امروزه بیان می‌شود که سخن مصطفی ملکیان، نظریه معنویت است، درحالی‌که نظریه معنویت یعنی هر کس ممکن است نظریه معنویت داشته باشد، اما بالاخره از باب علم و اصطلاح شدن است. به نظر می‌رسد که این موضوع قابل تأمل است و ما باید روشن کنیم که الآن در مورد کدام معنویت صحبت می‌کنیم. معنویت به مثابه یک واقعیت در طول تاریخ زندگی بشر یا معنویت به مثابه یک واژه در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم. به هر حال، تعاریف معنویت را وقتی بررسی می‌کنیم، معنویت را به فعالیت یا رویکرد تعریف می‌کنند یا معنویت را مساوی با دین می‌بینند. البته نمی‌خواهم بگویم که استقرای تمام و تام کردند، ولی تا حدودی می‌توانیم چنین نگاهی داشته باشیم. بخش‌هایی که معنویت به معنای غایت یا هدف یا شبیه اینهاست، معمولاً مساوی با دین است و خیلی با دین فرقی ندارد.



معنویت و گام دوم انقلاب اسلامی، در راستای تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر هادی صادقی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی علیزاده

- صادقی: یک انسان معنوی با فرهنگ انقلابی فکرمی کند که آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ تعطیل نشده است و امروز هم باید مصداقش را پیدا کنیم و همچنان به دنبالش باشیم؛ چون فرموده است، «ولی» شما این است؛ یا آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»^۲ و «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ»^۳ تمام نمی شود؛ یعنی اعتقاد ما این است که انسان اگر روی گردانی کند و ولایت الله و رسول را نپذیرد، نتیجه آن کفر و خروج از دین است؛ یعنی ولایت اساس دین داری است. آیات متعدد دیگر نیز در این موضوع وجود دارد؛ مانند «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا»^۴ و «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ تُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»^۵؛ یعنی اگر کسی از رسول جدا شود، عاقبتش جهنم است.

بایسته های معنویت شیعی انقلابی

این معنویت با تفسیری که امام و رهبری معظم انقلاب داشتند و دارند، یک معنویت جهادی است و در واقع انسان های جهادگرا تربیت می کند؛ یعنی این معنویت بر بستر مجاهدت حاصل می شود. یک جهاد همه جانبه، باموالمهم و انفسهم. به آنچه بیرون و درون خودشان است و آنچه که سرمایه انسان است و در راه خدا مجاهدت می کند و نه برای زندگی؛ به عبارت دیگر برای خدا، برای تعالی و برای رسیدن به همان عالم قدس، جهاد فی سبیل الله دارد. این جهاد فی سبیل الله دقیقاً همان چیزی است که گفتیم بر محور قدسیت و برای تقرب به خداست. جهاد به معنای آن است که انسان تلاش فراوان کند؛ یعنی همه زندگی را معطوف به خدا کند و هدف گیری خودش را آنجا قرار دهد.

در بیانیه، به تفکیک اخلاق و معنویت توجه شده است؛ زیرا بعضی به این مسئله توجه ندارند. بعد هم می فرمایند، شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می آورد که بی گمان محتاج جهاد و تلاش است؛ یعنی این فراروی، بیهوده و آسان حاصل نمی شود و طبیعتاً بدون همکاری حکومت ها، توفیق چندانی هم نخواهد داشت.

۱. مائده، آیه ۵۵.

۲. نساء، آیه ۵۹.

۳. آل عمران، آیه ۳۲.

۴. نساء، آیه ۸۰.

۵. نساء، آیه ۱۱۵.

*در گام دوم انقلاب ما از حکومت سازی عبور کرده ایم

-علیزاده: در گام دوم که گام بالندگی و توسعه انقلاب اسلامی است، من فکرمی کنم که ما از حکومت سازی عبور کرده ایم و باید به جامعه سازی و تمدن سازی پردازیم...

وقتی به تمدن سازی می اندیشیم، افشار هدف ما فقط شیعه نیستند و الزاماً مسلمان نیستند. ما باید نسخه های جهانی برای شهروند جهانی داشته باشیم؛ یعنی یک نوع فراروی از معنویت اسلامی و معنویت اهل بیتی که خطابش به ناس است، داشته باشیم. این نسخه باید آن چنان مغناطیس پر قدرت و پرجاذبه ای داشته باشد که براده های دل های جهانیان را به سمت خود متوجه کند. در عرصه تمدن سازی باید معنویتی تولید شود که قواره تمدن اسلامی باشد و گنجایش و ظرفیت تمدنی داشته باشد که مباحث مفصل دارد.

نکته دیگر اینکه در دنیای مدرن و وضعیت کنونی، نقطه عزیمت و دست بالاتر و ابزار برتر در هویت سازی چیست؟ حرکت از باورها و شناخت ها به لایه رویین زندگی یا حرکت از لایه رویین و نمادها و کنش ها به لایه زیرین هویت؟ به نظرمی رسد که امروز، ما دچار جنگ پارتیزانی و جنگ چریکی نمادها هستیم. در فضای مجازی نبرد گفتمان ها، جنگ چریکی نمادها و جنگ نشانه ها اتفاق می افتد. امروز نشانه ها، کنش ها و منش ها در سبک زندگی، بیشتر هویت ساز هستند. کسی گفته بود، آن گونه که می اندیشی زندگی کن، وگرنه آن گونه که زندگی می کنی، خواهی اندیشید. این اتوبان دوطرفه است؛ یکی از این طرف و یکی از آن طرف. «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا الشُّؤْمَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ». کنش ورزی و چینش اجزای زندگی، تراز زندگی ما را به یک نوع هویت و باور می کشاند.

نکته آخر اینکه ما باید معنویت را تراز سبک زندگی، تولید و به تن مخاطبین کنیم؛ یعنی باید برای ریزعرصه های سبک زندگی انسان نسخه معنویت تولید شود و پیام داشته باشد و اجراپذیر باشد؛ وگرنه به صرف گفتن و در مبانی، مبادی و لایه های نظری عمیق غور کردن، در تربیت معنوی امت، کمتر کارگر خواهد بود تا زمانی که ما بتوانیم چیدمان عناصر زندگی و حیات اجتماعی و فردی را بیشتر به سمت یک گفتمان معنوی و حیات معنوی بکشانیم.

توسعه فقه پس از انقلاب اسلامی: ارزیابی بایسته‌ها و نقشه راه، در راستای تحقق بیانیه گام دوم

ارائه کنندگان:

آیت الله سید احمد حسینی خراسانی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حمید جزایری

می‌کند. ظرفیت هم توسعه پیدا می‌کند. توسع گاهی قهری است و پیش می‌آید، ولی چیزی که مورد بحث ماست، بحث توسعه است؛ یعنی توسعه ارادی، اختیاری، هدفمند و مدیریت شده است.

لزوم مفهوم شناسی «فقه»

- جزایری: نکته اول اینکه، من احساس می‌کنم در بحث از رابطه فقه و انقلاب اسلامی و توسعه فقه، ابتدا باید خود فقه را تعریف کنیم. مقصود از فقه چیست؟ آیا مقصود از آن، دانشی مانند سایر دانش‌ها، با آن نظام و ساختار خود دانش است؟ ممکن است بگوییم مقصود از فقه، شریعت است؛ به عبارت دیگر، فقه به معنای عام که اعم از بحث‌های احکام است و حتی بحث‌های اعتقادی و اخلاقی را در بر بگیرد. ممکن است منظور از فقه فرایند استنباط و اجتهاد باشد. طبیعتاً این بحث مفهومی، در ادامه بحث بالجملة موثر است. حتی ممکن است برداشت یا ترجمه دیگری از فقه ارائه شود. همان‌طور که اشاره فرمودند، در طول تاریخ باوجود محدودیت‌هایی که فقهای امامیه داشتند و با وجود فرازونشیب‌ها، فرایند حرکت، از جهاتی چون ابواب و مسایل و تعمیق ادله و مبانی روبه رشد بوده است؛ به ویژه برخی تک چهره‌ها درخشش خاص و تاثیرگذاری ویژه در این زمینه داشته‌اند؛ مانند مرحوم شیخ مفید، مرحوم محقق کرکی، شهیدین، مرحوم محقق نایینی، مرحوم صاحب جواهر و حتی برخی آرای مرحوم شیخ طوسی که شاید در نگاه امروز خیلی آرای روشنفکرانه‌ای محسوب شود.

البته این جریان قالب فقه نبوده است. می‌دانیم که مرحوم شیخ در بحث عیوب مجوز فسخ نکاح، «خنثی غیرمشکله» را از مجوزات فسخ می‌داند و دلیلش را می‌فرماید: «لنفره؛ به دلیل ایجاد نفرت»؛ اگرچه ایشان جاهایی دیگر نمی‌پذیرد، ولی در یک جا به این دلیل استناد می‌کند؛ یعنی افقی خاص داشته است، ولی طبیعتاً این نگاه وافق، غالب بر فقه ما نبود. باوجود محدودیت‌هایی که فقه ما داشت، اینکه محقق کرکی در زمان شاه طهماسب مامور شود با همراهی جمعی از تلامذه خود، برای تدوین قوانین صفویه اقدام کند، یک جهش خوب بوده است یا تالیف مرحوم نایینی که پایه بسیاری از بحث‌های بعد بود، از جریان‌های تاثیرگذار است.

پس از آن به نقطه انقلاب اسلامی و مرحوم امام می‌رسیم که بدون تردید از فقهای شاخص تاثیرگذار در روند روبه رشد فقه و تحول ساز بوده‌اند. البته باید بگوییم خدمات متقابل فقه و انقلاب یا رابطه متقابل فقه و انقلاب؛

- حسینی خراسانی: این روایت را جناب شیخ کلینی در کافی و جناب شیخ طوسی در تهذیب، با سندی معتبر، از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از احمد بن محمد بن ابی نصر بنظمی و او از محمد بن سماعه صیرفی و ایشان از سماعة بن مهران نقل می‌کنند: «قال قلت لابی عبدالله، إذا كثرت الناس بمنی وضائق علیهم کیف یصنعون؟ فقال: یرتفعون الی وادی محسر. قلت: فإذا كثروا بجمع آی بلمزلفه والمشعر وضائق علیهم، کیف یصنعون؟ فقال: یرتفعون الی المأزمین. قلت: فإذا كانوا بالموقف وكثروا وضائق علیهم، کیف یصنعون؟ فقال: یرتفعون الی الجبل.»

اگر امام فرمودند که «حوزه‌های علمیه همواره چند قدم جلوتر از حوادث، همیای عکس‌العمل مناسب باشند»، از این روایت استفاده می‌شود که حوزه‌های علمیه مشخصاً با محوریت فقه و فقاہت، همواره باید قرن‌ها همیای آماده ساختن پاسخ به پرسش‌ها و نیازها و مطالبات پیش رو باشند. ملاحظه می‌فرمایید که در هزار و سیصد سال پیش، باوجود شرایط آن روزگار، عدم وجود وسایل نقلیه و امکانات مالی و معیشتی، چنین فرضی که روزی موقفی مانند سرزمین مقدس عرفات یا وادی مشعر الحرام پاسخ‌گوی حجم زیاد حج‌گزاران نباشد، بحث عجیبی است و فتانت و هوشمندی فقیهی چون سماعة را اثبات می‌کند. گاهی ممکن است سوال شود که اگر روزگاری بشر به کره راه یافت، برای صوم و صلاه باید چه کند؟ خیلی‌ها می‌گویند این اصلاً مورد ابتلا نیست. اگر سوال‌کننده با ادبیات حوزوی آشنا باشد، می‌گوید فرض محال که محال نیست. برخورد امام صادق (ع) جالب است که به سماعة بن مهران نفرمود، این چه سوالی است که شما می‌کنید و آن جمعیتی که مشعر و منا و عرفات پاسخ‌گوی آن‌ها نباشد، کجاست؛ امام از سوال استقبال می‌کند و به نحوی او را تایید می‌کند و پاسخ می‌دهد؛ بنابراین نه تنها چند روز، چند هفته، چند ماه و چند سال، بلکه باید قرن‌ها، پیشاپیش حوزه‌های عظیم علمی فقهی و علما و فقهای بزرگ این آمادگی را در خودشان داشته و به این ظرفیت وجودی ایمان داشته باشند که برای چنین روزی بی‌جواب نباشند.

من افزون بر او توسعه، از توسعه استفاده می‌کنم؛ چون در روایتی از ابن عباس است که گفت: اگر منا بر اثر کثرت جمعیت پاسخ‌گو نبود و گنجایش نداشت، چه باید کرد؟ پیامبر (ص) فرمود: «إنّ منّا یتوسّع کما یتوسّع الرحم؛ ما توسعه نمی‌دهیم؛ خود به خود، مانند جنین در رحم مادر تدریجاً رشد



از فقه، احیای یک سری مفاهیم مانند اختیارات مطلقه دولت اسلامی یا مصلحت اجتماعی و تقدم آن بر مصالح افراد و بحث مصالح اجتماعی به عنوان مهمترین معیار در حکومت در زمان غیبت است.

تعبیر حضرت امام این است که فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع، از گهواره تا گور است. البته روشن است که شرایط جدید با قواعد و ساختاری که در اختیار داریم باید محل گفت و گو قرار بگیرد که قابل تأمین است یا نیست.

نکته آخر اینکه اگر از مسئله تعریف فقه عبور کنیم، باید روشن شود که کارایی فقه از نظر انسان و کاربرد فقه از نظر فقهی که مشغول اجتهاد است، چیست؟ آیا نگاه امام را دارد که فقه تئوری اداره انسان و اجتماع، از گهواره تا گور است یا اینکه حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه است و فقه باید خودش را به آن حکومت تبلور و بروز بدهد؟ یا فقه برای پاسخ‌گویی به معضلات جامعه باید در عرصه فرد و جامعه پیاده شود؟ با باید فقه را دور از فضای نظام حکومتی و پاسخ‌گویی و این نگاه دید؟ اگر دیدگاه امام پذیرفته شود، نشان می‌دهد که با وجود مجالی که انقلاب برای فقه و فقها ایجاد کرد، تا آن نقطه مطلوب فاصله‌ای طولانی داریم. اینکه چرا نتوانستیم در این چهل سال به آن نقطه مطلوب نزدیک شویم، و اینکه چه کارهایی باید انجام شود تا بتوانیم به این آرمان و هدف از فقه که در واقع انقلاب برای فقه و فقها فراهم نمود، برسیم، بحثی است که در فرصتی دیگر عرض می‌شود.

زیرا از یک سو انقلاب اسلامی مرهون فقه و اجتهاد و نظام اجتهادی است؛ یعنی مرحوم امام به عنوان یک فقیه، مبتنی بر مبانی اجتهادی و فقه‌تبی به شورش علیه رژیم ستمشاهی فرمان داد و لوازم آن را هم به عنوان یک فقیه پذیرفت، نه یک سیاستمدار و انقلابی به معنای نظام‌های غیردینی؛ یعنی اگر فرمان می‌داد به خیابان‌ها بریزید، ولو کشته شوید، همان زمان تعدادی از عالمان دیگر می‌گفتند که این کار مجاز نیست و قتل نفس است و مشروعیتی ندارد، ولی ایشان با کمال صراحت این را می‌پذیرفت؛ به این دلیل که مبتنی بر اجتهاد و نگاه خودش بود. پس انقلاب اسلامی مرهون فقه یا استنباط‌ها و اجتهادهای یک فقیه بود؛ از سوی دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی مجال و عرصه جدیدی در مقابل فقه و فقها فراهم شد که قبل از آن به این وسعت نبوده است. در زمان صفویه هم حرکت بسیار خوبی انجام شد که - در کنار نقاط ضعف و کاستی‌ها - شیعه در ایران باید تا حدودی خود را وام‌دار آن حرکت بداند، ولی بی‌تردید نقشی که بعد از انقلاب اسلامی به فقه، فقه‌تبی و فقها داده شد، در هیچ برهه‌ای سابقه نداشته است. البته اینکه آیا حوزه‌های علمیه و فقها توانستند به خوبی از این فرصت استفاده کنند یا خیر، حرف دیگری است، ولی به هر حال یک عرصه و نگاه نو به فقه به وجود آمد که شاید بتوان گفت، فقه انفعالی به یک فقه فعال تبدیل شد.

احیای برخی مبانی مغفول فقهی در پرتوی وقوع انقلاب اسلامی

با ایجاد انقلاب و تشکیل حکومت، پرسش‌ها و نیز چالش‌هایی پیش روی نظام فقهی و فقهای ما قرار گرفت که آن‌ها باید به این پرسش‌ها و چالش‌ها پاسخ می‌گفتند؛ اقلیت‌های مذهبی، ارتباط زنان و مردان، حضور زنان در جامعه، آزادی‌ها و نقش مطبوعات، از سوال‌های جدیدی بود که با شکل‌گیری حکومت، برای حوزه مطرح شد. در حوزه اقتصاد، این بحث به وجود آمد که نقش دولت و مالکیت دولت بر منابع به چه کیفیتی است. فتوای مرحوم امام، محدودیت مالکیت خصوصی بود، در شرایطی که با اختیارات دولت در تضاد و تنافی باشد؛ نیز برخی از این پرسش‌ها و چالش‌ها با تطبیق قواعد عام قابل حل بود؛ به عبارت دیگر، برخی از این موارد را می‌شد با همان ابزار در اختیار تا پیش از انقلاب پاسخ داد. عمدتاً تطبیق قواعد عامه بر مسایل روز بود، اما برخی از آن‌ها موجب شد که یک سری مبانی کمتر مورد توجه احیا و بازسازی شود؛ به دیگر سخن، یکی از نقش‌های انقلاب اسلامی این بود که شرایط جدید، اقتضائات حکومت و پرسش‌های جدید باعث شد در مقام پاسخ، برخی از مبانی مغفول احیا شود؛ اگرچه این مبانی ممکن است به صورت موردی در برخی از آثار فقه‌های قدیم هم بوده باشد، ولی چون عمدتاً فقه حالت فردی، غیرحکومتی و حتی غیراجتماعی داشت، طبیعتاً پرداخت به آن مسایل، کم‌تر یا غیرملموس بود؛ بنابراین می‌بینیم که برخی از فتاوی‌ای امام در بحث‌های اجتماعی در قبل و بعد از انقلاب تفاوت دارد و این نشان می‌دهد که شرایط جدید حتی می‌تواند در تغییر نگاه یک فقیه موثر باشد؛ از این رو، یکی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در این بخش

ظرفیت قواعد فقه در روابط بین الملل بر اساس اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در استای تحقق گام دوم (جلسه اول)

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

رضا اسفندیاری (اسلامی)

دکتر محسن قدیر

آینده انقلاب ضروری است، عبارتند از: استفاده از ظرفیت های مختلف کشور، چه ظرفیت مادی و چه ظرفیت نیروی انسانی و استفاده از حضور جوانان در عرصه های گوناگون. در ابتدای انقلاب شاهد بودیم که جوانان چقدر فعال بودند و الان هم می توانیم بر این امر تاکید کنیم و نگاه انقلابی و عمل جهادی داشته باشیم و از وجود نیروهای جوان در این کشور بهره مند شویم. نکته دیگری که رهبر معظم انقلاب بسیار بر آن تاکید کردند، امید و نگاه خوش بینانه به آینده است؛ به عبارت دیگر، هر کسی که مردم را مایوس می کند، خیانت می کند. هر چیزی که موجب یأس و بدبینی مردم شود، در هر لباس و هر قامت و سمتی که باشد، امر نامطلوبی است که می تواند از مردم سلب امید کند و آرامش و آسایش را برهم زند. متأسفانه ما گاهی برای کوبیدن همدیگر و حذف یکدیگر حاضریم نظام را هم زیر سوال ببریم که این نباید باشد. حفظ نظام و وجود امید و عشق و علاقه به آینده و مایوس نشدن از نکات کلیدی بود که مقام معظم رهبری در این بیانیه تاکید کردند. نکات دیگری مثل اجرای عدالت، حراست از استقلال و آزادی و موارد دیگری نیز در بیانیه وجود دارد. ایشان در عرصه روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، بحث عزت ملی را مطرح می کنند و می فرمایند که این شاخه هایی از سه اصل عزت، حکمت و مصلحت هستند و باید در روابط بین الملل وجود داشته باشد.

- اسفندیاری (اسلامی): مرزبندی با دشمن که آقا فرمودند، مسئله استقلال کشور، ارتباط با کفار باید در حدی باشد که قدرت بازدارندگی ایجاد شود. مسئله امت واحد و وجود تقسیمات جغرافیایی یکی از مسائل مهم است. سوال این است که مسلمانان امت واحد هستند؟ چون ولایت واحد ندارند. بحث ولایت با تقسیمات جغرافیایی نمی سازد. تقسیمات جغرافیایی به ما تحمیل شده است، بنابراین دارالاسلام فراتر از کشورهاست. این کشورها مقررات و قوانین دارند، ما چقدر می توانیم این قوانین را محترم بشماریم، یعنی ولی فقیه، حاکم مشروع اسلامی، قوانین کشورهای دیگر را که قوانین موضوعه است، چقدر می تواند محترم بشمارد. مسائل بسیار زیاد است و من نمونه هایی را ذکر کردم.

نقطه مرکزی بحث روابط بین الملل

- لک زایی: فرمایش مقام معظم رهبری این است که انقلاب و نظام اسلامی، از نقطه صفر شروع کرده است؛ یعنی به تعبیر ایشان، ما از جایی شروع کردیم که در سه سطح همه چیز علیه ما بوده است. در سطح ایران همه چیز علیه ما

- قدیر: ساختار بیانیه را می توانیم به سه قسمت تقسیم کنیم: ۱. ترسیم ویژگی های انقلاب اسلامی: در این قسمت ایشان به پای بندی به آرمان ها، عصر جدید مقاومت در برابر قدرت های دنیای مدرن و شعارهای فطرت پذیر اشاره کردند. آنچه انقلاب اسلامی را ماندگار کرده است، شعارهای متناسب با فطرت بوده است. من گاهی به افراد جدید اسلام که نگاه می کنم، می بینم این هاندایی شنیدند و زمینه در آن ها آماده بوده و شیعه شدند و به سمت اسلام آمدند. ویژگی دیگر، انعطاف در عمل و ثبات در ارزش های دینی است؛ بدین معنا که باید در ارزش های دینی ثابت قدم باشیم و در مواردی که جایگاه انعطاف است، با انعطاف، اصول مورد نظر خود را به پیش ببریم. در قسمت دیگری فرمودند ما باید جوانمردی و مروت را پیشه کنیم که این جا در بحث دفاع از مظلوم و مقابله با ظلم و ظالم مطرح است.

۲. تبیین تاریخچه انقلاب اسلامی: مقام معظم رهبری فرمودند شروع از نقطه صفر بوده است. ما قبل از انقلاب چالش هایی داشتیم، از جمله این که رژیم فاسد پهلوی دست نشانده آمریکا بود، دولت های غربی و آمریکا بر این کشور سیطره داشتند، نابسامانی های داخلی زیاد بود و عقب ماندگی کشور زیاد بود و به مثابه یک مستعمره اداره می شد. نکته دیگر این است زمانی که انقلاب اسلامی می خواست شکل بگیرد، ما الگوی عملی پیشین هم نداشتیم. در بیانیه گام دوم تاکید شده که ما برای این انقلاب مدل یا الگویی که پیش تر شکل گرفته باشد تا بتوانیم از حرکت و عمل آن استفاده کنیم، وجود نداشت. حتی پیروزی انقلاب اسلامی هم به صورت ناگهانی بود و تصور نمی شد که به زودی پیروزی حاصل شود تا قبل از آن، برنامه نظام سازی را انجام داده باشیم. تشکیلات، ساختار و بحث های مدیریتی وجود نداشت. شکل گیری انقلاب اسلامی آغاز شدیدترین دشمنی هاست، چون انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی امروزه به عنوان یک کشور مستقل در دنیا وجود دارد. اگر دقت بفرمایید کشورهای بزرگی مثل ژاپن و آلمان و کشورهای اروپایی به لحاظ سیاسی مستقل نیستند؛ یعنی آمریکا الان هر جا بخواهد نیرو بفرستد، پانصد ژاپنی و چند نیروی آلمانی همراه آن ها می رود و همه جای دنیا نیرو می فرستند. در قضایای مربوط به برجام، اروپا هیچ گاه آمریکا را محکوم نکرده است. اگر چه می گویند آمریکا کار خوبی نکرده است، اما رسماً نمی گویند که ما آمریکا را محکوم می کنیم؛ چون برای آن ها سنگین است که جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت مستقل در برابر استکبار جهانی ایستادگی کرده است.

۳. بیان الزام های مربوط به آینده انقلاب اسلامی: برخی از الزاماتی که برای



و گسترش حضور جمهوری اسلامی در منطقه. پس این جزء اهداف جمهوری اسلامی است. چرا با رژیم غاصب صهیونیستی نمی‌توانیم کنار بیاییم؟ پاسخ در سوره ممتحنه آمده است و از نظر فقهی و قرآنی و اسلامی هیچ ابهامی در آن نیست، چون بخشی از سرزمین اسلامی را اشغال کردند، نمی‌توانیم با این‌ها کنار بیاییم.

مقام معظم رهبری جمله‌ای در بیانیه گام دوم ذیل توصیه ششم دارند که اگر این جمله مورد توجه قرار می‌گرفت، لازم نبود ایشان بارها بر آن تاکید کنند. توصیه ششم، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن است؛ یعنی ما باید دشمن را بشناسیم و تعریف کنیم، در روابط خارجی دوست را هم باید تعریف کنیم. باید مرزبندی ما با دشمن روشن باشد؛ دشمن، آمریکا و اسرائیل است. فرمایش ایشان در ذیل بند ششم این است که در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. بیانیه گام دوم، نه تنها یک بیانیه راهبردی است، بلکه حتی فرا راهبردی است، چون می‌خواهد افق‌های گام دوم را برای ما روشن کند؛ یعنی کمترین زمانی که برای بیانیه گام دوم شما باید در نظر بگیرید، چهار سال است. چهار سال گام اول بوده است و چهل سال هم گام دوم است. یا آنچنان که در پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فرمودند، بازه زمانی پنجاه سال است، یعنی اگر از ۱۴۰۱ هـ. ق در نظر بگیریم، برای پنجاه سال بعد است. بنابراین جمهوری اسلامی آغازگر عصر جدیدی در عالم است و وضعیت آرمانی را در سه سطح ایران، جهان اسلام و نظام بین‌الملل ترسیم کرده است؛ در سطح ایران تحقق پیدا کرده است. البته از آن پنج مرحله، سه مرحله در دست شدن است؛ یعنی بحث جامعه‌سازی اسلامی، بحث دولت‌سازی اسلامی و بحث تمدن و امت اسلامی. در سطح جهان اسلام، آزادی فلسطین، اتحاد جماهیر اسلامی و در سطح نظام بین‌الملل، حذف نظام سلطه تا تحقق حکومت جهانی اسلام.

مرزبندی و تعارض و توافقی که شکل می‌گیرد، با دو کلیدواژه در گام دوم مطرح است: «اسلام و استکبار». یک طرف «اسلام» است و طرف دیگر «استکبار» است. شما با هر قاعده فقهی مثل قاعده عدالت یا هر قاعده‌ای در نظر بگیرید، اسلام نمی‌تواند با ظلم کنار بیاید، اسلام نمی‌تواند با استکبار کنار بیاید. می‌خواهم بگویم پشتیبانی قواعد فقهی به اندازه‌ای در این بحث برجسته و روشن است که نیازمند زحمت نیست. ایشان می‌گویند شعارهای انقلاب اسلامی، شعارهای جهانی و فطری درخشان و همیشه زنده است. بنابراین، این ظرفیت در انقلاب اسلامی برخاسته از اسلام وجود دارد که جهانیان را به سمت این شعارهای بین‌المللی بیاورد که در بیانیه گام دوم مطرح شده است، البته با محوریت نسل جوان؛ از این رو برنامه‌هایی که ایشان به جوانان اروپایی می‌دهد، باید در این بُعد معنا شود. در آن شش توصیه‌ای که ایشان دارند، بحث استقلال و آزادی و حتی بحث سبک زندگی، بُعد روابط بین‌الملل دارد، چون مواجهه با سبک زندگی غربی را برجسته کردند که یکی از بخش‌های تعارض ما سبک زندگی است. سبک زندگی غربی می‌خواهد خودش را بر ما تحمیل کند و ما باید در برابرش باستیم و بعضی قسمت‌های دیگر که اگر فرصتی باشد، برخی از آن‌ها را اشاره خواهیم کرد.

بوده است، چون یک حکومت استبدادی وابسته به بیگانه برایان حاکم بود. حکومت پهلوی با کمک بیگانگان روی کار آمده بود. ایشان می‌فرماید: حکومت پهلوی، بدترین دولتی است که ما در ایران داشتیم، چون با پشتوانه بیگانگان به قدرت رسیده است. این در تاریخ ایران سابقه ندارد که دولتی به اتکای بیگانگان به قدرت رسیده باشد. معمولاً دولت‌ها به اتکای قبیله خودشان یا چند قبیله از قبایل ایرانی به قدرت می‌رسیدند، اما دولت پهلوی، به اتکای انگلیسی‌ها به قدرت رسیده و بعد هم آمریکایی‌ها جای انگلیسی‌ها را گرفتند. پس دولت و حکومت ایران قبل از انقلاب، علیه مردم ایران است و در راستای منافع ایرانیان حرکت نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، مردم ایران اهداف و منفعی دارند و دولت در تعارض با این اهداف و منافع است. علما و رهبران و مراجع و رهبران دینی اهداف و منفعی را مطرح می‌کنند که اصلاً دولت نمی‌پذیرد. این‌ها می‌گویند ما نمی‌خواهیم با اسرائیل رابطه داشته باشیم و اسرائیل را نباید به رسمیت بشناسیم، ولی دولت، این رژیم را به رسمیت شناخته است.

سطح دوم، سطح منطقه‌ای است که همه دولت‌ها علیه انقلاب اسلامی بودند. در سطح جهانی هم در ابر قدرت بودند که علیه ما بودند. پس با حکومت ایران و قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی تعارض داریم، یعنی هیچ اشتراک منفعی نیست و هیچ توافقی نمی‌تواند شکل بگیرد. از این رو می‌گوییم انقلاب اسلامی بدون حمایت هیچ قدرتی از قدرت‌های بشری و مادی منطقه‌ای و جهانی به پیروزی رسید. نه ابر قدرت‌ها پشتیبان انقلاب اسلامی بودند، نه قدرت‌های بزرگ پشتیبان انقلاب اسلامی بودند و نه قدرت‌های کوچک‌تر. انقلاب اسلامی، انقلابی است که با اتکا به خدای متعال و با پشتوانه مردم خود ایران و به رهبری امام خمینی رحمته‌الله از صفر شروع می‌کند و به پیروزی می‌رسد. وقتی که انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد، ویژگی‌ها و اهدافی برای خودش مطرح می‌نماید و این اهداف، تعارض و توافقی را در سطح بین‌الملل به شکل خاصی سامان‌دهی می‌کند. شعار انقلاب اسلامی نفی کاپیتالیسم و سوسیالیسم بود؛ نه شرقی و نه غربی است، با ارائه الگوی سوم به نام جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی، حکومت متکی به خود و ضد نظام سلطه است. اگر بخواهیم تعبیری داشته باشیم، تعبیر «نزاع و جودی» را این‌جا می‌توانیم به کار ببریم؛ یعنی جمهوری اسلامی نمی‌خواهد سربه تن نظام سلطه باشد و نظام سلطه هم جمهوری اسلامی را به هیچ‌وجه نمی‌پذیرد. پس تعارض شکل گرفته و تعارض هم از نوع شدید است، پس به جنگ ختم می‌شود؛ یعنی آن‌ها به جمهوری اسلامی حمله می‌کنند تا نگذارند این نهال نوپا شکل بگیرد و مستقر شود. کودتاها را پشتیبانی و سازماندهی می‌کنند، ترورها و تحریم‌ها را شروع می‌کنند؛ جنگ تحمیلی و حمله عراق به جمهوری اسلامی یک نمونه از این تلاش‌هاست. پس انقلاب اسلامی فقط برای نجات ایران از نظام سلطه ایجاد نشده است، بلکه جمهوری اسلامی، هم ایرانیان را از نظام سلطه نجات داده و هم می‌خواهد دیگر جهانیان را یاری کند تا آن‌ها هم از نظام سلطه نجات پیدا کنند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: الگوی مقاومت، باعث بیداری اسلامی شده است. بیداری اسلامی سه هدف دارد: شکست سیاسی آمریکا در منطقه، زمین‌گیر شدن همکاران خائن آمریکا در منطقه

ظرفیت قواعد فقه در روابط بین الملل بر اساس اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در راستای تحقق گام دوم (جلسه دوم)

ارائه کنندگان:

عباسعلی زارعی سبزواری

دکتر سعید رهایی

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی خادمی کوشا

- زارعی سبزواری: قواعد فقهی، مجموعه قواعد تامه‌ای است که راهگشای بشر در تصحیح و ترمیم روابط بین ادیان، ملت‌ها و کشورها می‌باشد. از این رو، آگاهی بخشیدن به مردم جامعه درباره این قواعد، علاوه بر آثار اجتماعی فراوان، همزیستی انسان‌ها را بدون مناقشه و به دور از زبان‌های متوجه جامعه و گاه ویرانگر تبیین می‌کند.

اگر قواعد فقهی اسلام در خصوص روابط بین الملل به جوامع بشری معرفی گردد، نگاه جامعه بشری به دین اسلام و آرمان‌های متعالی‌اش، از نگاه منفی حاکم بر جهان که بر اثر تبلیغات سوء جوامع غربی صورت گرفته است، به نگاه مثبت تبدیل خواهد شد و اگر این قواعد، در سازمان‌بین الملل تحلیل و تبیین و ارائه شود، زمینه مطالعات ملت‌ها را درباره دین اسلام و حکومت‌هایی که منادی اجرای دین اسلام و احکامش هستند (مانند جمهوری اسلامی ایران) و ایده‌های آن فراهم می‌گردد؛ از این رو، معرفی قواعد فقهی مربوط به روابط بین الملل، یکی از ابزارهای لازم در گام دوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که با هدف متوجه کردن افکار اندیشمندان و خواص جوامع بشری به انقلاب و آرمان‌های انقلاب در حوزه‌های علمیه، از سوی اندیشمندان فقه و همین‌طور اعزّه‌ای که در دانشگاه‌ها مشغول تحقیق و تفحص در خصوص روابط بین الملل هستند، فراهم می‌شود.

- رهایی:

در بحث مفهوم‌شناسی سه کلمه «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» بر اساس فرمایش‌های رهبر معظم نکاتی قابل طرح می‌باشد.

نکته اول آن است که این سه واژه، سه اصل مرتبط و متداخل هم هستند؛ یعنی چنانچه به حکمت رجوع شود، حکمت خود مبین این نکته است که روابط باید بر اساس عزت و مصلحت صورت گیرد. عزت هم اگر حکمت و مصلحت در آن لحاظ نشود، ایجاد و پایدار نخواهد شد؛ همچنان‌که شرط اصلی مصلحت، توجه به عزت و حکمت است و این سه اصل مجموعه‌ای هستند که یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

نکته دوم آن است که این سه اصل، هم در داخل و هم در روابط بین الملل کارایی دارد و هرگونه مدیریت جمعی به خصوص در بخش‌های بالایی جمهوری اسلامی ایران، مشروط به اجرای این سه اصل می‌باشد.

نکته سوم آن است که عزت به معنای بی‌توجهی به مسائل بیرون از ایران نیست، بلکه به معنای تسلیم‌ناپذیری و سلطه‌ناپذیری بوده و در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. در جمهوری اسلامی ایران، همان‌طور که در فرمایش‌های مقام معظم رهبری نیز آمده است، علوم در حوزه علوم انسانی و روابط بین الملل، قابلیت بهره‌وری و بهره‌برداری از تجربه دیگران و کارشناسان بین الملل

را داراست؛ از این رو عزت به معنای نفی سلطه‌پذیری، اعتماد داشتن به توان ایرانی - اسلامی، ناامید نبودن از آینده و وضعیت موجود و به تعبیر قرآن «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»، توجه به اقتدار الهی و اسلامی است. نکته چهارم در معنای حکمت است؛ حکمت به معنای خردگرایی در روابط بین الملل می‌باشد. مدیران روابط بین المللی باید از خرد لازم در این زمینه برخوردار بوده و اهل مشاوره و مشورت باشند؛ از این رویکی از قواعد مهم در حوزه روابط بین المللی، قاعده لزوم مشاورت است که می‌توان از آن استفاده کرد. حکمت در روابط بین الملل، به معنای وارد شدن در عرصه دیپلماسی با یک نگاه همه‌جانبه و هندسه صحیح و منطقی متین می‌باشد. مصلحت در روابط بین الملل نیز به معنای مصلحت جویی در به کارگیری دیدگاه‌های اسلامی ایرانی است تا با کمترین هزینه و آسیب، بهره‌برداری بیشتری شود.

خادمی کوشا: باید جایگاه بیانیه گام دوم انقلاب و مخاطبانش به خوبی شناخته شود. در مورد جایگاه بیانیه دوم انقلاب، همان بس که یک دستور رسمی برای ارگان‌های مختلف نیست، بلکه ارشاد و راهنمایی و اقتضای مسئولیت یک رهبری دینی برای مردم محسوب می‌شود و چنانچه این ارشادات در حوزه ولایت فقیه بیان شود، از حالت توصیه درآمده و برای ملت، لازم تلقی می‌شود؛ بدین سبب که در راستای حفظ دین و عزت صورت می‌گیرد.

با توجه به مخاطبان و محورهای بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر معظم انقلاب با ذکر محورهایی، چگونگی مؤثر بودن قواعد فقه در تحقق گام دوم انقلاب را مطرح نمودند. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن هر سه محورهایی است که از شاخه‌ای از اصل عزت، حکمت و مصلحت محسوب می‌شود. با توجه به این نکته، در روابط بین الملل و خارجی باید عزت ملی و مرزبندی با دشمن حفظ شود و برای رسیدن بدین منظور باید به قواعد فقه مراجعه نمود تا مشخص گردد که در چندین عرصه و محور در تحقق گام دوم مؤثر خواهد بود.

عرصه اول آن است که قواعد فقه می‌بایست در مرحله مبانی فقهی عزت و مصلحت و حکمت نقش آفرینی کند. البته این عرصه تأثیری در گام دوم انقلاب نداشته، بدین سبب که این مسئله بحث فقهی است و بیانات رهبری در این زمینه دستوری است که نیاز به بررسی نمی‌باشد.

عرصه دوم آن است که قواعد فقهی می‌بایست در مرحله استنباط ضوابط فقهی تحقق عزت، حکمت و مصلحت نقش آفرینی کند. این که با کدام ضوابط و رعایت چه اصولی در روابط بین الملل می‌توان این موضوع را محقق نمود. این عرصه محل بحث در این نشست می‌باشد که اساتید محترم قواعد بسیاری را برشمردند.

سومین عرصه که در جلسات مغفول مانده است، قواعد فقهی در مرحله امتثال است. در مرحله امتثال که مرحله تراحم است، گاهی تراحم میان مصالح پیش می‌آید که در این مرحله می‌بایست از تراحم‌ها بحث نمود و بر اساس قواعد فقهی، ضوابط آن را روشن کرد. علاوه بر این عرصه‌ها، محورهای شناسایی ظرفیت قواعد فقه در تحقق گام دوم وجود دارد.



درآمدی بر الگوهای پیامدسنجی و ضرورت به کارگیری آن‌ها در مدیریت فرهنگی در بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

سید محمدعلی غمامی

کنشی مهم‌تر از محتوای خود آن‌هاست. اصلاً محتوا مهم نیست که الان در دانشگاه چه چیزی تدریس می‌شود. مهم این است که شما این را به چه کسی وصل کنید. این اتصال کنشی جهتش را مشخص می‌کند و باعث خودمشروط‌شدگی، خوداثربخشی و خودتنظیمی می‌شود. آن سیستم خودش را تنظیم می‌کند، البته می‌گوید اتصال کنشی، جهت‌مند است و مبنای ارزشی دارد. این که شما انتخاب می‌کنید که چه کنشی به چه کنشی وصل شود، توسط نظام ارزشی شما صورت می‌گیرد. نظام ارزشی شما مشخص می‌کند که چه کنشی به چه کنشی وصل شود. نکته پایانی این که ما باید کنشگر فرهنگی خودمان را تعریف کنیم و بگوییم کنشگر فرهنگی ما باید به چه چیزی وصل شود که خوداثربخش، خودتنظیم و خودکنترل شود. این کنشگر فرهنگی را باید به دولت وصل کنیم یا به بازار یا به مسجد یا به خانواده؟ توصیف من از میدان این است که این کنشگر فرهنگی در جمهوری اسلامی اساساً مدیر و تاجر تعریف شده است. این‌ها به عنوان کنشگر تعریف می‌شوند و جالب هم این است که همین دو تا به هم وصل شدند؛ دولت و تاجر، دولت و سرمایه‌گذار. حتی جاهای دیگر که جلوتر می‌رویم، اگر مبلغی هم داریم، این مبلغ به دولت وصل است، نظام تبلیغی ما هم به حکومت وصل است. سازمان تبلیغات، سازمانی است که مبلغ را به دولت و حکومت وصل می‌کند. این نظام اتصالاتی خاص است و باعث می‌شود که این دو با نگاه به همدیگر خودشان را کنترل و جهت‌دار کنند. این وضعیت موجود است، اما در حوزه اتصال کنشی می‌تواند وضعیت‌های دیگری هم تعریف شود؛ مثلاً این که ما در حوزه فرهنگ، کنشگر فرهنگی را نظام مسجد، نهاد مسجد و نهاد خانواده تعریف کنیم و این دو کنش را به هم وصل کنیم، یعنی مبلغ را به مربی متصل کنیم. شاید خیلی تعبیر درستی نباشد، در سیستم جی‌آی‌اس، یعنی آن‌جا که اطلاعات روی پهنه جغرافیایی به نمایش در می‌آید، اتصال این دو به نمایش در بیاید، نه اتصال راننده و مشتری. الان در اسنپ اتصال راننده و مشتری به نمایش در می‌آید؛ یعنی یک کاروکاسبی بازاری به نمایش در می‌آید. آن چیزی که باید روی سیستم‌ها و پهنه‌های اطلاعاتی ما به نمایش در بیاید، کنش‌های این دو است؛ کنش‌های مسجد و خانواده، کنش‌های مبلغ و مربی. بنابراین، برای فهم پدیده باید افقی ایجاد شود و به جای این که رابطه کسی که دنبال غذا می‌گردد، کسی که دنبال تاکسی می‌گردد، کسی که دنبال سینما می‌گردد، این کنش‌ها به هم وصل شوند، باید کنش‌های دیگری به هم وصل شوند و تصویر شود و آینه شود و افراد براساس این کار خودشان را حساب و کتاب کنند.

یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که ما در دفتر تبلیغات، نهادهای فرهنگی و نهادهای حوزوی با آن روبه‌رو هستیم، این است که این نهادها به عنوان کنشگران حوزه فرهنگ، نمی‌توانند نتیجه بازخورد و اثرکار خود را تحلیل و فهم کنند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَحْشُرُونَ وَلَا يَحْشُرُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»؛ یعنی هر ابلاغی، لزوماً باید روی یک حساب و کتابی باشد؛ نمی‌شود شما ابلاغ کنید، ولی حساب و کتاب نکنید؛ این حساب هم ممکن نیست، مگر این که خشیتی رخ بدهد. همان‌طور که می‌دانید خشیه با خوف فرق دارد. خشیت این‌طور ترجمه شده است: الخشیه، هوالمراقبه؛ یعنی مراقبت درونی داشته باشد و حواسش جمع باشد. انتظار شما از جلسه امروز این‌طور نباشد که بحث کاملاً تکنیکی با تمام جزئیات تبیین شود؛ بلکه ایده‌ای است مبتنی بر نظریه اتصال که مطرح و به گفت‌وگو گذاشته می‌شود. بحث بنده چهار بند و محور دارد:

۱. محور اول، الگوهای اتاف‌نویسی، معرفی و نقد آن‌ها؛
۲. محور دوم، نظریه‌های فرهنگ موجود در حوزه سنجش اثرات؛
۳. محور سوم، تمایز دو مفهوم پایش و پیمایش؛
۴. محور چهارم، طرح ایده اصلی پژوهش.

* کنشگر فرهنگی در جمهوری اسلامی

در این جا می‌خواهم از نظریه لومان استفاده کنم. آقای لومان یک فیلسوف آلمانی است که نظریه سیستم‌ها را تغییر می‌دهد و می‌گوید باید پارادایم نظریه سیستم‌ها تغییر کند و سیستم‌ها را براساس یک الگوی کنشی خاصی بازتعریف می‌کند. لومان می‌گوید که هسته اصلی نظریه سیستم‌ها اتصال کنش‌هاست. می‌گوید اصلاً سایبرنتیک، یعنی اتصال کنش‌ها. به عبارت دیگر، الگوی سایبرنتیک یا الگوی فرمانش‌شناختی و الگوی کنترل، اتصال کنش‌هاست. مهم این است که شما چه کنشی را به چه کنشی وصل می‌کنید. اصطلاح communication and control این‌جا جعل می‌شود. می‌گوید اگر شما کامیونیکیشن ایجاد کنید، کنترل هم رخ می‌دهد. معنای این حرف، این است که اگر شما می‌خواهید دانشگاه را کنترل کنید، مهم این است که این را به چه چیزی وصل می‌کنید. اگر دانشگاه را به بازار وصل کنید، یک جور کنترل می‌شود، اگر دانشگاه را به دولت وصل کنید، یک جور کنترل می‌شود، اگر به مسجد وصل کنید، طور دیگری کنترل می‌شود. اگر دانشگاه را به مدرسه وصل کنید، یک جور دیگر کنترل می‌شود. این اتصال



ظرفیت های بین المللی شدن بیانیه گام دوم در الگو شدن ایران اسلامی

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی میرزایی

حجت الاسلام والمسلمین احمد رهدار

- میرزایی: چرا ما باید در مورد ابعاد بیانیه گام دوم حرف بزنیم و تحلیل کنیم؟ به نظر حداقل سه دلیل، ضرورت این کار را ملموس تر و شدیدتر می کند:

۱. وجود روح بومی زدگی و فراتراز مقدار ضرورت و نیاز انقلاب در داخل کشور: این آسیب هم در سطح اندیشه و هم در سطح مدیریت وجود دارد. در این تفکر، حضور جهانیّت و جهانیّت اسلامی و حتی حضور منطقه ای آن قدرها پررنگ نیست و این ضرورت وجود دارد که انقلاب اسلامی را با فهم جهانی بازخوانی و تحلیل کنیم.

۲. بحران های موجود در جهان اسلام: علی رغم تحقق بسیاری از سطوح اهداف و رشد یافتگی در بسیاری از صحنه ها و تأثیرپذیری علمی و نظری و تئوری جهان اسلام از انقلاب اسلامی، جهان اسلام امروز با بحران های متعدد مواجه است؛ بحران جایگزینی در مسائل اندیشه، تفکر، مدیریت در بیانیه، سه گانه خودسازی، جامعه سازی و تمدن سازی مطرح شده است؛ یعنی اگر مسئله تمدن سازی را به عنوان هدف بنیادین انقلاب اسلامی در نظر می گیریم، جهانیّت، جهانی اندیشی و مدیریت بین المللی جای خودش را در بالاترین لایه بیانیه باز می کند. شما نمی توانید با رویکردهای داخلی و کشوری، گام اثرگذاری در عرصه تمدن سازی بردارید. تمدن سازی فرع و تابع یک نظام ارتباطات بین المللی موفق است. شما در این نظام باید علاوه بر این که با دشمن می جنگید، با دوست پیوند موفق برقرار کنید و این نظام مستحکم ارتباطاتی را آن گونه که لازم است، شکل دهید. وقتی که ما سفارت ناتوان داشته باشیم، سفیرهای ضعیف داشته باشیم، رایزن های ضعیف داشته باشیم، منطق و گفتمان نداشته باشیم، موضوع زبان در دانشگاه های تئوری پرداز ما جایگاه مهمی نداشته باشد، کاری از پیش نمی بریم. همین دانشگاه و دانشگاه های دیگر که محل تئوری پردازی و ارتباط آکادمیک با جهان است، چه ارتباط آکادمیکی با جهان و متفکران دارند؟ این ها این بخشی از مشکل است. الآن تشنگی نخبگان جهان اسلام در مورد شناخت این پدیده و انقلاب بسیار زیاد است. باور کنید به تعداد انگشتان یک دست کتاب خوب به زبان عربی برای مسلمان ها درباره انقلاب نداریم. معمولاً نویسندگان بیشتر انگلیسی کار می کنند، ولی بعید می دانم که آن جا هم خیلی خوب باشد. واقعاً این مصیبت است! چطور می توانیم گفتمان جهانی درست کنیم، آسیب های فعلی جریان های مقاومت و اسلام گرایی را رفع کنیم، سوء تفاهم های تاریخی و مین های کاشته شده بین اطراف جهان اسلام را خنثی کنیم؛ در صورتی که صامت یک گوشه ایستاده ایم و نگاه می کنیم و آن ها را دعوت می کنیم یا جشنواره برگزار می کنیم. همایش هایی

که این روزها برگزار می شود، فرصت های طلایی برای بازیان و بازارانه و بازتفسیر بیانیه است، ولی تقریباً اتفاقی در این عرصه ها واقعاً نمی افتد. در هر صورت، تأکید بیانیه در مقوله تمدن بسیار اساسی است و بررسی نگاه ها و بینش های تمدنی در گام دوم، در راستای همین بحث جهانی بودن و بین المللی بودن است.

امکان استفاده از ظرفیت شکست غرب در طرح بین المللی بیانیه گام دوم

- رهدار: ما در چند محور می توانیم در جهان اسلام باب گفت و گورا باز کنیم و ظرفیت آن هم وجود دارد. یکی ظرفیت شکست غرب است. الآن طبل رسوایی غرب به اندازه ای بلند نواخته شده که خیلی نیاز نیست با ادبیات ایدئولوژیک و انحصار ایرانی و حتی انقلابی آن ها را تبیین کنیم. جهت اطلاع عرض کنم که شاید تعداد کتاب ها و مقالاتی که در دنیای غرب در مورد به انتها رسیدن ظرفیت غرب - نه در نقد فلان ایسم یا فلان جریان - چند صد برابر کتاب ها و مقالاتی باشد که ما در جهان اسلام در مورد این قضیه نوشته ایم. این که حضرت آقا مسئله شکست غرب را مطرح کرده است، یک تبیین علمی دارد که اصرار دارند ما برای تبیین علمی به بن بست رسیدن غرب اگر روزگاری لازم بود که چاشنی ادبیات ایدئولوژیک و دینی و انقلابی را ضمیمه کنیم، باید این کار را بکنیم. بهتر این است که ما محورهای خاص تری پیدا کنیم؛ مثلاً محور خانواده و جمعیت. مسئله جمعیت در آن جا ناشی از سیاست های غلط آن ها در قرون گذشته در مورد مسئله خانواده است. اگر درست تحلیل شود، خواهیم دید که هیچ آینده متصور برای دنیای غرب بهتر از این وضعیت الآن که وضعیت منجلاب است، قابل تصور نیست. اصلاً یکی از دلایلی که دنیای غرب مجبور شده برخلاف سیاستگذاری های کلان قبلی و با وجود خودآگاهی از غیریت تمدنی خود که مسلمانان در نقطه ثقل این غیریت قرار دارند، به مسلمان ها امتیازاتی بیش از امتیازات گذشته بدهد، همین موضوع است. یعنی اگر در گذشته به مسلمانان در بهترین شرایط اقامت می دادند، الآن مجبورند تابعیت بدهند. زیرا نیروی انسانی کافی برای چرخاندن چرخ معمول وضعیت زندگی خودشان را ندارند و بر اساس قانون نمی توانند به نیروهای اقامتی اجازه ورود به لایه های خاصی بالاتر در چرخه بروکراسی را بدهند. بنابراین مجبورند به این ها تابعیت بدهند تا بتوانند لایه های مدیریتی را هم به مسلمانان بسپارند. این وضعیت به نحو تناقض نمایی برای آن ها کابوس درست کرده که خود آن ها به عنوان اسلام هراسی از آن یاد می کنند. من به معاون وزیر علوم سوریه در همایش

ایران و جهان عرب - که دو سال پیش در ایران برگزار شد - عرض کردم که ما موفق نشدیم پس از پیروزی انقلابمان در دانشگاه‌های مان دو واحد درس غرب‌شناسی را برای همه رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها بنویسیم. گفتم شما این کار را بکنید؛ یعنی از تجربه شکست خورده ما عبرت بگیرید و این کار را بکنید. الآن هم وقتش است؛ الآن که وضعیت روحی فرزندان کشور شما مستعد این است که در مورد نقد غرب چیزهایی را بشنود، بگذارد در تحصیلات دانشگاهی با این دشمن تمدنی که شما را بیچاره کرده، آشنا شوند. نیاز هم نیست که کتاب‌های شما چاشنی ایدئولوژیک داشته باشد.

ضرورت تبیین علمی تعبیر «عصر جدید»

محور دوم، واژه‌ای است که حضرت آقا به عنوان «عصر جدید» و «دوران جدید» و «دوران دین» نامیده است. این عصر جدید به نظر من نیاز به تبیین دارد و ظرفیت گفت‌وگو و حتی تحدی ما نسبت به وضعیت جهان اسلام و جهان غرب را فراهم می‌کند. متأسفانه ما موفق عمل نکردیم؛ زیرا قرائت‌های خارج از ایران و متفکران برون‌مرزی از انقلاب اسلامی از آغاز را چنان در بوق و کرنا کردیم که همه بچه‌های ما بفهمند که مثلاً متفکران بیرونی به انقلاب ما در آغاز چگونه نگاه می‌کردند و حتی بعدها در ادامه هم چطور نگاه می‌کردند. خیلی از متفکران دنیای غرب یک نگاه اندیشه‌ای به انقلاب اسلامی داشتند، تا چه رسد به متفکران جهان اسلام که به عنوان بیننده از بیرون وقتی نگاه کردند به انقلاب ما، جنس حرکت و تحول و انقلاب را خوب و احیاناً متفاوت از آنچه خود ما دیدیم، دیده‌اند.

بایستگی تشریح استقلال‌خواهی برای ملت‌ها و نخبگان جهان اسلام

محور سوم، پدیده استقلال است که در بیانیه حضرت آقا به آن اشاره کردند و به نظر من انقلاب اسلامی ظرفیت گفت‌وگو و حتی تحدی برای لاقل - کشورهای جهان اسلام را دارد. به دولتمردان کشورهای جهان اسلام خیلی امیدی نیست، حتی ساختارهای نهادی آن‌ها وارداتی و دست‌نشانده و وابسته است. ملت‌های جهان اسلام به‌ویژه نخبگان جهان اسلام به دلیل این‌که هنوز درد چنگال استعمار را برگرده خود و کشورشان حس می‌کنند، وقتی سخن از مسئله استقلال برای آن‌ها بگوییم، خوب می‌فهمند که چه می‌گوییم.

چالش‌های سیاست‌گذاری خانواده و زنان در گام دوم

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین سوزنجی

دکتر فریبا علاسوند

- سوزنجی: نکته اصلی بحث من این است که در عرصه چالش‌های سیاست‌گذاری که پیش رو داریم، در دو سطح می‌توان بحث کرد؛ یک سطح این‌که ما مستقیم سراغ یک دسته از مسائل برویم و بگوییم مثلاً مسئله طلاق مهم‌ترین مشکل است و باید این مشکل را حل کنیم و سیاست‌گذاری ما ناظر به این باشد. سطح دیگر، سطح نظری‌تر و مبنایی‌تر است؛ یعنی معتقدم که ما در فهم ماهیت خانواده و مکانیسم قوانین حاکم بر خانواده دچار اشکالات بنیادین هستیم و از این رو سیاست‌گذاری‌های ما - اگرچه با نیت خوب هم انجام می‌شود و می‌خواهیم بر فرض میزان طلاق را کاهش دهیم - این مشکلات را حل نمی‌کند. به همین دلیل، می‌خواهم درباره ماهیت خانواده و مکانیسم قوانین حاکم بر آن توضیحی بدهم که چه تفاوتی پیدا کرده و متناسب با این تفاوت، چطور مدل‌های قانون‌گذاری ما عوض خواهد شد.

نقطه شروع بحث من این است که با این جمله به شدت مشکل دارم که می‌گویند خانواده، کوچک‌ترین واحد جامعه است. در واقع خانواده را به عنوان یکی از واحدهای اجتماعی نگاه می‌کنند. آقای مطهری در مقدمه کتاب نظام حقوق‌زندان اسلام می‌گوید در فضای غربی این‌گونه است که مهم‌ترین مسئله زنان، آزادی زن و تساوی حقوق با مرد است. ما می‌گوییم از این مهم‌ترین است که آیا نظام خانواده شبیه سایر نظام‌های اجتماعی است یا با آن‌ها متفاوت است؟ این نقطه عزیمت بحث من است، چون این‌که بگوییم نظام خانواده با سایر نظام‌های اجتماعی متفاوت است، مسئله را زیور می‌کند و ما به این موضوع توجه نمی‌کنیم. یکی از بزرگان، بحثی با عنوان خانواده به مثابه یک سازمان داشت که من دیدم تمام اندیشه‌های او، خلاف تیتروش است و اعتراض کردم که اصلاً با سازمان ارتباط برقرار نشد. می‌خواهم بگویم اگر مفهوم سازمان را کسی درست بفهمد، می‌فهمد که خانواده به مثابه سازمان، یعنی نابودی خانواده.

توصیه به تدقیق در مورد تأکید بر اوژه خاص و نادیده گرفتن نظام‌های معنایی دیگر

- خانم علاسوند: در بحث خانواده چند تا کار به نظر ضروری است؛ یکی این‌که مفاهیم اصلی مربوط به خانواده را در همه اسناد بگنجانیم. یکی از نقاط پیشرفت غربی‌ها همین است. آموزه‌ای به نام برابری زنان و مردان درست کرده است. شما هیچ‌جا نمی‌بینید که بحثی کمترین ربطی به بحث زنان داشته باشد، ولی بحث برابری در آن نباشد؛ حتی سندی در مورد دریاها. من واقعاً اسناد بین‌المللی را کار می‌کنم. بحث ال‌جی‌بی‌تی‌ها که الان مطرح است، مسئله چند درصد

مردم جهان است؟ اما شما هیچ سندی نمی‌بینید که ساختار زنان سازمان ملل متحد تصویب کند - به هر منظوری - اما یک‌گوشه از آن در مورد حقوق اقلیت‌های جنسی نیاید. این قدر این کار را انجام می‌دهد تا آن را به گفتمان‌یادال مرکزی یک گفتمان تبدیل کند. مسئله بعد که به نظر ما در کشورمان انجام نمی‌دهیم، اثرسنجی سیاست‌هاست. مثلاً فرض کنید در بحث کنترل موالید، شاید هیچ‌کسی مسئله نسل ما را درک نکند. مسئله قانون و ممنوعیت بچه‌آوردن، به طوری بود که اغلب ما به چیزی به نام بچه سوم نمی‌اندیشیدیم؛ یعنی اصلاً مسئله ما نبود، این قدر از ذهن‌ها پاک شده بود که اگر کسی به بچه سوم فکر می‌کرد، در همه فضاها بایکوت می‌شد. لازم بود همان موقعاثرسنجی شود. اصلاً همان موقع که برنامه چیده می‌شود، ما بگوییم اثرات آن آیا فقط مسئله تولید نسل است یا اثر فرهنگی یا اثر روانی دارد؟ این اثرسنجی‌ها نمی‌شود، ادراک‌سنجی نمی‌شود. این موضوع ربطی به بحث خانواده ندارد، به بحث زنان ربط دارد. بعد از انقلاب اسلامی خیلی کارها در حوزه فرزندزایی شد، خیلی کارها در حوزه زنان شد، خیلی زیاد تلاش شد، ولی هیچ کس روی ادراک مردم از تمام این اتفاقات کار نکرد. لذا با این‌که فرزندزایی زیادی صورت گرفت، اما مردم بیشتر احساس فقر می‌کنند، چون ما کاری به ادراکشان نداشتیم که ادراک را با این سطح پیشرفت هماهنگ کنیم. من اخیراً مطالعه می‌کردم و می‌دیدم که بحث ادراک‌سنجی الگودارد، مثلاً مکتب شیکاگو. یعنی در جامعه‌های مدرن که ما می‌گوییم به درد نمی‌خورند، عنصر پیشرفتشان ناشی از این‌هاست. ما درباره زنان ادراک‌سنجی نمی‌کنیم و برای ما هم مهم نیست که زنان چه فکری می‌کنند. یکی از امیدها که به نظر می‌تواند در بخش سیاست‌گذاری مهم باشد، ماهیت ایستاده خانواده در بحث سنت‌ها و ارزش‌هاست. در دنیای متحول با آن همه تغییر و تحول شما باز هم می‌بینید که خانواده رسمی و سنتی و پرچه و منسجم وجود دارد و تنفس می‌کند. این به مدد قوانین اجتماعی نیست، این را بیشتر به مدد آن ارزش‌های ذاتی خودش می‌کند که بحث مفصل است. به گمان من، هم‌زمانی فضای ما با پست‌مدرنیته برای ما یک نقطه امید است، چون عقلائیتهای خانواده‌گرا هم به صحنه و میدان برگشتند و این‌که ما برای قدرتمند کردن این عقیده حداقل در فضای آکادمیک و علوم انسانی بتوانیم این لابی‌ها را پیدا کنیم، فضاها را ایجاد کنیم که کنش‌های خانواده‌گرا مهم است. مسئله اهمیت عضویت و بقا در خانواده هیچ‌جا سیاست‌گذاری نمی‌شود فکر نمی‌کنیم که اگر بناست در امر سیاست‌گذاری کشور ما کمی دچار انسجام شود، دستکم در حوزه خانواده، اگر می‌گوییم ولی فقیه، حداقل به سیاست‌های مورد نظر او که در سیاست‌های خانواده، در گام دوم یا به هر شکل دیگری متبلور می‌شود، توجه کنیم. در امر سیاست‌گذاری که بخواهیم یا نخواهیم، در حوزه مرجعیت شیعی نیست، در حوزه جدای از فضای انقلابی نیست، در حوزه سیاسی و دولتی است، آن‌جا دستکم باید نظرات سیاست‌گذاران و حاکمان که کارشناس هستند، به این هرم ولایت فقیه توجه کنیم.



چالش‌های سیاست‌گذاری خانواده و زنان در گام دوم

ارائه‌کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان

دکتر مریم اردبیلی

این حوزه‌ها با آن‌ها روبه‌رو هستیم، جنبه‌مقدماتی دارد؛ یعنی اگر در حوزه اعتقادی و ارزشی می‌خواهیم کاری انجام دهیم و مشکلی را رفع کنیم، نیاز به پژوهش داریم که دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مسئول این کار هستند و باید سرمایه‌گذاری کنند. در بخش علم که مقصود از آن ادراکات آگاهی‌های کلی است که جامعه باید داشته باشد نیز یک پشتوانه پژوهشی و علمی نیاز داریم؛ یعنی در هر زمینه‌ای که بخواهیم ورود کنیم، نیاز به پژوهش داریم. اگر ریشه مشکلات حوزه خانواده و ازدواج را در ضعف آگاهی‌های جامعه می‌دانیم و قصد بالابردن آگاهی‌های جامعه در جهت رفع این مشکل را داریم، نیاز به نگاه دانش‌بنیان وجود دارد. اگر می‌خواهیم اقدامی راه‌گشا انجام دهیم، یکی از چالش‌هایی که تاکنون داشته‌ایم و پس از این نیز خواهیم داشت، فقدان نگاه دانش‌بنیان به مسائل است؛ یعنی سیاست‌هایی که خیلی شتابان و بدون مطالعه در حوزه‌های اتخاذ می‌شوند، آسیب‌زا هستند و باعث ناتوانی در حل مشکلات می‌شوند و آن چنان که می‌دانیم، مشکلات ما حل نشده‌اند؛ پس نیاز به پژوهش در این بخش داریم. در قسمت ساختاری و مدیریتی نیز این‌گونه است؛ یعنی آنجا هم اگر بخواهیم راه‌حل یا پیشنهادی بدهیم، نیاز به پشتوانه پژوهشی قوی داریم؛ بنابراین، پژوهش‌گمشده‌ای است که در همه حوزه‌ها به آن نیازمندیم.

-دکتر مریم اردبیلی: درباره بیانیه گام دوم نشست برگزار شده، گفت‌وگوهایی صورت گرفته، ولی عمیقاً هر فرد برای خودش و برای اینکه رسالت خودش را پیدا کند، آن را خوانده است. گاهی کم می‌خوانیم و گاهی اوقات مثل سال پیامبر اعظم می‌شود که هر کار پژوهشی، پیوستی بر نظرات پیامبر اعظم بود؛ یعنی حرف‌های خودمان را می‌زنیم و برایشان شاهدیهایی در بیانیه گام دوم نیز پیدا می‌کنیم. البته این خودش یک وجه، یک راه و برداشت است، ولی فکر می‌کنم باید مقداری در خود بیانیه عمیق شویم؛ چون بیانیه خودش روح دارد و باید مقداری درباره آن بیشتر صحبت کنیم.

بیانیه‌سندی است که اگر بخواهیم با اسناد معاصر مقایسه‌اش کنیم، باید به «سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» اشاره کنیم که حضرت آقا پارسال آن را در معرض نقد عموم، خیرگان و نخبگان قرار دادند و گفتند این را بررسی کنید. هنگام مقایسه بیانیه گام دوم با آن نوشتار، گویا یک سند مرده را با سندی زنده مقایسه می‌کنیم؛ یعنی بیانیه گام دوم خودش روح دارد؛ یک روح امید، انگیزه و حرکت که در بسیاری از اسناد کشور مفقود است؛ یعنی اسناد ما مرده متولد

بحث ما درباره خانواده و زنان با نگاهی به بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری است. ان شاء الله مطالبی که مورد بحث قرار می‌گیرد، مفید باشد. در آغاز تصویری کلی از چالش‌های قابل پیش‌بینی در این حوزه که در گام دوم پیش روی ما خواهد بود، ارائه می‌دهیم. در گام دوم به تبیین این چالش‌ها و در گام بعد، با رویکرد سیاست‌گذارانه، به اقدامات، راهبردها و راهکارهای مدنظر خواهیم پرداخت.

باتوجه به روند وضعیت حوزه زنان و خانواده در سال‌های پیشین و وضعیت موجود و با نگاهی آینده‌پژوهانه، چالش‌های این حوزه در چهار دسته قابل تقسیم است؛ چالش‌های علمی، چالش‌های اعتقادی و ارزشی، چالش‌های ساختاری و مدیریتی و چالش‌های فناورانه و ابزاری. در یک نگاه مقارنه‌ای، می‌توانیم قرینه هر کدام از این چالش‌ها را در بیانیه گام دوم پیدا کنیم؛ یعنی تأکیدی که مقام معظم رهبری بر محورهای مورد بحث ما کرده‌اند؛ مانند بحث‌های ضعف معنویت و اخلاق، ترویج سبک زندگی غربی، مسائل و مشکلات اقتصادی، رسانه و مسئله پژوهش.

در یک دسته‌بندی کلی چالش‌های این حوزه به دو بخش چالش‌های درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند؛ مسائل اعتقادی، علمی و ارزشی و اندیشه‌ای جنبه درونی و مسائل ساختاری، مدیریتی و فناوری جنبه بیرونی دارند. بحث ما صرفاً توصیفی نخواهد بود، بلکه می‌خواهیم واقع‌نگرانه، علمی و مصداقی به مسائل نگاه کرده و با این دید به علت‌یابی چالش‌های کنونی و پیش رو بپردازیم.

در یک تحلیل علمی، می‌توانیم محورهای زیادی را در بحث چالش‌ها ذکر کنیم. برخی از محورهای ساختاری و مدیریتی است؛ مانند نحوه برخورد دولت‌ها با مسائل و مشکلات حوزه زنان و خانواده، نحوه حمایت از آن‌ها و شیوه‌های نظارتی و کنترلی که از جمله بحث‌هایی است که به مسئولیت‌های حاکمیتی برمی‌گردد. این‌ها بخشی از مشکلات و چالش‌هاست که بررسی و پیگیری آن‌ها نگاه مدیریتی می‌طلبد.

بخشی از مسائل و مشکلات این حوزه جنبه نظری دارند و به کارهای پژوهشی و دانشگاهی نزدیک‌تر هستند و اگر بخواهیم راهکارهایی برای حل مسائل ارائه بشود، باتوجه به ظرفیت‌هایمان در این حوزه، نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری داریم. در حوزه‌های علمی و اعتقادی مشکلات بیشتری اتفاق می‌افتد و نیز در دو حوزه دیگر، نیاز به پشتیبانی علمی و پژوهشی وجود دارد. پژوهشی که در آن بیانیه بر آن تأکید شده است، برای خیلی از چالش‌هایی که ما در

می‌شوند. خیلی زحمت برای آن‌ها کشیده می‌شود، ولی آن برانگیزانندگی یک سند آینده‌نگرو آن ایجاد انگیزه و حرکت در آن نیست. این‌ها روح ندارند و نمی‌توانند ایجاد حرکت کنند؛ یعنی کسی که این اسناد را می‌خواند، برای حرکت در آن جهت برانگیخته نمی‌شود و این از تفاوت‌های جدی بیانیه گام دوم با سایر اسناد است.

ویژگی دیگر بیانیه گام دوم، اجازه گشودن فصلی جدید در تمدن اسلامی، پس از نظام سازی، یعنی ورود به مرحله تمدن سازی است؛ در نتیجه اجازه ساختار شکنی در برخی حوزه‌ها و ایجاد ساختارهای جدید با تکیه بر همان مبانی و ارزش‌ها را می‌دهد که با نگاه نسل جدید و با درک واقعیت‌های نسل جدید همراه است و از کلیدواژه‌های آینده، امید، انگیزه، حرکت و جوانی لبریز است.

این بیانیه تاثیر خودش را خواهد داشت. شاید هر فرد، خودش بتواند وارد گام دوم بشود؛ البته نه به صورت تام و تمام و قاعدتا باید افراد جامعه یا امت هم‌راستا حرکت کنند، ولی ابلاغ این بیانیه به عموم است و نه به دولت و این خیلی فرق دارد؛ به ویژه در جامعه ساختارزده ما که همیشه منتظر است که دولت اقدامی بکند و قانونی بیاید تا کارها سامان بگیرد؛ گرچه آن‌ها به جای خود باید باشند، اما در واقع فضا تغییر کرده و بیانیه به عموم مردم ابلاغ شده است؛ گرچه بیانیه می‌تواند بین کسانی که می‌خواهند وارد گام دوم بشوند، منشا انسجام ساختاری شود و نیز مبنای تصویرسازی آینده، انتخاب مدیران، سیاست‌گذاری، تولید علم و شاخص ارزیابی برای آینده ما شود، ولی فی‌نفسه برش فردی هم دارد. برش حکومتی هم دارد؛ یعنی حکومت هم اگر بخواهد وارد بحث‌های تمدن سازی و گام دومی شود و از روزمرگی‌های خودش یک پله فاصله بگیرد، می‌تواند برداشت خودش را از این بیانیه داشته باشد. اگر ساختارهای دولتی مقید به این تمدن سازی باشند، معیارهای اخلاقی و معنوی و درک جبهه مخالف را به معنای تقابل آن به آن جهان اسلام و کفر داشته باشند، می‌توانند برای عموم مردم زمینه سازی کنند که وارد این بحث بشوند. این را به اختصار می‌گویم و اگر فرصت شد، حتما شواهدی از فرازهای بیانیه می‌آورم تا مشخص شود آنچه بیان کردم، صرفاً تحلیل خودم نبوده است.

در یک خوانش زنانه یا جنسیتی از بیانیه گام دوم متوجه می‌شویم، ویژگی خاص بیانیه این است که جنسیت زده نیست و مانند ادبیات قرآنی با مردم صحبت می‌کند و همه مردان و زنان مخاطب آن هستند. شاید سلیقه خیلی از ما این بود که بیانیه مباحث را تفکیک می‌کرد و می‌گفت، مثلاً بحث‌های سبک زندگی و اخلاق معنویت بیشتر به خانم‌ها مرتبط است و مباحث اقتصادی، علمی و فناوری مربوط به آقایان است؛ اما این‌گونه نیست و بیانیه برای عموم جامعه مومنان و امت مسلمان ایران صادر شده است و در واقع اجازه داده شده تا افراد و گروه‌ها با ویژگی‌ها، استعدادها و توانمندی‌های مختلف، خود را در همه فرازهای بیانیه بینند و پیدا کنند. بیانیه جنسیت زده نیست، به این معنا که اسناد جهانی هنوز به این پایه نرسیده‌اند. در عقب ماندگی جهان غرب در این قضیه همین بس که اعلامیه

حقوق بشر فرانسه، یکی از دستاوردهای بزرگ حقوق بشری در دنیاست؛ اعلامیه‌ای که زنانی سرشان را زیر گیوتین از دست دادند، چون گفتند، این اعلامیه حقوق بشر مردان است. در این اعلامیه دقیقاً تصریح شده که این حقوق برای مردان فرانسوی است و زنان مجبور شدند، بچنگند و تحرکات فمینیستی را شروع کنند، چون اسمی از آن‌ها در این اعلامیه نبود؛ اما اکنون از آن سوی بام افتاده‌ایم و در همه اسناد جهانی، حتی اسنادی که درباره آب یا محیط زیست تنظیم می‌شود، یک قسمت برجسته می‌شود که حتماً برابری جنسیتی از یادمان نرود و انگار وصله‌ای ناجور است که آن را به همه اسناد می‌چسبانیم.

بیانیه گام دوم فراجنسیتی نوشته شده و خیلی فراتر از آن است که بخواهیم بگوییم، ای کاش یک پاراگراف ویژه زنان در آن وجود داشت و اساساً نه تنها در این بیانیه، بلکه در طرح اندیشه اسلامی در مباحث دیگر، گرچه به کارویژه جنسیتی زن و مرد، به خصوص در خانواده و جامعه اشاره و تاکید شده و قطعاً هم این مسئله باید مدنظر باشد، ولی وجه جنسیتی زن، بخشی از شخصیت او دانسته شده است. زن قبل از هر چیز یک انسان است. زن طراز نظام اسلامی، یک مومن و یک انقلابی است؛ یک انسان که می‌خواهد در راستای این آرمان‌ها گام بردارد؛ او آرمان دارد و برای تعالی خود، خانواده، جامعه، تمدن، بشر و تحقق منتهی‌الیه آرمانی تاریخ بشر گام برمی‌دارد و وجه جنسیتی او هم در این بین سهمی دارد. گاهی ممکن است که این وجه جنسیتی، نقش‌ها و اولویت‌هایش را جابه‌جا کند، اما این بخشی از قضیه است؛ ولی ما در ادبیات عمومی در مورد زن، هم در غرب و هم در ادبیات این طرف و نیز جامعه دین‌داران، اغراقی در جنسیت زده کردن می‌بینیم. شواهد این مسئله را در جامعه می‌بینیم. شما اظهار نظرهای دین‌داران را ببینید؛ جایی که صحبت آن‌ها در مورد زن به عفاف و حجاب نرسد، چند درصد است؟ خیلی ناچیز است و حتماً وجه جنسی و جنسیتی زن غلبه دارد. متأسفانه این نوع نگاه، برآمده از آن روی سکه تمدن غرب است که وجه جنسی زن با تبرج بیرونی آن غلبه پیدا کرده و نیز اینکه بگوییم ما در دین اسلام کمبودی نداریم و اگر مردی بخواهد تنوع طلبی و هوس بازی کند، راه دارد و ما راه شرعی برایش داریم و این را عمومیت بدهیم، بازی کردن در آن زمین است؛ چون الان به‌زعم برخی، جامعه به سمت انقلاب جنسی در حرکت است؛ اما اینکه ما بیاییم و مثلاً انقلابی این‌چنینی ایجاد کنیم، این بازی کردن در زمین غرب و دوروی یک سکه است و صحنه گذاشتن بر این اعتقاد است که وجه جنسی زن بر بقیه وجوه انسانی او غلبه قاطع دارد. ما همیشه در این بازی زمین خورده‌ایم و بازنده بوده‌ایم و خواهیم بود. در جامعه غرب به زن به عنوان یک ابژه جنسی نگاه می‌شود که در تبلیغات رسانه، ابزار فروش کالا است. در این طرف هم به زن به عنوان ابژه جنسی نگاه می‌شود، ولی یک ابژه‌ای که خیلی خوب و کاملاً پوشیده است که باید در خانه بنشیند و ابژه جنسی بودن خودش را بیرون بریزد؛ انگار زن وجه دیگری ندارد.

عبور از این جنسیت زدگی و جنسی زدگی است که در جامعه تغییر ایجاد



از کنوانسیون حقوق زنان، در منشور حقوق تکالیف در نظر گرفته ایم. ما با چنین ادبیاتی با جامعه بین الملل روبه رو می شویم. آن‌ها نیز به ما می گویند که حرف‌های شما منطقی است، ولی گروه قبلی شما، در دور قبل اجلاس می گفتند، به ما راهکارهایی یاد بدهید که با آن‌ها دولتمان را متقاعد کنیم تا به کنوانسیون پیوندند. در واقع بین ادبیات ما و عموم جامعه جهانی تقابل وجود دارد. این تشتت ادبیات در مواجهه با جامعه جهانی، بازنمایی بیرونی نظام اسلامی در بحث زنان را بسیار تضعیف می کند و این عدم ثبات یک مشکل جدی است. شاید سیاست‌های کلی نظام در حوزه زنان باید تدوین شود تا تکالیف همه روشن بشود که این سیاست یک سیاست زیربنایی است و نباید در دست به دست شدن قدرت بین جناح‌ها تغییر کند و در مورد آن سطحی نگری شود، بلکه باید با مسائل این حوزه، آرمانی و عمیق برخورد کرد تا گامی به جلو برداشته شود.

بحث دیگر، بحث منابع انسانی و استفاده صحیح از آن‌ها است. حضرت آقا در بیانیه اشاره می کنند که نیروی انسانی، هم مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور است و هم اینکه از بیشترین ظرفیت استفاده نشده است. من اعتقاد دارم که در حوزه زنان بیش از دیگر حوزه‌ها از این ظرفیت استفاده نشده است و این گونه نیست که ما تصور کنیم اگر مسائل و حساسیت‌های حوزه زنان را به سطح جامعه و مباحث تمدنی نیاوریم، زنان ما زنان بهتری می شوند و بهتر و بیشتر به بچه‌هایشان می‌رسند؛ زنی که با نگاه تمدنی به زندگی نمی‌نگرد و امکان ندارد که حتی یک شبانه‌روز کامل در خانه باشد، مادر و همسر نسل تمدن ساز نخواهد شد؛ یعنی امکان ندارد که بتواند در آن جایگاه قرار بگیرد؛ پس باید این بصیرت، این بینش، این آگاهی، این خودآگاهی و معرفت را در عموم جامعه زنان تسری داد و تنها به این قانع نشویم که جامعه سنتی مادران دو نسل قبل، نقش خود را بهتر انجام می‌دادند. این بازخوانی باید با ویژگی‌های نسل جدید و با همین شرایط زندگی تعریف شود؛ مثلاً شما در داستان‌ها و رمان‌های منتسب به این ادبیات و در فیلم‌های معدود که با نگاه این طرفی ساخته می‌شود، هنوز نمادهای سنتی چون چادر گل‌دار مادر بزرگ را می‌بینید که حتی یک پله جلو نیامده و به‌روز نشده است. کسی نماد طراز نظام اسلامی را برای جوانان، به‌روز تعریف نکرده است؛ چون مثلاً می‌ترسیم که اگر زنان زیاد تحصیل کنند، بیشتر در جامعه حضور پیدا کنند و این تبدیل به آسیب شود؛ در حالی که غافل از آن هستیم که زندگی زنانه، خصوصاً در دنیای امروز اقتضائاتی جدید دارد و بالاخره امکانات فناوری، کارهای سنتی زنان و زمانی را که برای کار فیزیکی می‌گذاشتند، کاهش داده و آن‌ها اوقات فراغت زیادی دارند و دائم حواسشان را از جامعه پرت می‌کنیم که قطعا وقت و انرژی آن‌ها صرف موضوعات کم‌ارزش‌تری می‌شود و آن مادری که باید بشوند، نخواهند شد. مادری که دائم بالای سر بچه است و به او ایراد می‌گیرد و در پی اصلاح اوست، یک موجود کاملاً نامتعادل و به هم ریخته باری می‌آورد. این مادر چنان بر تک‌فرزندش متمرکز می‌شود که چیزی از او نمی‌ماند.

می‌کند. تا وقتی همه ما اسیر این نوع نگاه باشیم و بخواهیم این گفتمان را با نگاه اسلامی بازتولید کنیم، به سمت قهقرا می‌رویم و جریانی ایجاد می‌شود که ازدواج مجدد را ترویج می‌کند. بله؛ ازدواج مجدد بخشی از پازل حل مسائل جنسی جامعه در اسلام است؛ اما نه اینکه آن را رواج دهیم و بگوییم جامعه آرمانی باید لبریز از ازدواج مجدد باشد. این‌ها نگاه‌های با پارادایم جنسیت زده و جنسی زده است.

بیانیه گام دوم از این نگاه مبرا است و در نتیجه، این نوع نگاه آن را خاص می‌کند. اتفاقاً همین مبرابودن از این نگاه باعث می‌شود، بتوانیم در عمق لایه‌های استعاری قضیه تغییر ایجاد کنیم و در نتیجه، تغییر اساسی در جامعه ایجاد شود و اصلاً زمین بازی تغییر کند. در جامعه جنسیت زده و جنسی زده، تنها زنان نیستند که صدمه می‌بینند و مردان هم به شدت آسیب می‌بینند. ما جامعه مسلمانانی داریم که در آن بخش عمده‌ای از آقایان حتی اگر وارد تمتعات خارج از چارچوب خانواده نشده باشند، - که خیلی‌هایشان شده‌اند- وسواس، دغدغه و عقده جنسی، بخش عمده‌ای از شبانه‌روز این‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. این ادبیات به کل آسیب‌زا است و باید از آن فاصله گرفت.

ما می‌توانیم در قسمت‌های مختلف برش جنسی بزنیم؛ مثلاً بیانیه می‌خواهد عیوب ساختاری را بیان کند و در این زمینه بحث وابستگی، عدم ثبات سیاست‌ها و دولتی بودن را مطرح می‌کند. اگر بخواهم در این باب خوانش متناسب با حوزه زنان داشته باشم، باید عرض کنم که چالش بسیار جدی ما به شدت چالش جدی ما در مباحث حوزه زنان این است که باید درون‌زا یا بیرون‌زا و منفعل باشیم. نگاه بیرون‌زا، یعنی برای تئوریزه کردن و اشاعه مباحث، صرفاً از اسناد جهانی و غربی مدد بگیریم که برخی این‌گونه‌اند و فقط انفعال نشان می‌دهند. اینکه زمین گفتگوی جدید و درون‌زا نسبت به قضیه باز کنیم، خود یک داستان جدی است. یکی از آسیب‌های بسیار جدی ما در حوزه زنان این است که گویا نظام اسلامی تکلیف خودش را با این حوزه نمی‌داند. نزدیک انتخابات که می‌شود، افراد و جناح‌ها اوج برمی‌دارند که رای بیشتری از خانم‌ها به سوی صندوق‌ها بیاید. اخیراً جناح‌ها و افراد با وعده وزارت به زنان یا وعده گفت‌وگو در حوزه زنان، باهم رقابت می‌کنند و بعد که روی کار می‌آیند، اعتبار و اولویتی که موضوعات حوزه زنان دارد، در کف مباحث قرار می‌گیرد. برخورد با موضوعات حوزه زنان، مثل مسائل جناحی و سیاسی سردستی و شامل سیاسی بازی شده است که هر هشت سال یک بار زیر و رو می‌شود؛ یعنی مثلاً یکی مشارکت اجتماعی را مدینه فاضله زنان می‌داند و دیگری معتقد به حذف مشارکت اجتماعی و حضور زن در اجتماع است.

ما در گام اول انقلاب، در سیاست‌گذاری نظام اسلامی تعادل نداشته‌ایم. مواجهه با موضوعات زنان در سطح بین‌الملل خودش را بد نشان می‌دهد و ما می‌رویم با ادبیات اغنایی جهانی صحبت می‌کنیم که مثلاً اگر به فلان کنوانسیون نمی‌پیوندیم، به این دلیل است که ما مسائل حوزه زنان را فراتر

چالش‌ها و ظرفیت‌های حوزه در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

ارائه‌کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین پارسانیا

حجت الاسلام محمد حسن زمانی

جامع‌ترین اندیشه‌های اسلام سیاسی در آن جا رقم خورده است از ظرفیت‌های زیادی برخوردار است با این حال توجه به ناکامی‌های نهضت‌های اسلامی مصر در تاریخ از اهمیت زیادی برخوردار است.

بخش بعدی ترویج است. برای ترویج مفاد بیانیه به گونه‌های مختلف می‌توان اقدام کرد به عنوان نمونه مقاله‌نویسی و حضور در فضای مجازی یکی از این راهکارهاست. پیشنهاد دیگر من در بخش ترویج، این است که اساتید و دانشجویان متخصص به صورت قدرتمند در حوزه بیانیه گام دوم و در موضوعات متعدّد در صداوسیما به عنوان کارشناس حضور پیدا کنند و نسبت به توضیح آن اقدام کنند.

راهکارهای اجرای بیانیه گام دوم انقلاب

اما مسئله‌ای که از هر دو مهم‌تر است، مسئله اجرا است. در حوزه اجرا، به دو صورت می‌توان اقدام کرد؛ نوع اول سهم کارهایی است که اجرای آن در اختیار طلبه‌ها و حوزویان و دانشجویان است مانند بخش‌هایی که به عنوان پژوهش و دانش قابل ارائه هستند. اما بخشی که به عهده ما نیست، ما مجری آن نیستیم، وزارت علوم و دانشگاه‌های دیگر مجری آن هستند، البته نسبت به آن‌ها نباید بی‌تفاوت باشیم. و در این خصوص آنچه از دست ما برمی‌آید، تهیه پیشنهادهایی برای سایر دستگاه‌ها است تا این‌که در اجرای آن موفق باشند. به عنوان نمونه اجرای اقتصاد مقاومتی به عهده ما نیست چراکه مربوط به سایر دستگاه‌های دولتی است با این حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا حوزه‌های علمیه، یا دانشگاه باقرالعلوم هیچ سهمی در تبیین اقتصاد مقاومتی که در بخش اقتصاد این بیانیه به آن تأکید شده است ندارند و نباید هیچ برنامه‌ای در این زمینه داشته باشند! یا این‌که وزارتخانه‌های مربوطه نتوانستند به نحو مطلوب آن را اجرا کنند آیا جایز است که ما سکوت کنیم؟! ظاهراً چنین نیست، چونکه ما در بخش اقتصاد مقاومتی از ظرفیت‌های بالقوه‌ای برخورداریم که نباید آن را نادیده گرفت. پس بنابراین در بخش اجرا ما دو سهم می‌توانیم داشته باشیم، برخی که در اختیار ما است و ما باید انجام بدهیم و بعضی‌هایش هم در اختیار نهادهای دیگر است. این نسبت به رسالت کلی است که ما داریم. من مطالبی را یادداشت کرده بودم.

پارسانیا: از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فرهنگی و تمدنی است چراکه انقلاب یک نقطه عطفی را در تاریخ معاصر بشری ایجاد کرده است. هم‌چنین قطب‌های جهانی جغرافیای انسانی و سیاسی را عوض کرد و جهان دو قطبی را به چالش کشاند. انقلاب اسلامی ایران در ابتدا با آمدن خود یک جهان سه‌قطبی را ایجاد کرد و بعد از این‌که یکی از این قطب‌ها مضمحل شد اسلام به عنوان قطب دوم جهانی و مبدأ مختصات برای ترسیم جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به دنیا معرفی شد.

امروزه دیگری جهان غرب و جهان مدرن، جهان اسلام است. البته در این رقابت آن‌ها سعی می‌کنند در حوزه‌های مختلف فرهنگی، تاریخی و... خود صورت این دیگری را ترسیم کنند به نحوی که جلوی نفوذ این دیگری را بگیرند. با این حال این نظام پویا و مرزهایش درون فرهنگ و زندگی مردم است. امروزه اسلام دین دوم

زمانی: در خصوص ساختار بیانیه گام دوم، دوستان مستحضر هستند که از مقام معظم رهبری نقل شده است که فرمودند: «من برای تدوین این بیانیه وقت گذاشتم». سخن رهبر انقلاب بدین معناست که این بیانیه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است به گونه‌ای که به نظر بنده سرنوشت آینده این انقلاب در گرو تبیین، ترویج و اجرای صحیح این بیانیه است در واقع حوزویان، دانشگاهیان و نخبگان یک جامعه موظف هستند با برنامه‌ریزی دقیق راه را برای اجرای هرچه بهتر آن فراهم کنند چون این قشر از جامعه سهم زیادی در تبیین، ترویج و تحقق این بیانیه بر عهده دارند.

در خصوص نحوه اجرای بیانیه پیشنهاد مشخص من این است که فهرستی از موضوعات را که قابل تصویب به عنوان پایان‌نامه باشد استخراج کرده و در اختیار دانشجویان قرار دهیم که هر کدام را دوست دارند از آن‌ها انتخاب کرده و برای تدوین پایان‌نامه اقدام کنند.

راهکار دوم ارائه آن به صورت تحقیقات درسی است، البته آقای دکتر مریچی می‌توانند در این خصوص در دانشکده خودشان به اساتید اعلام کنند و از آن‌ها بخواهند در تحقیقات درسی خودشان متناسب با این موضوعات در هر ترم از دانشجویان تحقیق لازم را ارائه کنند.

تعدادی از این تحقیقات اگر اساتید هم کمک کنند تبدیل به مقالاتی برای مجله‌ها و فضای فرهنگی کشور ما می‌شود. یعنی دانشگاه فرهنگیان هم‌راه باید درباره بیانیه گام دوم، مقالاتی که حاصل تحقیقات درسی دانشجویان محترم است ارائه بدهند. به عنوان نمونه در این خصوص می‌توان یک مقاله نوشت و در آن انقلاب اسلامی ایران را با نهضت‌های اسلامی گذشته تاریخ ایران مقایسه کرد. مثلاً سال ۲۴ چه شد، ۲۳ چه شد، نهضت ملی نفت چه شد، نهضت مشروطه چه شد، میرزا کوچک خان جنگلی چه شد تا این‌که به نهضت سربداران برسید. یا این‌که با نهضت‌های اسلامی دیگر کشورها مانند مصر مقایسه کنید. مثلاً تاکنون چندین نهضت در مصرا اتفاق افتاده است یا این‌که جریان بیداری اسلامی که اخیراً شکل گرفت چرا ناکام شدند. همان‌طور که می‌دانید نهضت‌های قبلی که در مصر ایجاد شده بود، زمانی که نظام پادشاهی در مصر راسرنگون کردند و جمهوری را به جایش گذاشتند، یک نهضت اسلامی بود اما بعداً یک جریان سوسیالیسم شکل می‌گیرد و به واسطه آن جمال عبدالناصر یک مرتبه به یک طرف تفکر جریان سوسیالیستی هدایت می‌شود که این امر منجر می‌شود به اعدام سید قطب. پس در این خصوص لازم است مقایسه شود مصری که به عنوان قوی‌ترین کشور اسلامی از نظر علمی مطرح است و بهترین و



بدون یک نگاه جهانی اصلاً ممکن نیست چراکه اصولاً مصائب و نقاط قوتی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

کسی که بخواهد انقلاب اسلامی ایران را در چارچوب مرزهای ایران و کشمکش‌های داخلی درون خود ایران ببیند، اصلاً جواب نمی‌دهد چراکه ما در ایران با طیف‌ها و گروه‌های مختلفی روبه‌رو هستیم و این گروه‌ها و جناح‌بندی‌ها نیز بدون یک نگاه جهانی تعیین پیدا نمی‌کنند. در واقع بدون این ارتباطات و بازنمایی که این گروه‌ها نسبت به مسائل سطح جهانی و بدون فعالیت و احساس رقابتی که با قدرت‌های جهانی می‌کنند شناسایی آنان امکان‌پذیر نیست. برای این کار باید تأملی در نظریه‌های اجتماعی موجود داشته باشیم؛ برخی از این نظریه‌ها عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی یا فرهنگی و اجتماعی را برجسته می‌کنند. مثلاً رویکردهای کلاسیک مارکسیستی که نسبت به اقتصاد وجود دارد،

یک سری نظریه‌ها معتقد هستند که مسائل یک منطقه بدون ارتباطات جهانی قابل تحلیل نیست و اگر یک جاهایی قابل تحلیل باشد بدون شک پدیده‌ای مثل انقلاب اسلامی ایران در آن دخیل نیست. حالا چگونه تحلیل شود در سطح مناسبات سیاسی جهانی می‌توان آن را تحلیل کرد؛ مانند آنچه والراشتاین در یک ابعاد جهانی می‌بیند. باید عرض کنم اگر این پدیده ماهیت فرهنگی-تمدنی داشته باشد، عنصر موقوم آن عنصر فرهنگی آن است.

ظرفیت‌های انقلاب اسلامی

ظرفیت‌های این انقلاب گرچه از ایران برخاست، اما متعلق به جهان اسلام است. البته تشیع در این جا با عقبه نظری و خصوصیتاتی که دارد توانست چهار دهه تداوم پیدا کند که نقطه قوتی برای نظام محسوب می‌شود. از طرف دیگر ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی و تمدنی انقلاب که یک خصوصیت جاذبه‌دار و انسانی و فطری برای بشریت امروز به ارمغان دارد، در رقابت با ارزش‌های رقیب فرهنگی و تمدنی، نقطه قوتی مضاعف محسوب می‌شود که برای تصرف سنگرهای کلیدی جهان، در ابعاد ارزشی، معنوی، معرفتی نقش بسزایی دارد. اما اگر نگاهی به تاریخ حکومت‌ها در مبارزه با هویت فرهنگی یک جامعه داشته باشیم، حکومت پهلوی تنها قدرتی است که با زور داخلی به وجود نیامد بلکه ناشی از شبکه قدرتی بود که از چند قرن قبل در ایران حضور داشت و بین خود قدرت را جابه‌جا می‌کردند. این شبکه قدرت نقش مهمی برای از بین بردن هویت فرهنگی یک ملت داشتند و در زمان به حکومت رسیدن رضاخان نیز به صورت عینی و ملموس ظهور کرد. در واقع قدرت رضاخان به خاطر جایگاه جغرافیایی نبود بلکه حکومتی مانند انگلستان تصمیم می‌گیرد که او را به قدرت برساند برای از بین بردن ریشه‌های قدرت تاریخی درون ایران، تا زمینه هر نوع قدرت و هر نوع فرهنگی را که می‌تواند درون خودش قدرتی را ایجاد کند مانند حوزه‌ها گرفته شود. البته مبارزه با فرهنگی که در متن خودش زمینه حضور در قدرت را می‌دید یک بار در زمان نادرشاه و آن هم از ناحیه قدرت سیاسی داخلی انجام شد که نتیجه آن خشکاندن ریشه اقتصادی این فرهنگ یعنی وقف بود. همان‌طور که می‌دانید حوزه‌ها برمدار وقف سازمان یافتند، پس مبارزه با این نهاد و حذف آن موجب می‌شود که تشیع و آموزه‌های آن نتواند دوباره سر برآورد و به عنوان یک

کشورهای اروپایی است. با این خصوصیت که دین‌زنده و پرتحرک است. امروزه رسانه به صورتی خاص خیلی از مرزها و تکنولوژی ارتباطی را در هم ریخته است. هم آن‌ها این جا حضور دارند و هم ما آن جا حضور داریم. تنها یک فرصت برای ما نیست، یک فرصت برای آن طرف هم است. نگاه کردن به این که انقلاب اسلامی ایرانی یک انقلاب فرهنگی و تمدنی است، نکته مهمی برای تحلیل یک واقعیت عینی است. در واقع انقلاب تدوین واقعیت تکوینی زندگی امروزی بشری است. خیزش مجدد این انقلاب در واقع نقطه عطفی است از بین همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های مضمحل شده و تحلیل رفته‌ای که جهان غرب تمام این‌ها را تسهیل کرده است. همان‌طور که مستحضر هستید جهان دوقطبی قبل از انقلاب اسلامی ایران، واقعاً جهان دوقطبی نبود، اما جهان دوقطبی امروز واقعاً دو قطب فرهنگی و تمدنی است. البته قبل از این که ما این حرف‌ها را مطرح کنیم ۲۰ سال پیش، یعنی در حدود ۲۰ سالگی انقلاب، غربی‌ها و یا سازمان ملل آغاز هزاره سوم را به بحث فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اختصاص دادند و قبل از آن تئوری برخورد تمدن‌ها را هانتینگتون به عنوان یک تئوری پرداز رسمی آمریکایی و با استفاده از ظرفیت‌های آکادمیک و رسمی نظام آکادمیک غربی تئوریزه و مطرح کرد. البته قبل از تئوری هانتینگتون و بعد از این که غربی‌ها و آمریکایی‌ها فکری کردند با فروپاشی بلوک شرق نظم نوین جهانی دیگر مستقر شده است و تاریخ به پایانه خود رسیده است تا فلر تئوری خود را مطرح کرد. اگر تئوری او را بخوانید متوجه می‌شوید که او از چه ظرفیت‌هایی استفاده کرد و چه کسانی امکاناتش را به او دادند تا این تئوری را ارائه دهد. او یک تئوری پرداز برای رسمیت بخشیدن به چیزی بود که از نظر آن‌ها تحقق یافته بود. اما در واقع مسئله این گونه نبود چراکه آن‌ها ابتدا خیزش فرهنگی و تمدنی انقلاب را احساس نمی‌کردند. این یک حرکت تمدنی و فرهنگی بود و کانون خیزش این حرکت نیز حوزه‌های علمی بود.

حوزه؛ علت محدثه انقلاب اسلامی ایران

حوزه به عنوان علت محدثه انقلاب اسلامی ایران که نقش مهمی در بقا و تداوم آن نیز دارد تا حد زیادی با نقش حساس و کلیدی خود توانسته است کشور را در مقابل آسیب‌های بیگانگان حفظ کند. همان‌طور که می‌دانید آسیبی که در صد سال اخیر جهان غرب به جهان اسلام وارد کرده بود و به بقیه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز سرایت کرد در ایران موجب شد حوزه‌های نظام تعلیم و تربیت تاریخی منزوی و سپس حذف شود و به جای آن نظام تربیتی و علمی جدید که در حاشیه نیازهای کشورهای غربی سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی شده بود جایگزین نظام قبلی شد. البته اگر غرب نیامده بود این پرسش که چه می‌شدیم یک بحث دیگری است. اما با ظهور انقلاب اسلامی ایران و ظرفیتی که این انقلاب از اسلام داشت، قدرت سیاسی حاکم که حدود ۷۰ سال نهادسازی شده بود به یک باره فرو ریخت و سازمان‌های جدید با بهره‌گیری از الگوی اسلام ایجاد شدند.

امادراین چهل سال چگونه انقلاب به ترمیم نهاد‌های مربوط به خودش پرداخت و دوام آورد باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک حرکت فرهنگی و تمدنی، نه به عنوان یک آرمان باید تئوری‌های مربوط به خود را، از این خیزش شروع کند و به شفاف کردن و پخش و توسعه آن بپردازد. البته تحلیل این پدیده

قدرت رقیب حضور یابد. اما در دوران جدید که قدرت اروپایی به عنوان رقیب حوزه‌های علمیه مطرح می‌شود تشیع با استفاده از ظرفیت انقلابی و میراث عقلی چند هزارساله خود در کنار حوزه متمرکز شود که یکی از نقاط قوت آن محسوب می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران نیز که در این مواجهه، عالم جدیدی را که رقم زده بود، نیازهای نوین را برای حوزه به وجود آورد. انقلاب از دل حوزه برخاست، اما به یک باره با پرسش‌ها و نیازهای نوینی در درون خود ایران، در سطح جهان اسلام بلکه در سطح جامعه بشری درهایی را گشود. به نظر می‌رسد که این ولیده فعال شدن میراث معرفتی جهان اسلام یعنی حوزه یک نتیجه‌ای بود که می‌توانست در نخستین گام آن والد خود را نابود کند. یعنی نیروهای انسانی به یک باره در قبال مجموعه عظیمی از نیازهای جامعه در سطح مدیریت اجتماعی حضور به هم برسانند و هم باید پاسخگوی پرسش‌های جدیدی باشند.

شما اگر به تاریخ عراق نگاهی بیندازید می‌بینید وقتی که امپراتوری عثمانی مضمحل می‌شود انگلستان در عراق مسلط می‌شود، در این دوران یک مرجع شیعی تمام افتخارش این است که وقتی این نماینده دولت انگلستان وارد مجلس می‌شود مجلس را به گونه‌ای ترتیب دهد که جلوی پای وی نایستد، این رفتار به عنوان یک کارگزار دولت حاکم نهایت شأنی است که یک مرجع شیعی می‌تواند داشته باشد، البته منظور من از بیان این مطلب این است که این‌ها نه مسئولیت اجتماعی داشتند، نه در آن سطح‌ها حضور جدی داشتند و نه میدان این طور مسائل بود. اما در انقلاب اسلامی مرجعی مانند امام به مثابه یک واقعیت تاریخی می‌گوید آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند! خب این سخن جسارت و شجاعت عظیمی را به دنبال دارد، هم چنین نیازهایی را می‌طلبد که حوزه باید پاسخگو باشد.

به نظر من واقعاً دوام حوزه در چهار دهه بعد از انقلاب به نظرم به معجزه شبیه‌تر است و کارهایی که حوزویان در این مقطع کردند با آسیب‌هایی که این‌ها را تهدید می‌کرد، در قبال انبوه نیازهایی که آمد و می‌آید خیلی عقب است، اما در قبال کارهایی که در دهه‌ها و سده‌های قبل می‌شود قابل مقایسه نیست؛ برای نمونه حضور طلاب در عرصه جنگ تحمیلی با تمام مشکلاتی که این قشر از جامعه با آن برخوردار هستند، در نوع خود بی‌نظیر و قابل توجه است.

مدل جدیدی از آسیب‌ها ما را تهدید می‌کند

همان طور که مستحضر هستید نوع مسائلی که امروزه با آن مواجه هستیم با نوع مسائل قبل از انقلاب یا دهه اول انقلاب یکی نیست تا این که مقایسه‌ای بین آن‌ها داشته باشیم. قبل از انقلاب مسائل حوزه‌های ما در معرض این گونه پرسش‌ها یا نیازها و توقعات نبود و همین که در معرض توقعات جدیدی قرار گرفتیم و مدل جدیدی از آسیب‌ها ما را تهدید می‌کند، نشانه این است که راه زیادی را طی کرده‌ایم که باید مورد توجه قرار گیرد.

اقتضای هر مقطعی مسائل مربوط به خودش است. کسانی که در نسل قبل زندگی می‌کردند بازحتمی که متحمل شدند توانستند از برخی از مشکلات عبور کنند، ما هم در موقعیت خودمان باید زحمت خودمان بکشیم تا از این مقطع عبور کنیم. مشکلاتی که در زمان حضرت امام بود بسیار حساس بود به گونه‌ای که یک خطای

حادثه و تصمیم‌گیری ممکن بود همه چیز را از بین ببرد. البته الآن هم خیلی چیزها همین‌گونه است. منتها نوع، سطح و محدوده آن فرق می‌کند، لذا این که شما بیان می‌کنید سرمایه اجتماعی مثلاً چه شد، اصلاً وضعیت اسلام و مسلمانان امروز و مسائلشان با مسائل آن موقع قابل قیاس نیست، البته در این حوزه ابزارهای جدیدی به وجود آمده است و دارد به وجود می‌آید که باید مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه مثلاً پیامبر (ص) در دورانی که در مکه و مدینه است یا علی بن ابی طالب علیه السلام در آن موقعی که بعد از رحلت رسول خدا اوج زمان غربت است تا آن وقتی که خلیفه مسلمین است مسائلی که ایجاد می‌شود فرق می‌کند. من فکر می‌کنم ما الآن در یک چنین شرایطی هستیم. به عنوان نمونه حوادثی که امروزه در تهران گذشت جدای از آنچه در لبنان و مصر گذشت، نیست چرا که دشمن با یک برنامه‌ریزی منسجم آن راهبری کرده است.

- به هر حال هر مرحله‌ای آفت‌های مربوط به خودش را هم دارد، اما نقاط قوت آن را نباید نادیده گرفت به عنوان نمونه وقتی که پیامبر سال هشتم و نهم در مدینه بود دارای وضعیت بهتری بود یا این که بیست سال قبل در مکه زندگی می‌کرد؟ همان طور که در سوره توبه آمده است پیامبر در مدینه با منافقین روبرو بود و آن‌ها نیز زیر پوشش اسلام به فعالیت خرابکارانه خود ادامه می‌دادند، در واقع این قدرت و اقتدار غلبه اسلام در عرصه فرهنگ است که دشمن باید زیر پوشش این‌ها کار کند.

در جهان امروز نیز صحنه بازی آمریکا و بلوک غرب یک صحنه جدیدی است. صحنه قبل ذیل پوشش مفاهیم دینی و در قالب داعش در مقابل اسلام ایستادند. اما الآن ذیل پوشش NGOها و حرکت‌های مردمی توطئه می‌کنند. این یک صحنه و معرکه جدیدی است. البته متناسب با این معرکه ما برنامه‌ریزی‌های مربوط به خودمان را داشته باشیم. اما در خصوص این مطلب که انقلاب، توانست نظام سیاسی را در عقب راندن این حرکت تمدنی و فرهنگی به هم بزند. باید عرض کنم که مشکل گروه مخالف داخلی مان این است که اصلاً تحلیل تمدنی از حرکت ندارند. یعنی نوعاً فن سالارهای ما بدین شکل هستند که توسعه را در چهارچوب مفاهیم مدرن می‌بینند، و اصلاً در سیاست خارجی آن‌ها توجه به امت اسلامی هیچ اولییتی وجود ندارد.

در خصوص استفاده از طلاب در امر آموزش و پرورش باید عرض کنم که سهم حوزه در این امر باید مورد توجه قرار گیرد. حالا به هر حال اگر این یک سیاست است که شورای عالی انقلاب فرهنگی این را تصویب می‌کند و این اساس نامه به عنوان یک سیاست آموزشی در حوزه آموزش شروع می‌شود و رؤسای سه قوه در آن جا حضور دارند، باید سازمان برنامه، و بخش‌های دیگر، همه در ذیل این سیاست بسیج شوند و بودجه آموزش عالی بر اساس این سیاست بسته شود. هم چنین آموزش عالی حق ندارد که سهمیه‌ها را برای سایر دانشگاه‌ها قرار دهد. البته مشکلاتی نیز در اینجا وجود دارد به عنوان نمونه مطرح شده است چنانچه دانشگاه فرهنگیان نمی‌تواند خودش نیروی متخصص دینی تربیت کند، باید از دانشگاه‌ها یا حوزه تأمین کند، ولی با این حال هنوز در حوزه برنامه‌ریزی لازم در این زمینه انجام نشده است و تعامل لازم بین حوزه و آموزش و پرورش به سطح مطلوب خود نرسیده است.



چالش‌ها و ظرفیت‌های دانشگاه در گام دوم

ارائه کنندگان:

دکتر علیرضا زاکانی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد حسین هاشمیان

باشد. جامعه اسلامی (نظام امت و امامت) نسبتش با مسئولان و کنشگران و دولتمردان یک نسبت مشخص و معینی است، در خصوص مردم هم این پیوستگی باید در جامعه نقش ببندد و ایفای نقش کند. مردم‌سالاری جامعه اسلامی باید نمود عینی داشته باشد، وقتی صحبت از مردم‌سالاری می‌شود، سلسله‌ای از حقوق مردم است که عینیت یافته و متجلی شده است. در این صورت، جامعه شفاف می‌شود؛ به طوری که مردم همه چیز را می‌دانند؛ مگر آن چیزی که سوءاستفاده کنند. آن‌ها در همه امور جامعه مشارکت می‌کنند؛ در واقع، برای مردمی شدن اقتصاد باید کار را به خودشان سپرد. دولت نظام اسلامی نیز یک دولت چابک، فکور، پاسخ‌گو و شفاف است، نه یک دولت تنبل مصرف‌کننده. پس باید مردم را تقویت کنند تا توانمند شوند. در مردم‌سالاری دینی حق انتخاب مردم تبدیل به قدرت انتخاب می‌شود؛ برای مثال، اگر فردی صد تومان پول در جیب داشته باشد، میان کالای صد تومانی، دویست تومانی، پانصد تومانی و هزار تومانی فقط حق انتخاب دارد و قدرتی ندارد.

بحث بعدی حق نظارت است. در جامعه مردم‌سالاری دینی این حق نظارت پذیرفته شده است. مردم باید بر همه امور نظارت داشته باشند، چه با واسطه و چه بی‌واسطه. پس از آن، حق بازخواست است؛ یعنی در مردم‌سالاری دینی مردم مسئولان را بازخواست می‌کنند. به آن‌ها امر و نهی می‌کنند. در برابرشان می‌ایستند و حرفشان را می‌زنند. مسئولان هم حرف آن‌ها را گوش می‌دهند و می‌پذیرند.

سبک زندگی اسلامی از دیگر ابعاد جامعه دینی است؛ یعنی در جامعه اسلامی روابط و نوع زندگی مبتنی بر ظرفیت‌های دینی و اعتقادی است؛ در واقع، سبک زندگی اسلامی سبب تحقق تمدن اسلامی می‌شود.

دانشگاه به مثابه کارخانه آدم‌سازی در خدمت اهداف عالی بیانیه باشد علم و علم‌آموزی در بیانیه گام دوم قابلیت و قدرت و عزتی است که ملت و فرد را قدرتمند و عزیز خواهد کرد. پس دانشگاه را نیز باید در خدمت این اهداف عالی بیانیه گام دوم قرار داد. دانشگاه یک کارخانه انسان‌سازی است که مسئول تربیت‌نیروی کارآمد جامعه است.

چهار نگرش برای دانشگاه

- هاشمیان: چهار رویکرد متفاوت را می‌توان درباره دانشگاه داشت که در

- زاکانی: بیانیه گام دوم منشور و چارچوبی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است. در اهداف بیانیه جامعه اسلامی باید برای جهان الگو شود تا تمدن اسلامی شکل بگیرد. سه عامل پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران، اسلام، رهبری و مردم هستند. هم‌چنین مقام معظم رهبری سیر تکاملی انقلاب اسلامی را پنج دوره انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بیان کردند که مقدمات ظهور را فراهم خواهند کرد. پس گام اول استخراج نظریات بنیادی و کاربردی با کاوش و اجتهاد است تا گوهر دین نمایان شود. استخراج این بنیان با حوزه است، با کسی که اسلام‌شناس است و می‌تواند با رویکرد فقهی، فراتر از حوزه فردی برای دولت‌سازی و جامعه‌سازی و یک فقه حاکمیتی پیش برود و نظامی را تشکیل دهد که در عرصه‌های اجتماعی پاسخ‌گوی بشر باشد. پس از نظریه‌سازی حوزه، دانشگاه در حوزه‌های کاربردی به یاری حوزه می‌آید؛ در حقیقت، گام دوم با تلفیق ظرفیت‌های حوزه و دانشگاه امکانی را برای استخراج نظریات بنیادی و کاربردی فراهم می‌کند. براساس نظریات کاربردی و بنیانی، نظام‌سازی نوین در عرصه‌های مختلف رسانه، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و خانواده ایجاد می‌شود که سلسله نظام‌های جدیدی را در جامعه شکل می‌دهد؛ نظام‌هایی که از دین و ظرفیت‌های دین گرفته شده است. گام سوم، تحول در عرصه قانون‌گذاری کشور است. حوزه و دانشگاه برای تحقق بیانیه گام دوم باید بکوشند قوانین برخاسته از ارزش‌های دینی استخراج شود. گام چهارم ساختارهاست. گام پنجم تأمین ساختارها، گام ششم بحث رویه‌ها و آیین‌نامه‌ها و گام هفتم برنامه‌هاست. پس از این هفت گام باید چارچوب دولت اسلامی ایجاد شود تا بتواند خدماتی ارائه بدهد. اگر این اتفاق‌ها رخ داد و نسبت این کارگزار با رهبری جامعه و مردم نسبتی منطقی بود؛ به طوری که در جهت باورمندی به تحقق مردم‌سالاری دینی و تبعیت از رهبری حرکت خودش را تنظیم کرد و مسیر هفت‌گانه را طی نمود، دولت اسلامی محقق می‌شود.

تحقق جامعه الگو، هدف دوم بیانیه

هدف دوم بیانیه، تحقق جامعه الگو و اسلامی است. جامعه اسلامی پس از دولت اسلامی شکل می‌گیرد؛ البته می‌توان همراه با مرحله قبلی این مرحله را نیز داشت و هم‌زمان پیش رفت، اما اگر بخواهد مرحله بعد موفق بشود، باید مرحله قبل خودش را به عنوان مقوم و شروع‌کننده و لوکوموتیو داشته

حال حاضر شاید کشور ایران بیشتر به رویکرد اول نزدیک باشد. چهار رویکرد عبارتند از:

۱. دانشگاه به مثابه اداره (noitartsinimda)؛

۲. دانشگاه به مثابه سازمان (noitazinagro)؛

۳. دانشگاه به مثابه نهاد (noitutsni)؛

۴. دانشگاه به مثابه تمدن ساز فرانهاد.

هریک از این‌ها کارکردی به دانشگاه می‌بخشد و از عناصر مقوم دانشگاه است؛ عناصر مقوم دانشگاه، یعنی استاد، دانشجو، رشته‌ها، هدف و فلسفه وجودی. هر یک از چهار رویکرد با نگاه خاصی به این‌ها می‌نگرد. وقتی دانشگاه اداره شد، استاد، دانشجو، کارمندان و تمام ارکان و عناصر خود را با آن هماهنگ می‌کنند. تفکر اداری حاکم می‌شود؛ تفکری در یک چارچوب روزمره و شاید تاریخی. رویه‌هایی وضع می‌شود که برخی بروکراتیک است. پول نفت این رویکرد را ایجاد می‌کند که اداره‌ای به نام دانشگاه داشته باشیم. در این صورت، هیأت علمی حقوق ویژه‌ای می‌گیرد. دانشجویان نیز فارغ از مهارت و دانش باید مدرکی بگیرند که بتوانند وارد بازار کار شوند.

در رویکرد سازمانی (رویکرد دوم)، دانشگاه به مثابه سازمان است. پس در این رویکرد، تفکر اقتصادی در صدد است خودش منابع مالی را تأمین کند و به بودجه دولتی وابسته نیست؛ در واقع، دانشگاه سراغ رشته‌های کاربردی می‌رود و مدرک‌گرایی را کنار می‌زند. هدف در این رویکرد تربیت نیروی بامهارت و سرشار از علم برای ورود به بازار کار است. رویکرد نهادی سومین رویکرد است؛ رویکردی که در آن، پاسخ‌گویی اجتماعی در کنار تفکر اقتصادی قرار می‌گیرد. هم‌چنین در صدد پاسخ‌گویی به جامعه، مردم و حتی حاکمیت است.

در رویکرد چهارم دانشگاه باید خودش جامعه‌ساز و دولت‌ساز شود. در این رویکرد، دانشگاه تمدن‌ساز است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم برای رویکرد تأکید دارند. برای رسیدن به چنین جایگاهی باید آسیب‌شناسی کرد و در نظام طبقه‌بندی به تمدن‌سازی توجه کرد.



بررسی مدیریت جهادی در سازمان های فرهنگی

ارائه کننده:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا پیروزمند

دکتر پیروزمند: الگوی مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم آمده است. آرمان گرایی و واقع بینی نیز در بیانیه با هم جمع شده است. به عبارتی، رهبری موارد متضادی مثل آرمان گرایی و واقع بینی، توکل و تفکر، آسیب شناسی و امید آفرینی را با هم جمع کردند که سبکی جدید در تحلیل مسائل است؛ نگاهی به گذشته و راهبرد آینده. بیانیه گام دوم سندی قوی و عصاره دانش و تجربه ایشان در رهبری انقلاب است؛ از این رو، مهم است. درباره رابطه مراکز فرهنگی با بیانیه گفته می شود بخشی از بیانیه به طور مستقیم فرهنگی است. پس جهت گیری فرهنگی، چه مستقیم و چه غیرمستقیم باید به گونه ای باشد که تمدن نوین اسلامی را ایجاد کند؛ یعنی سازمان های فرهنگی نیز مسئولیت دارند و مخاطب تحریک آفرینی در گام دوم محسوب می شوند.

نظام انقلابی، مکمل مدیریت جهادی

دلیل کنار هم آمدن دو واژه «جهادی» و «انقلابی» علاوه بر این که رهبری کنار هم قرار داده اند، تشابه معنایی این دو واژه با یکدیگر نیز است که به نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند. هم چنین نشان می دهد که بر کل بیانیه رویکرد فرهنگی حاکم است و این فرهنگ جهادی و انقلابی گام دوم، رکن اساسی پیش برنده حرکت آینده خواهد بود. لذا رهبری استمرار و تقویت باور و رفتار جهادی را سبب جلوگیری از بن بست می دانند. به اعتقاد ایشان مدیریت جهادی از ایمان اسلامی گرفته شده است.

امام نیز گام اول را با مدیریت جهادی برداشت که توانست توفیق پیدا کند و به رکود و خموشی دچار نشود. نظریه نظام انقلابی رهبر معظم انقلاب مکمل بحث مدیریت جهادی است. کلید واژه های عبارت ایشان عبارتند از: آرمان های انقلابی، انقلابیون اسلامی، حسنه ای برای مدیران جهادی و با اخلاص جبهه های گوناگون اردوهای جهادی و بسیج سازندگی. در برابر ایران اسلامی و انقلابی احساس ناتوانی کردن، یعنی روحیه انقلابی، دشمن را تضعیف می کند. اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی نبود، بسیاری از مشکلات کنونی نیز پیش نمی آمد. ایشان در زمینه راهکارها، مدیران جوان، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار می برند. هم چنین به جوانان توصیه می کنند نقطه عطف حرکت آینده همت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی است. در بحث علم و فناوری از جوانان می خواهند شتاب علمی داشته باشند و این مسیر را با احساس مسئولیت بیشتر هم چون یک جهاد در پیش گیرند. در بحث اخلاق و معنویت نیز شعور معنوی و وجدان اخلاقی را بی نیاز از جهاد و تلاش نمی دانند. از نظر ایشان این مبارزه به انسان های با ایمان و جهادگرنیاز دارد. در ادامه بخش هایی از

مظاهر عزت جمهوری اسلامی را شجاعت و حکمت مدیران جهادی بیان می کنند. پس ایشان موفقیت های گذشته را بر محور این کلید واژه تحلیل می کنند و حرکت آینده را نیز ترسیم می نمایند.

- قوامی: مدیریت جهادی در نقش مدیریت چهار محور دارد:

۱. نظم؛ از مبانی مدیریت یا وظایف اصلی است؛ مثل سازماندهی، برنامه ریزی، نظارت و هماهنگی.
۲. رشد؛ مدیریت منابع انسانی عهده دار آن است و چهار بُعد گزینش اصلح، توانمندسازی، نظام جبران و ارزیابی دارد.
۳. انگیزش؛ عمدتاً بر رهبری، اصلاح رفتار، مدیریت تعارض و ارتباطات مبتنی است. به طور معمول مدیریت رفتار سازمانی عهده دار آن است.
۴. معنویت؛ مدیریت فرهنگ سازمانی معنویت را ایجاد می کند؛ معنویتی که مبتنی بر شناخت فرهنگ موجود و مطلوب است و راه های وصل وضع موجود به تحول و وضع مطلوب را شناسایی می کند. مدیریت جهادی در همین دیدگاه است؛ یعنی جهاد، فرهنگی است؛ از این رو، مدیریت جهادی در بحث ساختار مسائل مدیریت و ساختار حضوری در مدیریت فرهنگی سازمانی در نظر گرفته می شود که فرهنگ جهادی است. جهاد نیز ریشه در معارف عمیقی دارد. از نظر لغوی از «جهاد» و به معنای تلاش و مشقت حداکثری است. در اصطلاح فقهی نیز به معنای «بذل النفس و المال و الوسع لاطلاع کلمه الاسلام» است؛ یعنی مجاهد بخشنده است. دو نوع جهاد داریم؛ جهاد اصغر و اکبر. جهاد اصغر، جهاد نظامی است، اما جهاد اکبر به معنای مدیریت تدبیر نفس و ایستادگی در مقابل دشمنان است. مدیریت جهادی از نوع جهاد اکبر است؛ یعنی مایه ها و سازه ها و ساختارش اصولاً فرهنگی، آگاهی بخش و جهت دهنده است. برای مدیریت جهادی بهتر باید ابتدا بینش ها و سپس ارزش ها را حل کرد. به عبارتی، سبک مدیریتی هر کسی مبتنی بر ارزش هایی است که به آن ها اعتقاد دارد؛ این ارزش ها باید خدایی و برگرفته از آیات و روایات ائمه باشد. مقام معظم رهبری فرمودند: «یک ساختار هم باید پرورش پیدا بکند؛ مثل یک موجود زنده، پایه های قوی، ارزش های نیرومند و رفتارهای صحیح و عقلانی داشته باشد». این مدل سه وجهی مدیریت جهادی می شود.

الگوها و مدل‌های ساماندهی حوزه‌های فرهنگی در گام دوم

ارائه کننده:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد حسین نواب

بر سینمای کارآمد و روزآمد تأکید شد، زیرا سینما بدون کارکردش معنا ندارد، سینمایی که نتواند در حل آسیب‌های اجتماعی کمکی کند، هفت درصد هم زیادش است. امروز آسیب‌های اجتماعی مسئله اصلی کشور است. دغدغه‌گرانی رهبری است. ایشان در این زمینه فرمودند: «الان چه کسی جرئت دارد به سینماگران ما بگوید برادر عزیزی که جایزه فجرگرفتی، سیمغ گرفتی، سال دیگر یک فیلم بساز که مسئله طلاق یک درصد کمتر بشود، چه کسی جرئت دارد بگوید؟» حقوق و تکالیف هنرمند در برابر جمهوری اسلامی ایران مشخص نشده است. وقتی دولت جمهوری اسلامی در اوج مشکلات بودجه‌ای صد میلیارد تومان را به سالن‌های سینما اختصاص می‌دهد و هفتصد میلیارد تومان سالن می‌سازد، یعنی هنرمند و سینما در برابر آسیب‌های اجتماعی مسئول است. اگر دولت جمهوری اسلامی در شهری مثل بهبهان سینما نسازد؛ یعنی سینماگر فیلمش در بهبهان دیده نمی‌شود تا فروخته شود. امروزه به هیچ سینماگری نمی‌شود گفت شما درباره حاشیه نشینی و اعتیاد چه خواهی کرد، زیرا خود را سفارش ساز نمی‌دانند. به دلیل نبودن نظام فلسفی سینما را تهدید می‌دانند، نه فرصت. وقتی فرصت شد به حل آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند. باید در چهل سال دوم تهدید را به فرصت تبدیل کرد و تبلیغ دین و شیعه از وظایف سینما شود. گام سوم بازآفرینی است. پس از شناختن نظام فلسفی و برنامه‌ریزی، سینمایی مطابق نیازهای ایران چهل ساله دوم ساخته شود؛ یعنی سینما طوری شود که اوقاف سرمایه‌گذار سینما شود. اگر سینما وظیفه تبلیغ دین و شیعه را برعهده بگیرد، اداره اوقاف نیز جرئت می‌کند پول وقفی را در راه تبلیغ دین هزینه کند. باید بازآفرینی شود تا حوزه علمیه یا اداره اوقاف بتواند تهیه‌کننده بخشی از فیلم‌های کشور شود.

-نواب: چهل سال اول انقلاب بازخوانی سینما بود. اگر عمر ۲۱ ساله سینما بازخوانی، بازشناسی و بازآفرینی شود، می‌تواند «گفتمان انقلاب اسلامی معتقد» باشد و چهل سال دوم را همراهی کند. اگر سینما کارکرد نداشته باشد، یک تفریح و سرگرمی است و ارزش ندارد درباره‌اش صحبت شود. سینما نیز مثل ابزارهای دیگر هنری و رشته‌های هنری ارزش ذاتی دارد، ولی این باعث نمی‌شود از کارکردهایش غفلت شود. هنری‌ها معتقدند سینما خودش ارزش دارد. درست است، اما سینما ذاتاً ایدئولوژیک است و نمی‌تواند از آن جدا شود، یا از جمهوری اسلامی حرف می‌زند و یا آمریکا؛ برای مثال، فیلم هالیوودی جوکر بدون ایدئولوژی غرب نیست. آیا قوطی سرم خالی را می‌توان وصل کرد؟ باید یک چیزی در آن باشد. اطلاعات میدانی درست و بدون غلطی از صحنه اتفاقات سینمای ایران در دست نیست؛ همان‌طور که داوری مان نسبت به سینمای فیلم فارسی قبل از انقلاب بی‌طرفانه نیست. سینما با هفت درصد مردم ایران ارتباط دارد. پس ارزش دارد جلسه‌ها تشکیل شود. از لحاظ فلسفی هم سینما را نشناختند. نظام فلسفه هنری منسجمی از فارابی، ابن سینا، صدر و سهروردی استخراج نشده است که سینما هم در آن جا بگیرد و براساس آن داوری بشود. پس باید سینما را شناخت، بازخوانی کرد، آمارش را به دست آورد و مباحث فلسفی و نظام‌های فلسفی اسلامی را درست کرد. چرا سینما باید سازمان داشته باشد؟ آیا یک اداره کل کافی نبود؟ نظام فلسفی مستقری درباره سینما نداریم تا گام‌ها در آن مشخص باشد. هم‌چنین درباره سینمای جهان نیز اطلاعاتی در دست نیست. هنوز سینمای هالیوود، کره، هند و دیگر کشورها را نشناختیم. اطلاعاتمان دانسته‌های دقیقی نیست؛ فردی بیان می‌کند هالیوود را برای مخالفت با اسلام ساختند و دیگری می‌گوید سرباز فرهنگ آمریکاست. اطلاعات کلی است و جزئیاتش را نمی‌دانیم. داوری پدیدارشناسانه بی‌طرفی نشد.

گام دوم بازشناسی است، برای داشتن سینمای به‌روز و کارآمد باید دو کلیدواژه اصلی بازشناسی شود. باید سینمای اخلاقی، انسانی و دینی طراحی شود؛ سینمایی که در منطقه مهم باشد و جایگاه جهانی‌اش را حفظ کرده باشد. سینما فقط فیلم نیست، بلکه نهادی است که باید قدرتمند شود. هنوز نویسنده درجه یکی نداریم که بتواند درام و اسلام را خوب بشناسد و خارج از ایران کار کند، برای غربی‌ها و شرقی‌ها بنویسد. بازشناسی، یعنی برای همه سینما طراحی کاملی بشود. اگر مرحله اول بازخوانی اطلاعات دقیقی به دست بیاید و نظام فلسفی درست طراحی شده باشد، اطلاعات در نظام فلسفی صحیح ریخته می‌شود که خروجی‌اش سینمای جمهوری اسلامی ایران در چهل ساله دوم می‌شود. چهل ساله سوم نیز متفاوت است.



گرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی بررسی موقعیت تمدنی ایران در دوران معاصر با تکیه بر بیانیه گام دوم

ارائه کننده:

دکتر سید حسین فلاحزاده

-فلاح زاده: پس از روی کار آمدن پهلوی در سال ۱۹۹۲ و هم زمان با کودتای رضاخان، راهبرد رژیم پهلوی در مبارزه با چالشی که با غرب داریم، غلتیدن به سمت غرب است؛ یعنی در دوره پهلوی با غش کردن به سمت غرب و بازکردن آغوش به روی غرب و توجه به مسائل مدرن و نیز مدرنیزاسیون افراطی (نه مدرن شدن علمی و عمیق) روبه رو هستیم. به عبارت دیگر، یک صورت غربی گرفتن و تظاهر به غرب کردن اقدامی است که برای مواجهه با این چالش تمدنی در این روزگار اتخاذ شده است؛ البته موانعی هم وجود دارد. مهم ترین مانع، همان استبداد رژیم پهلوی و وابستگی به غرب است که اجازه نمی دهد بتواند این چالش را پر کند. با وجود بعضی اقدامات که در حوزه های آموزشی و نظام آموزشی جدید و دانشگاه ها انجام گرفت، با توجه به خودباختگی فرهنگی رژیم پهلوی و دین زدایی که در این دوره اتفاق افتاد و ستیز با سنت و فرهنگ، آغوش خودش را به روی هویت جدید باز کرد و میراث هویتی ما را خط زد. وابستگی رژیم به امریکا و غربی ها به هیچ وجه چالش تمدنی ما را پر نکرد و هم چنان این وضعیت تداوم پیدا کرد تا به دوره انقلاب اسلامی رسیدیم. انقلاب در قبال آن چالش تمدنی و ضعف و خطاهای رژیم پهلوی صورت گرفت.

تلاش های مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای برون رفت از چالش با تمدن غرب

پرسش این است: انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی با این چالش چه کرد؟ آیا چالش ما با غرب که در تاریخ معاصر آغاز شد، هم چنان تداوم دارد یا به پایان رسیده است؟ پاسخ بنده این است که هر چند به مدد انقلاب و نظام بخش هایی از این چالش درمان و پر شده، اما این چالش هم چنان تداوم دارد؛ یعنی وضعیتی که در اوایل دوره قاجار برای ما ایجاد شد، هم چنان وجود دارد. چون هم چنان غرب حضور تمدنی دارد و سیطره خودش را در این چهار عرصه ای که من عرض کردم - در عرصه فرهنگی و هویتی، سیاسی و نظامی، علمی و تکنولوژی و در عرصه اقتصادی و اجتماعی - اعمال می کند، به خصوص با پدید آمدن ابزارهای جدید مثل اینترنت و موبایل و ماهواره ها این سلطه هم چنان قوی است. ممکن است بگوییم غرب مقداری و در جاهایی دچار تزلزل شده است، اما هم چنان مسلط است و به لحاظ تمدنی سیطره خودش را حفظ می کند و ما هم چنان در وضعیت چالش تمدنی که از دوره قاجار برای ما آغاز شد، هستیم. انقلاب اسلامی تلاش کرد که ما را از این چالش برهاند. در عرصه های مهمی موفق بود و نمی توان گفت که ما با ناکامی مطلق روبه رو بودیم، بلکه در عرصه هایی توانستیم از این چالش بیرون

بیاییم. اما به این معنا نیست که ما از این وضعیت خروج کامل کردیم. ادعای اصلی انقلاب، انقلاب فرهنگی بود؛ ما با هویت اقتصادی یا سیاسی انقلاب نکرديم، بلکه یک انقلاب دینی و مذهبی بود و توانستیم هویت بخشی کنیم. به عبارت دیگر، با آوردن دوباره دین به عرصه اجتماع توانستیم هویت بخشی کنیم و تا حدودی خودمان را در مقابل تهاجم فرهنگی غرب و هویت غرب حفظ کنیم، اما بدان معنا نیست که ما از این مرحله کاملاً عبور کردیم. شما می بینید که در چند سال اخیر، وضعیت شهر قم و مذهب و حجاب و حفظ سنت تغییر زیادی کرده است. الان چهل سال از انقلاب می گذرد و ما انتظار داشتیم فرهنگی که انقلاب احیا کرد، تثبیت شده باشد، ولی این گونه نیست؛ یعنی هم چنان تهدید فرهنگی و تهدید هویتی غرب وجود دارد و اگر ما نتوانیم راهبردهای دقیقی در قبال این ها اخذ و اتخاذ کنیم، مشکل آفرین خواهد بود. به نظر من نهادهای فرهنگی ما با وجود تلاش گسترده ای که داشتند، ضعف هایی داشتند و در بخش هویتی هم چنان بخشی از این چالش وجود دارد و گاهی خودش را نشان می دهد. بنابراین باید تجدید نظرهایی در عرصه فرهنگ و نهادهای فرهنگی و راهبردهای فرهنگی و متصدیان امور فرهنگی باید داشته باشیم تا حداقل در عرصه فرهنگی بتوانیم خودمان را حفظ کنیم و بهتر با این چالش ستیز کنیم. انقلاب به بحث علمی و تکنولوژی حداقل در سال های اخیر توجه بیشتری کرده است. سازمان های دانش بنیان نقطه قوت مهمی هستند تا بتوانند ما را از چالش علمی با غرب نجات دهند. ولی به دلیل فشارهایی که در غرب است، محدودیت های علمی که برای ما ایجاد می کنند، دسترسی ما را به رشته های مهم علمی قطع می کنند و اجازه ورود دانشجویان ما به رشته های مهم را نمی دهند، باعث می شود این مانع هم چنان وجود داشته باشد و به نظر من هنوز هم چالش علمی و تکنولوژی با غرب تا حدودی باقی است. گرچه ما در حوزه هایی مثل حوزه های تکنولوژی نظامی راهبردها و روش هایی اتخاذ کردیم و تا حدودی از این مرحله عبور کردیم، ولی در عرصه هایی هنوز صنعت ما وابسته است و هنوز عبور نکردیم و بخشی از چالش هم چنان باقی است.

مهم ترین موفقیت ما در این مبارزه و رفع چالش، در عرصه سیاسی نظامی بوده که چون این بعد را بیشتر تأکید کردیم، در این بعد موفق تر بودیم و توانستیم استقلال خودمان را تأمین کنیم و حتی دفاعی از هویت سیاسی و امنیتی جهان اسلام هم در مقابل غرب داشته باشیم. اما این به معنای پایان بحران هویتی سیاسی نظامی نیست، بلکه این چالش هم چنان هست، چون طرف مقابل ما هنوز زنده و فعال است و تلاش های خودش را انجام می دهد. به نظر من بخشی از چالش اقتصادی و اجتماعی هم چنان باقی است.

است که ما با آن مواجه شدیم، ما با یک مسئله مدرن روبه‌رو شدیم؛ امروزه هم شما می‌بینید که ما در تصمیم‌گیری هنوز ماندم که چه کار کنیم. این یک بعد کوچک از چالش فرهنگی است که در عرصه‌های دیگر هم به نظر من هم چنان وجود دارد و امیدواریم بتوانیم با راهبردهای دقیق‌تر و سیاست‌ها و تاکتیک‌های جدی و عمل‌قوی‌تر تلاش نهادهای فرهنگی حداقل در عرصه فرهنگی بتوانیم بهتر با این چالش بزرگ تمدنی همه‌جانبه روبه‌رو شویم و از آن عبور کنیم.

یکی از دلایل این است که ما مسئله اقتصاد را جدی نگرفتیم و بیشتر بر بُعد سیاسی و نظامی تأکید کردیم. امروزه می‌فهمیم بخشی از قدرت به دانش و اقتصاد برمی‌گردد و اگر ما نتوانیم این بخش‌ها را ترمیم کنیم، چالش ما با غرب هم چنان برقرار خواهد بود. ان شاء الله راهکارهایی که در حوزه اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود و نیز تلاش‌هایی که در عرصه تولید ملی صورت می‌گیرد، بتواند تا حدودی ما را از این چالش اقتصادی هم برباند.

موانع پیش‌رو برای برون‌رفت از چالش با تمدن غرب

خلاصه سخن این‌که با افول تمدن اسلامی در قرن هفتم و افول تمدن صفوی در قرن ۳۱ و از طرفی برآمدن تمدن غرب و سیطره بر جهان که نه تنها ما، بلکه دنیای اسلام و بلکه حتی مشرق‌زمین را دچار چالش کرد، ما در تاریخ معاصر با یک چالش همه‌جانبه در ابعاد مختلف سیاسی امنیتی، علمی تکنولوژی، فرهنگی هویتی و اقتصادی اجتماعی روبه‌رو شدیم. در دوره قاجار تلاش‌هایی برای برون‌رفت از این چالش صورت گرفت، در دوره پهلوی رویکرد اتخاذ شده غش‌کردن به سمت غرب و مدرنیزاسیون افراطی بود که مقداری ما را به سمت یک ظاهرسازی تمدنی سوق داد، اما دردی را دوا نکرد، بلکه بیشتر ما را به سمت غرب سوق داد و سیطره غرب را بیشتر کرد و هویت غرب را بیشتر در ایران دامن زد. انقلاب اسلامی برای مقابله با این مسئله پدید آمد؛ یعنی مهم‌ترین رسالت انقلاب اسلامی، عبور دادن ما از این چالش است و انقلاب با این هدف در جامعه ما شکل گرفت.

انقلاب در بخش‌های مهمی موفق بوده، اما هم چنان چالش باقی است و بیشتر عبور ما در عرصه سیاسی و نظامی بوده، اما در عرصه علمی و تکنولوژی و حتی در عرصه فرهنگی که ما ادعا داشتیم، هم چنان ضربه می‌خوریم و این چالش باقی است. در عرصه اقتصادی هم این وضعیت وجود دارد و اگر فکر جدی نکنیم و مسئله اقتصاد را جدی نگیریم، این جا هم این چالش هم چنان باقی خواهد بود. ان شاء الله که بتوانیم با اتخاذ راهبردهای دقیق‌تر و بهتر از این چالش عبور کنیم. البته موانعی هم داشتیم، مانند فشارهای شدیدی که بر ما وارد کردند یا اختلافات در دنیای اسلام که بنیان‌افکن است. به عبارت دیگر، مسئله وحدت در دنیای اسلام چندان به سرانجامی نرسید و ما نهایتاً اتحادمان با دنیای شیعه است، نه با بقیه کشورها. درگیری ما با دنیای اهل سنت، هزینه‌هایی بر ما تحمیل می‌کند و انرژی ما را می‌گیرد. این‌ها موانعی بوده که با آن روبه‌رو بودیم. مانع دیگر این است که جناح‌های ما راهبردهای متفاوتی با این چالش اتخاذ کردند. ما مقداری دعوای راهبردی داریم که حالا چه کار کنیم و چطور از این چالش بیرون بیاییم! این هم مسئله مهمی است. مرحوم دکتر شهیدی سخنران جلسه معارفه وزیر ارشاد آن زمان بود. پس از پایان سخنرانی ایشان، عده‌ای دست زدند و عده‌ای صلوات فرستادند. ایشان به پشت تریبون برگشتند و گفتند یکی از مسائلی که وزیر ارشاد باید حل کند، این است که تکلیف مردم را مشخص کند که کف بزنند یا صلوات بفرستند. این همان مسئله چالشی



کرسی ترویجی نقش انقلاب اسلامی در هویت بخشی به تمدن اسلامی

ارائه کنندگان:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مجید احمدی کچایی

بود و در بدترین شرایط به سر می بردیم، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی، اما توجه به دال برتر (اسلام، قرآن و اهل بیت) سبب شد که بتوانیم در این جنگ موفق شویم.

۶. نفوذ در منطقه: انقلاب اسلامی ایران در مناطق وسیعی از جهان نفوذ پیدا کرده، بدون این که ریالی در آن جا خرج کرده باشد، زیرا تمدن اسلام برگرفته از قرآن و اهل بیت و تام و تمام و اثرگذار است، بدون آن که از سخت افزار استفاده کند. فرق تمدن غرب با اسلام این است که تمدن غرب برای اعتلاش از منابع و افراد بسیاری استفاده کرد. گفته شده که ده ها میلیون نفر از بردگان سیاه را از آفریقا به آمریکا کشاندند یا مثلاً انگلساسکون ها، آن ها را به انگلستان کشاندند و توانستند آفریقا را غارت کنند تا کشورهای خودشان را آباد کنند، هندوستان را غارت کنند تا کشور خودشان را آباد کنند، اما تمدن اسلام این گونه نیست. ظلم ستیزی، اصلاح و آبادانی را برای همه می خواهد. ارائه تصویری همانند مالزی یا ترکیه از ایران تصور غلطی است. ما به دنبال ایجاد تمدنی از نوع تمدن ترکیه یا مالزی نیستیم. برای این که عمدتاً این کشورها نگاه سخت افزاری به تمدن دارند و تمدن را در ساخت و ساز و پیشرفت تکنولوژی می دانند که این بخشی از تمدن اسلامی است و همه آن نیست، بلکه انقلاب اسلامی به دنبال تحول در همه اندیشه ها و تکنیک هاست.

احمدی کچایی: انقلابی اسلامی دستاوردهای زیادی داشته است که برخی از این دستاوردها عبارتند از:

۱. ایجاد عزت و توجه به خدا: مفاهیم آیاتی مانند «إِنَّا لَعَزَّةٌ لِّهِمْ جَمِيعًا» یا «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» و امثال این آیات، در انقلاب اسلامی کاملاً مشاهده شد. حداقل در برهه هایی مشاهده شد و در برخی افراد کاملاً آشکار بود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ابریاوسی که ما به غرب داشتیم، در هم شکست؛ یعنی الان خودباوری را در توده وسیعی از جامعه داریم که ما هم می توانیم در بسیاری از مسایل پیشرفت کنیم و نیازی نداریم که دیگران برای ما بیندیشند. وحدت کلمه و توجه به ظرفیت های درونی.

۳. توجه به تعالی: تعالی بیشتر شد تا ترقی. تفاوت تمدن اسلام و غرب همین است که صرفاً سخت افزارها نباید درست و وطنی شود، خیابان ها نباید فقط درست شود؛ ولو این که حتی وطنی باشد. باید ببینید که در ورای این به دنبال چه هستید؟ ما می خواهیم خیابان را داشته باشیم، خودمان بسازیم، جوانان خودمان بسازند، اما بعد می خواهیم در این خیابان ها چکار کنیم. می خواهیم ساختمان خوب داشته باشیم، می خواهیم دانشگاه خوب داشته باشیم، می خواهیم صنعت و کشاورزی خوب داشته باشیم، ولی می خواهیم بعد از این ها چکار کنیم؟ از این جا بحث تعالی مطرح می شود و در این فضایی که شکل خواهد گرفت، بحث تعبد به خداوند رحمان و رحیم طرح می شود.

۴. گسترش علم: در این چهل سال اخیر با وجود همه مشکلاتی که بوده، علم گسترش بسیاری کرده است. جنگ تحمیلی نزدیک به ده سال وقت مملکت را گرفت. هشت سال خود جنگ بود، قبل از جنگ هم بحث خلق ترکمن، پان عربیست ها در خوزستان و بسیاری از مناقشات داخلی قبل از آن را داشتیم، درگیری هایی در نظام بوده است. پس از آن نیز با تحریم ها مواجه هستیم، اما پیشرفت علوم در کشور واقعاً حیرت آور است؛ مثلاً پیشرفت علم تاریخ عصر ما در مقایسه با ۲۰ سال پیش حیرت آور است. کتاب ها، مقالات و مجله های علمی - پژوهشی یا علمی - تخصصی بسیاری منتشر می شود.

۵. دفاع مقدس و حفظ هویت و استقلال و تمامیت ارضی: در این ۴۰ سال جنگی علیه ایران تحمیل نشد، مگر این که ایران بخشی از قلمرو خودش را از دست داد، آن هم در زمانی که توازن قوا میان ما و دیگران بوده است. آقا محمد خان قاجار روسیه را به ستوه آورده بود؛ یعنی بخش وسیعی از خاک روسیه شامل گرجستان و اطراف را نابود کرد، اما در دوره فتحعلی شاه حدود یک سوم کشور از دست رفت. اصلاً نمی توانید این را با جنگ ایران و عراق مقایسه کنید، چون جنگ ایران با عراق نبود، با حدود بیش از ۳۰ کشور دیگر



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیجا کا دو انقلاب و تمدن نوین اسلامی

معرفی کتب همایش





چاپ ۶ مجلد از آثار علمی همایش ملی بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی

آثار علمی این همایش با ۸۰ مقاله علمی، پژوهشی که مقدار قابل توجهی از سوی اعضای هیئت علمی پژوهشی و آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی نگارش شده است و محتوای ۳۰ نشست علمی - تخصصی، کرسی نظریه پردازی و ترویجی و مصاحبه با صاحب نظران، در ۶ مجلد چاپ گردیده است که در روز همایش رونمایی و در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.





دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم



دانشگاه باقر العلوم



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

همایش ملی بیجا کا دو انقلاب و تمدن نوین اسلامی

گزیده انعکاس خبری و تصاویر گرسی های نقد



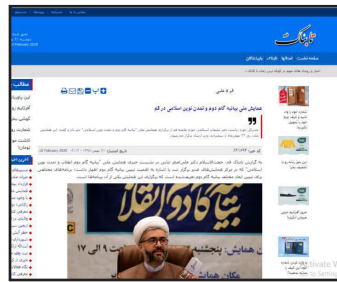
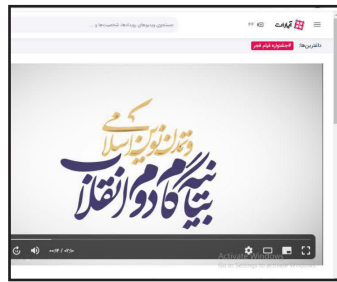
همایش ملی بیجاگاد و انقلاب ترک نوین اسلام



همایش ملی بیجا گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی



همایش ملی **بیجاگام و انقلاب** تهران نوین اسلام



از میان همه‌ی ملت‌های زیرستم، کمترملت‌ی به انقلاب همّت می‌گمارد؛
و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که
توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های
انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین
و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چّله‌ی
پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی
وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و
اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و
جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛
بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و
جهانی چهل سال دوّم می‌شود.

فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری علیه‌السلام



ویژه‌نامه همایش ملی

بیانیه گام دوم انقلاب

و تمدن نوین اسلامی

۰۲۵ - ۳۷۸۳۱۷۳۲ - ۴



۰۲۵ - ۳۱۱۵۲۶۱۲



۳۷۸۳۱۷۳۵



www.gaam2@dte.ir



www.gaam2.dte.ir

